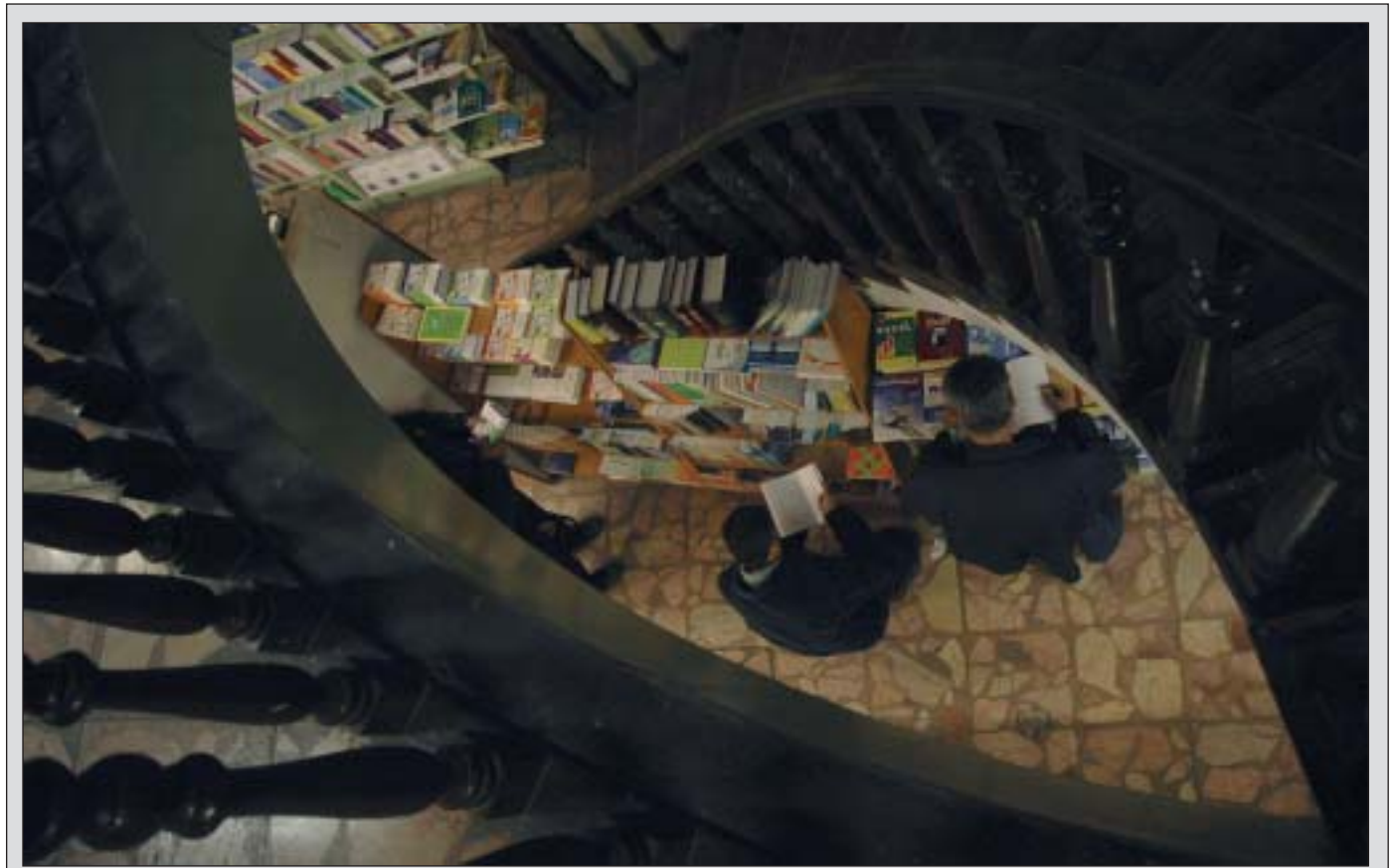


لایحه توزیع کتاب در راه مجلس

یکی از مهم‌ترین موضوعات حوزه نشر پس از تولید کتاب عرضه و در دسترس قرار دادن کتاب است. این مشکل سال‌هاست که حوزه نشر را با مشکلات فراوانی روبرو کرده است. اگرچه برخی از خود ناشران و برخی دیگر از فعالان این حوزه در قالب یک ساختار سنتی به توزیع کتاب می‌پردازند، اما این امر هم نتوانسته است همه کتاب‌ها را به سراسر کشور برساند. براین اساس معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در صدد تدوین لایحه‌ای برآمده است تا با قانونی کردن مسئله توزیع و کتاب‌سازی این گره چند ده ساله را برای همیشه باز کند. حمید قبادی، مشاور اجرایی معاونت امور فرهنگی از چند و چون این لایحه با کتاب هفته سخن گفته است. وی در باره این لایحه می‌گوید: مسئله توزیع از موضوعات جدی است

که طی سال‌های گذشته در حوزه فرهنگ و بویژه حوزه کتاب مطرح بوده و هست. تا پیش از این حمایت‌ها به صورت ناشر محور و در جهت حمایت از نشر و تولید بود. بر این اساس بر تعداد ناشران به میزان قابل توجهی افزوده شد. پس از تغییر جهت حمایت‌ها و الزامات قانونی برنامه چهارم و چرخش حمایت‌ها از تولید به مصرف‌کننده، برنامه‌های مختلفی در معاونت فرهنگی مطرح شد و قرار شد بحث توزیع به عنوان یکی از بحث‌های مهم به شکل ویژه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس مقرر شد در برنامه‌ها به سمتی برویم که به حوزه توزیع توجه بیشتری شود. یکی از این برنامه‌ها تدوین لایحه و مقررات حمایتی قانونی که به نوعی زیر ساخت‌های این حوزه را هم در برگیرد را تدوین شده و به تصویب برسد.



کارشناسان از مقایسه شمارگان کتاب‌های ادبی در ایران و جهان می‌گویند

سراب تیراژ

۷

بارضا قیصریه درباره روند ترجمه ادبیات ایتالیایی از زبان مبدأ شکر فارسی در قهوه ایتالیایی

چاپ دارد. قیصریه درباره فعالیت این روزهایش به کتاب هفته می‌گوید: کتابی در دست چاپ دارم اما جدید نیست. در واقع نمایشنامه‌ای به اسم یک روز نحس اثر شوچنکو را سال‌ها قبل ترجمه کردم و به نشر نیلا سپردم. البته این نمایشنامه را حدود پنج - شش سال قبل در یکی از نشریات تخصصی تئاتر چاپ کرده بودم. اما چون نشر نیلا در حوزه تئاتر و نمایشنامه کار می‌کند، پذیرفت این نمایشنامه را منتشر کند. این مترجم درباره نقش خود در کتاب‌های کلاغ آخر از همه می‌رسد و قارچ‌ها در شهر که چندی قبل از سوی دو تن از دانشجویانش ترجمه شد می‌افزاید: این دو کتاب مجموعه داستان‌های کوتاه ایتالو کالوینو بودند که با همکاری خانم‌ها اعظم رسولی و مژگان مهرگان ترجمه کرده بودم و اخیراً هم خانم مژگان مهرگان در ادامه ترجمه داستان‌های کوتاه کالوینو، کتاب سوداگری در ساخت و ساز را توسط انتشارات کتاب خورشید منتشر کرد و خانم اعظم رسولی هم مجموعه داستان «چه کسی در دریا مین کاشت؟» از همین نویسنده را ترجمه و منتشر کرد. من هم در ترجمه و چاپ این آثار به آنها کمک کردم. در واقع من در مورد ترجمه جلد اول آثار کالوینو فقط نظر دادم. چون این دو مترجم در کار خودشان بسیار ماهرند و از شاگردان خیلی خوب من در دانشگاه بودند و تسلط خوبی به زبان ایتالیایی دارند.



کافه نادری رمانی به قلم رضا قیصریه استاد ادبیات ایتالیایی دانشگاه اخیراً به چاپ هفتم رسیده است. هفت داستان از دیگر آثار تالیفی او نیز با اقبال جامعه ادبی و منتقدان تجدید چاپ شده است. رضا قیصریه پیش از این نیز تپه‌های سبز آفریقا و پروانه و تانک از ارنست همینگوی را از انگلیسی به فارسی ترجمه و منتشر کرده بود. زندگینامه ارنست همینگوی و سرگذشت یک غریب از دیگر ترجمه‌های وی محسوب می‌شود. رضا قیصریه که دکترای علوم سیاسی را از دانشگاه رم گرفته، آثار شاخص و برجسته‌ای از ادبیات ایتالیا را ترجمه و منتشر کرده که داستان‌های رمی از آلبرتو مورایا و روزهای جغد از لئوناردو شوشا و کافه زیر دریا از استفانو بنی از آن جمله است. وی از سال ۸۵ کتاب‌های کلاغ آخر از همه می‌رسد و قارچ‌ها در شهر شامل داستان‌های کوتاه ایتالو کالوینو را با همکاری اعظم رسولی و مژگان مهرگان ترجمه و توسط انتشارات کتاب خورشید منتشر کرده و هم اکنون مجموعه‌ای از داستان‌های سورئالیستی کالوینو را با همکاری هاله ناظمی ترجمه کرده که تحت عنوان گوساله دریایی در دست چاپ است. علاوه بر این مجموعه‌ای از داستان‌های رمی آلبرتو مورایا را با عنوان من که حرفی ندارم ترجمه و منتشر کرده که چندی پیش چاپ سوم آن به بازار آمد و هم اکنون نمایشنامه طنز یک روز نحس اثر میخائیل شوچنکو را توسط نشر نیلا زیر

زنگ کتاب به صدا درمی‌آید؟

نمی‌دانم این روزها کتابخانه‌های عمومی مدارس چه شکلی است، فقط این را می‌دانم که ضرورت ایجاد عادت مطالعه در کودکان، ایده‌ای به نام زنگ کتاب رادردهن مسئولان امر تقویت کرده است؛ ایده‌ای که شاید تا اجرایی شدن راه درازی در پیش باشد. این گزارش می‌کوشد تا از خلال نظرات صاحب نظران، به چشم اندازی از ایجاد زنگ کتاب در مدارس دست پیدا کند. تا نهادینه شدن عادت مطالعه در دانش‌آموزان ایرانی راه درازی در پیش است؛ راهی که به نظر می‌رسد توجه به کتابخوانی در مدارس می‌تواند آغازگر آن باشد. حمیدرضا شاه‌آبادی مدیر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در پاسخ به این سوال که ایجاد زنگ کتاب در مدارس چه ضرورت‌هایی دارد، می‌گوید: پرداختن به موضوع کتاب و کتابخوانی و معرفی کتاب و هر برنامه‌جینی که سبب علاقه‌مندی به کتاب و مطالعه شود، کار پسندیده‌ای است؛ به شرط آنکه مدارس ملزم به کار جدی در این زمینه شوند.

۶

کتابخانه

شنبه ۲ شهریور ۱۳۸۷
۲۱ شعبان ۱۴۲۹، ۲۳ آگوست ۲۰۰۸
شماره ۱۴۵، پیاپی ۷۹۶
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدram پاک‌آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواجه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایران‌چاپ

www.ketabehafteh.ir

دیوان دوزبانه پروین اعتصامی

دیوان دوزبانه پروین اعتصامی به سفارش دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی و با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شود. به گزارش دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی، ترجمه این دیوان در حال حاضر به پایان رسیده و مراحل ویرایش و بازخوانی را می‌گذرانند. براساس این گزارش، مهدی افشار این اثر را به انگلیسی برگردانده و ناشر آن، انتشارات واژه آراست. این دیوان در قطع وزیری و با جلد گالینگور، کاغذ گلاسه و حاشیه چهاررنگ به شیوه‌ای بسیار نفیس به چاپ خواهد رسید. ترجمه انگلیسی دیوان پروین اعتصامی این فرصت را پدید می‌آورد که انگلیسی‌زبانان با اثر برجسته بانوی شعر ایران که از مفاخر ادبی روزگار ماست آشنا شوند.

۵

۱۰

واقعاً انقلاب جزو آن حوادثی است که جز زبان هنری، اصلاً قابل بیان کردن نیست. مثلاً آدم چطور می تواند در یک تاریخ، وضع زندان های رژیم پهلوی را تصویر کند؛ اصلاً در تاریخ نمی شود. کسی حوصله ندارد که اینها را در تاریخ بخواند، جز در داستان و در شعر؛ عمده در داستان می شود اینها را بیان کرد. بقیه ماجراهایی هم که در انقلاب گذشته، فقط در قصه و کار هنری قابل ارائه است و لاغیر؛ لذاست که داستان انقلاب باید نوشته می شد. شما الان می توانید داستان انقلاب را بنویسید؛ اصلاً آن را باید حالا بنویسید. داستان انقلاب را آن زمان هانمی شد نوشت؛ الان باید نوشت؛ کما این که من می گویم قصه جنگ را هم الان باید نوشت. زمان جنگ، خطرات جنگ را می شد نوشت همین کاری که شماها کردید، اما قصه جنگ یک چیز دیگر است. هنرمندی که می خواهد از این ماجرا یک قصه در بیاورد، بایستی بر فضا مسلط باشد، تا بتواند از همه عناصر استفاده کند؛ اصلاً خاصیت کار هنری این است. باید اثر پایی از همه قضایای انقلاب در این قصه بیاید. در یک کوجه اتفاقی می افتد، در یک خانه اتفاقی می افتد؛ اما این کوچک شده آن حادثه بزرگی است که در همه جای کشور اتفاق افتاده است.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نویسندگان و هنرمندان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۷/۳/۲

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان کرد تعامل خوب بانک صادرات با وزارت ارشاد

به گفته معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بانک صادرات در صدور بن های الکترونیکی تعامل خوبی را با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته است.

در پی درج خبری به نقل از معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مبنی بر این که بانک صادرات هیچ مبلغی را در حوزه بن های کاغذی دریافت نکرده، دکتر محسن پرویز در توضیح این خبر به خبرنگار اینا گفت: آن چه در این باره گفتیم، مربوط به هزینه صدور کارت الکترونیکی خرید کتاب بود. وی با اشاره به مذاکراتی که از نظر اقتصادی با بانک صادرات انجام شده، افزود: از آن جا که صدور هر قطعه از کارت های الکترونیکی هزینه ای برابر ده تا پانزده هزار ریال در بر دارد، مقرر شد درازای سرمایه ای که معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بانک صادرات برای مدت زمانی بدون دریافت سود - سپرده گذاری کرده، خدماتی که این بانک برای کارت های الکترونیکی ارائه می دهد، رایگان باشد.

وی خاطر نشان کرد: بانک صادرات در این زمینه همکاری خوب و منطقی با معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشت و این موافقتنامه را پذیرفت. دکتر پرویز اذعان داشت: با وجودی که این اقدام هزینه بالاتری را نسبت به سود پیش بینی شده در بر داشت، ولی بانک صادرات هزینه های یاد شده را برای خدمات رسانی رایگان کارت های الکترونیکی پذیرفت. اکنون نیز هیچ مبلغی برای صدور کارت های الکترونیکی به بانک صادرات پرداخت نمی شود.

وی خاطر نشان کرد: هزینه چاپ بن های کاغذی نیز توسط معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمین شده و خدماتی که در این باره ارائه می شوند نیز رایگان است.

تجلیل رهبر معظم انقلاب از خدمات علمی آیت الله مرعشی شوشتری



حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت عالم پرهیزگار مرحوم آیت الله حاج سید محمد حسن مرعشی را تسلیت گفتند. متن کامل پیام به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم. درگذشت عالم پرهیزگار مرحوم آیت الله آقای حاج سید محمد حسن مرعشی را به عموم اهالی مومن شوشتر و ارادتمندان و شاگردان ایشان در حوزه علمیه تهران و به خصوص به خانواده و فرزندان محترم و دیگر بازماندگان ایشان تسلیت عرض می کنم. این عالم محقق سالها به تدریس و تعلیم و پژوهش در زمینه فقه و حقوق اسلامی اشتغال داشته، خدمات ارزشمنندی به قوه قضائیه و محیط علمی در تهران ارائه کردند.

خداوند متعال رحمت و مغفرت خود را شامل حال این خدمتگزار دین و دانش بفرماید.

سید علی خامنه ای
۳۰ مرداد/۱۳۸۷

زندگینامه مرحوم آیت الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری (ره)

آیت الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری عضو مجلس خبرگان رهبری هفته گذشته بر اثر عارضه کلیوی به رحمت ایزدی پیوست.

آیت الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری به سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در شهرستان شوشتر متولد گردید. وی شاخه های علوم اسلامی را در سطوح مختلف از محضر عالمی چون محمد حسن آل طیب، سید محمد تقی حکیم، علامه شیخ محمد تقی شوشتری و سید محمد جزایری فرا گرفت.

نیو و استعداد فوق العاده، همت و تلاش کم نظیر و درک عالمان بزرگ از او فقهی کم نظیر ارائه نمود. تواضع، مناعت طبع، بی توجهی به مناصب دنیوی، روشن بینی اجتماعی، اجتهاد عمیق، آفرینش دهها اثر علمی و پژوهشی و تربیت دهها اندیشمند از جمله ویژگیهایی است که موجب شده است تا از او به عنوان الگوی علمی و اخلاقی یاد نمایند. او با دانش گسترده و عمیق در زمینه فقه و حقوق و اصول فقه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی نظریات و

دیدگاههای خود را در مدرسه عالی شهید مطهری و دانشگاههای تهران ارائه می کرد.

دیدگاه های او در زمینه فقه جزایی از مهمترین منابع فقهی برای ققیهان و حقوقدانان به شمار می آید. آیت الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری (ره) همگام با امام خمینی (ره) در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران مشارکت کرد و با عمل به تکلیف اجتماعی خویش با حکم امام خمینی به عضویت شورای عالی قضایی منصوب شد. همچنین در انتخابات مجلس خبرگان با آرای مردم به عضویت در مجلس خبرگان درآمد.

کتابشناسی آیت الله مرعشی شوشتری
مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری در عمر پربرکت خود دست به تالیف کتاب های بسیاری زدند که عنوان برخی از آن ها به این شرح است:

شرح کتاب الفیه ابن مالک به زبان عربی در زمینه ادبیات عرب، شرح بر تلخیص مختصر المعانی به زبان عربی در زمینه ادبیات عرب، شرح بدایه الحکمه به زبان عربی در زمینه فلسفه، شرح نهایی الحکمه به زبان عربی در زمینه فلسفه، شرحی بر تهذیب المنطق

تفتازانی به زبان فارسی در زمینه منطق، حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری به زبان عربی در زمینه اصول فقه، حاشیه بر کفایه الاصول آخوند خراسانی به زبان عربی در زمینه اصول فقه، شرح بر تحفه القوامیه که فقه منظوم است. شرح بر تحفه الحکیم شیخ محمد حسین کمپانی در حکمت متعالیه، تعلیقه بر تمهید القواعد ابن ترکه، حاشیه التلخیص فی الاصول، شرحی بر حلقه سوم اصول فقه شهید صدر، نگارش یک دوره درس خارج اصول، شرح بر تعلیقات ابن سینا در فلسفه، شرحی بر قانون مجازات اسلامی، شرحی بر ارشاد الازدهان علامه حلی (سبیل الرشاد الی شرح الارشاد)، ترجمه کتاب فلسفتنا شهید صدر، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام در دو مجلد به زبان فارسی.

از آثار یاد شده برخی از آنها مانند دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام در دو مجلد و شرح ارشاد در یک مجلد و شرحی بر قانون مجازات اسلامی در یک مجلد و ترجمه فلسفتنا در یک مجلد چاپ شده است. همچنین از این عالم بزرگوار فقید دهها مقاله در مجلات علمی و پژوهشی کشور نیز به چاپ رسیده است.

در نشست خبری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام شد

جشن کلام خدا؛ ۲۷ شعبان

ماه رمضان شروع می شود و سعی بر این است تا سالهای آینده نمایشگاه را از نیمه شعبان شروع و تا نیمه رمضان ادامه دهیم، تصریح کرد: امسال ساعت فعالیت نمایشگاه تغییر می کند که با توجه به بحبوحه گرمای هوا و وقت محدودتر در زمان روزه داری، ساعت نمایشگاه از ۱۵ عصر تا ۲۴ نیمه شب خواهد بود.

وی فعالیت های بخش حوزه های علمیه را شامل ارائه رساله های دکتری و کارشناسی ارشد، برگزاری ۱۰ نشست علمی با حضور اساتید حوزه های علمیه خواند و در ادامه فعالیت بخش دانشگاهی را مورد توجه قرار داد و گفت: دفاعیه پنج رساله دکتری و کارشناسی ارشد، ارائه و انتخاب پایان نامه های برتر، نشریات قرآنی دانشگاه ها و انتخاب برترین های آنها، برگزاری ۱۴ نشست تخصصی قرآن کریم با حضور اساتید دانشگاهی و نوآوری های قرآنی در دانشگاه ها از فعالیت های عرصه دانشگاهی خواهند بود.

صفا هرندی با بیان اینکه امسال بخش الکترونیک هم در عرصه فعالیت های قرآنی جدیت پیدا می کند، اظهار داشت: نرم افزارهای قرآنی را به دآوری خواهیم گذاشت و برترین های آنها شناسایی شده و برای خرید و اهدا به مؤسسات قرآنی اقدام می شود. پخش زنده شانزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم روی اینترنت به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی نیز از دیگر فعالیت ها خواهد بود. دکتر علی خواجه پیری نیز در این نشست خبری با بیان اینکه دبیرخانه شانزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن به ارزیابی نقاط ضعف و قوت پانزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن پرداخت، اظهار داشت: این نمایشگاه که با تغییر نسبت به نمایشگاه قبل از ۸ شهریور ماه (۲۷ شعبان) تا ۲۶ ماه مبارک رمضان برگزار می شود، سعی دارد یک روز پیش از افتتاح نمایشگاه قرآن، آماده شود. امسال برای نخستین سال است که این نمایشگاه در ۲۹ روز برگزار می شود چرا که سال های گذشته از ۲۰ تا ۲۶ روز مدت زمان برگزاری نمایشگاه بوده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست خبری شانزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم با اشاره به اینکه نمایشگاه امسال پر بارتر از سال گذشته خواهد بود و در آن به ارتقای کیفی آثار اقدام کرده ایم، گفت: نمایشگاه امسال از ۲۷ شعبان تا ۲۶ رمضان از ساعت ۱۵ تا ۲۴ برگزار می شود.

محمد حسین صفا هرندی در نشست خبری شانزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم با اشاره به اینکه آخرین سفارش پیامبر اکرم (ص) به کتاب خدا و عترت است که جدایی ناپذیر هستند، اظهار داشت: همه ما تصویر یکسانی از فضای ماه مبارک رمضان در ذهن و دل داریم که در یک توصیف کوتاه می توان گفت که فضای ماه مبارک رمضان تفرجگاه اهل انس و اهل معرفت با کلام الهی است. وی با بیان اینکه هر کس به فراخور خود از روزها و شبهای ماه مبارک رمضان بهره مند می شود، تصریح کرد: این ماه ویژگی های خاص خود را دارد که تأثیرات آن در همه مسائل اجتماعی مشهود است، به طوری که در این ماه جرایم اجتماعی کاهش چشمگیری می یابند. بنابراین ماه مبارک رمضان فرصت مناسبی است تا بهره نظام یافته ای از این ماه ببریم.

صفا هرندی با بیان اینکه افراد با ذکر و دعا به تجارب فردی دست می یابند، افزود: باید برنامه های جمعی نیز برای این ماه تدارک دید که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سالها قبل متکفل برنامه های جمعی در ماه رمضان شده است. امسال شانزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم در ماهی که ماه قرآن است از ۲۷ شعبان تا ۲۶ رمضان برگزار می شود. برای ما پذیرفته شده است که هرگز نباید هیچ روزی مساوی روز قیل و یا حتی کمتر از آن باشد. بر این اساس نمایشگاه امسال را پر بارتر از سال گذشته در نظر گرفته ایم و در هر زمینه ای به ارتقای کیفی اقدام کرده ایم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه نمایشگاه بین المللی قرآن پیش از

ایرانی ها کمتر از دیگران کتاب نمی خوانند



سرانه مطالعه در ایران نسبت به رقم های مایوس کننده ای که گاهی گفته می شد، به مراتب بالاتر است؛ اما در مقابل این پرسش که آیا این رقم خوشحال کننده است، ما هم می گوئیم نه.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سه شنبه گذشته و در حاشیه نشست خبری نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، درباره آمار سرانه مطالعه، گفت: قبلاً خدمت عزیزان و ملت شریف گزارش دادم که هیچ آمار روشن و قابل اتکایی درباره سرانه مطالعه در کشور نداریم و همین فقدان آمار رسمی سبب شد که به عنوان کار ضروری، آن را سفارش دهیم. برآوردهایی برحسب قرائن و نشانه ها صورت گرفته است و چون از زاویه نگاه های

مختلف طراحی شده، نتایجی داده و آن چه برای ما محرز شده، این است که میزان سرانه مطالعه نسبت به رقم های مایوس کننده ای که گاهی گفته می شد، به مراتب بالاتر است.

او در ادامه عنوان کرد: آنچه همیشه بر آن اصرار داشته ایم، این است که جامعه خودمان را از آنچه در مقوله کتاب و کتابخوانی هست، عقب تر نشان ندهیم؛ چون واقعیت ندارد. میزان متوسط مطالعه در بسیاری از کشورها چنان نیست که بخواهیم بگوئیم عقبیم و امیدوارم آمار کتابخوانی ما به نقطه ای برسد که کسی دنبال کشف دقیقه هانرودو این حضور مشهود، خودش مبین کتابخوانی در کشور ما باشد.

صفا هرندی افزوده به گمان من، این حرف، حرف درستی نیست که بگوئیم مطالعه اگر در حوزه کتاب دین و اعتقادی باشد، مطالعه نیست. مطالعه برای افزایش معرفت اتفاق می افتد. با خواندن کتابی که گنجینه همه معارف است، بر دانش انسان افزوده نمی شود؛ به نظر، در این حرف باید تجدیدنظر کنیم. شاید به عادت می گویند، بله کتابخوانی یعنی رمان. رمان یکی از شاخه های کتابخوانی است؛ اما تاریخ، جغرافیا و روان شناسی در حوزه کتابخوانی نیستند؛ همه کتاب اند. کتاب شامل عرصه های مختلف است و همه آنها را که خوانده می شود، در آمار کتابخوانی باید لحاظ شود.

رضانی دبیر جایزه کتاب سال شد



مدیرعامل موسسه خانه کتاب، ضمن تشکر از زحمات دکتر منوچهر اکبری، دبیر پیشین جایزه کتاب سال، دکتر محمدعلی رضانی، دبیر جدید این جایزه را معرفی کرد.

به گفته دبیر جدید جایزه کتاب سال، کتاب فصل، پروین اعتصامی و جلال آل احمد روند داوری آثار ارسالی به دبیرخانه این جایزه تغییر نکرده خواهد کرد.

محمدعلی رضانی گفت: اگر شیوه داوری و بررسی آثار ارسالی به دبیرخانه این جایزه نیاز به بازنگری داشته باشد با مشورت صاحب نظران و داوران همکار دبیرخانه تغییراتی در آن ایجاد خواهیم کرد.

جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی که در حوزه های مختلف برگزار می شود، معتبرترین و وسیع ترین جایزه در ایران است. به برندگان جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ۵۰ سکه بهار آزادی اهدا می شود. هر کتاب منتخب برای جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی باید حداقل ۹۰ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز را داشته باشد. از سوی دیگر موسسه خانه کتاب برگزارکننده جایزه جلال آل احمد نیز هست. طبق اساسنامه جایزه جلال آل احمد، دبیر جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی دبیر علمی این جایزه نیز خواهد بود.

به برگزیدگان جایزه جلال آل احمد ۱۱۰ سکه بهار آزادی اهدا می شود. ارزش مالی این جایزه نسبت به سایر جوایز ایران بیشتر است.

نخستین دوره این جایزه قرار است دوم آذر سال جاری همزمان با سالروز تولد این نویسنده برگزار شود. جایزه کتاب فصل و جایزه پروین اعتصامی نیز دو جایزه دیگری هستند که موسسه خانه کتاب آنها را برگزار می کند. دبیر علمی این دو جایزه نیز دبیر جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی است.

گفتنی است محمدعلی رضانی عضو هیئت علمی دانشگاه و دانش آموخته رشته فلسفه است. وی سردبیری و حضور در هیئت علمی چند نشریه را در کارنامه دارد. رضانی در عین حال دبیری کمیته علمی چندین همایش فرهنگی از جمله روش شناسی مدیریت اسلامی را به عهده داشته است.

جشنواره کتاب سال مسجد برای اولین بار برگزار می شود

مدیر کل روابط عمومی ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور از برگزاری جشنواره کتاب سال مسجد در سطح کشور خبر داد و گفت در عین حال دو هزار کتابخانه نیز در صحن مساجد در سال جاری راه اندازی می شود.

وی گفت: آغاز افتتاح این کتابخانه ها در شبستان های مساجد همزمان با روز جهانی مساجد خواهد بود. طاهریان تعداد کتابخانه های فعال کانون های فرهنگی و هنری مساجد کشور را ۱۸۰۰ کتابخانه ذکر کرد. به گفته وی، کانون های فرهنگی و هنری مساجد تا پایان سال جاری به مرز ۶ هزار کانون افزایش می یابد.

سومین جشنواره کتاب برتر کودک و نوجوان؛ ۶ شهرویر

سومین جشنواره کتاب برتر با معرفی آثار برگزیده حوزه کتاب و تصویرگری کودک و نوجوان شهرویرماه جاری برگزار می شود.

این جشنواره قرار است ششم شهریور با حضور علی اکبر اشعری و دکتر محسن پرویز در محل کتابخانه ملی ایران برگزار شود.

همچنین ناشران و نویسندگان کتاب کودک و نوجوان نیز در مراسم اختتامیه سومین جشنواره کتاب برتر شرکت می کنند.

آثار ارسال شده به این جشنواره در سه گروه داوری متن، تصویر و مدیریت نشر بررسی می شوند. همچنین کتاب هانیز در دو بخش علمی - آموزشی و ادبی داوری می شوند. به گزارش فارس سومین جشنواره کتاب برتر را انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان با حمایت معاونت فرهنگی وزارت ارشاد برگزار می کند.

انتشار ترجمه قدیم قرآن

با شرح «رواقی»

ترجمه قرآن مجید با شرح، پیرایش و ویراستاری علی رواقی در شانزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم عرضه می شود.

علی رواقی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در این باره گفت: این ترجمه قدیم قرآن، به قرن پنجم هجری مربوط می شود که مترجم آن مشخص نیست.

به گفته رواقی بنابر تحقیقاتی که انجام شده و بنابر قراین سبک شناسانه، حوزه ترجمه این قرآن، ماوراءالنهر و فرارود است و با زبان قدیم این حوزه ترجمه شده است.

دارلقرآن، ناشر اثر، شب گذشته یک نسخه چاپ شده از این قرآن را برای تأیید نهایی به رواقی داده است و نسخه های دیگر، هم اکنون در حال صحافی است.

علی رواقی، استاد کهنه کار زبان و ادبیات فارسی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و متخصص زبان های فارسی حوزه فرارود (ماوراءالنهر) است.

تدوین فرهنگ واژه گان قرآنی در دو جلد، تصحیح تفسیر قرآن پاک و فرهنگ پسوند واژه های زبان فارسی در هشت جلد از جمله آثار او هستند.

حمایت وزارت ارشاد از

طرح های گسترش کتابخوانی

ستاد برگزاری شانزدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران از طرح های تقویت و گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در سراسر کشور حمایت می کند.

دبیر ستاد برگزاری شانزدهمین دوره هفته کتاب با بیان مطلب بالا افزود: به همین منظور از کلیه نهادهای، تشکل ها و افراد حقیقی و حقوقی دعوت می شود تا طرح های تفصیلی خود را به همراه نکات اجرایی آن به ستاد شانزدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران بفرستند.

محمدحسن فکری اضافه کرد: این ستاد آمادگی دارد تمامی طرح هایی را که در راستای اشاعه و گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در میان قشرهای مختلف جامعه به این دبیرخانه ارسال می شود، مورد بررسی، کارشناسی و حمایت قرار دهد.

دبیرخانه این ستاد در معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ساختمان اصلی وزارتخانه، طبقه سوم، دایر است.

برنامه های سرای اهل قلم

سرای اهل قلم این هفته با ۴ نشست میزبان علاقه مندان حوزه کتاب است.

اولین برنامه این سرا فردا - یکشنبه - و از ساعت ۱۷ با حضور مهدی کاموس برگزار می شود. موضوع این نشست کارگاه نقد است.

دوشنبه ۴ شهریورماه نیز محمدحسین ساکت، دکتر محمدرضا وصفی، محمود آموزگار و محمد راسخ به بررسی کتاب تاریخ تئوری های حقوقی اسلامی می نشینند.

نقد و بررسی مجموعه شعر با دو چشم یکتایی دیگر برنامه سرای اهل قلم است که روز سه شنبه و از ساعت ۱۶:۳۰ با حضور جواد محقق، سید ضیاءالدین شفیع، دکتر مژگان عباسلو و قربان ولیئی برپا می شود.

از ساعت ۱۷ الی ۱۹ چهارشنبه نیز بلقیس سلیمانی، کامران پارسی نژاد، علی الله سلیمی و فیروز زونوزی جلالی میزبان علاقه مندان خواهند بود تا در حضور آنها به نقد و برای رمان قاعده بازی بنشینند.

انتشار اسناد حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه کتابی را در زمینه پیشینه تاریخی جزایر ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ و اثبات حاکمیت ایران بر آنها همراه با اسناد تاریخی منتشر کرده است.

نام این کتاب «حاکمیت بر جزایر ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ در روند سیاست خارجی ایران است که نقی طبرسا، پژوهشگر معاصر تاریخ ایران مقیم انگلیس آن را نوشته است.

به نوشته پایگاه اینترنتی مرکز پژوهشی میراث مکتوب، نقی طبرسا مدتی به عنوان کاردار ایران در ابوظبی بوده است و دسترسی وی به اسناد و مدارک موجود در زمینه حاکمیت بر جزایر سه گانه دو کشور ایران و امارات متحده عربی سبب شده پژوهش وی جامع و آکادمیک باشد.

نویسنده در یک فصل جداگانه با عنوان «خلیج فارس و جزایر سه گانه در گذر زمان» به دوران باستان تا پایان سلطه پرتغال و هلند و سپس تسلط بریتانیا بر خلیج فارس و عقب نشینی آن کشور پرداخته است.

طبرسا همچنین در فصلی دیگر، مستندات حقوقی و سیاسی امارات عربی متحده درباره جزایر یادشده را با استفاده از دیدگاه‌های حقوقدانان اماراتی و غیراماراتی و اسناد مورد ادعای آنها معرفی کرده است.

دو قصه «آل احمد» به تصویر کشیده می شود

«حجت قاسم زاده اصل» بر اساس دو داستان کوتاه «بچه مردم» و «اختلاف حساب از آثار جلال آل احمد»، دو فیلمنامه را در مرکز سیمافیلم به نگارش درآورد.

قاسم زاده اصل «با اشاره به اقتباس از این دو داستان، گفت: این دو فیلمنامه را به منظور ساخت یک فیلم تلویزیونی و در دو اپیزود به نگارش درآورده‌ام.

وی با بیان اینکه فیلمنامه به زبان حال و امروزی به نگارش درآمده است، تصریح کرد: فیلمنامه «بچه مردم» زندگی زنی را روایت می کند که در آستانه ازدواج مجدد قرار دارد و شوهر وی بچه او را نمی پذیرد. زن تصمیم می گیرد بچه را سر راه بگذارد.

قاسم زاده اصل دو فیلمنامه اقتباسی را بر اساس دو داستان فوق از «جلال آل احمد» در مرکز سیمافیلم نوشته است.

وی پیش از این بر اساس داستان «مسلول» از نوشته‌های «جلال آل احمد» فیلمنامه‌ای ۹۰ دقیقه‌ای برای تلویزیون نوشته بود.

«مسلول» پس از نگارش برای بررسی به مرکز سیمافیلم تحویل داده شده است.

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی عنوان کرد

استقلال ملت ها در ادبیات معاصر ایران

واقعی است و کودکان را در یک فضای تخیلی بدون این که در روابط اجتماعی آنها هیچ گونه جایگاهی داشته باشد، مشاهده می شود. در حالی که در ادبیات فارسی سعی شده مفاهیم انسانی و اخلاقی را آموزش دهد و این گونه کتب در حال ترجمه است و شما فرصت خوبی دارید که به این گونه ادبیات که به رشد بشریت کمک خوب و شایسته‌ای خواهد کرد، توجه نمایید. مشاور رئیس جمهور افزود: شما دانشجویان که با زبان فارسی آشنایی دارید، اگر اخبار مربوط به ایران را از منابع اصلی دریافت کنید، شناخت خوبی از ایران خواهید داشت.



خصوص کودکان با سایر ملل گفت: در مقایسه با کتب کودکان سایر ملل بخصوص اروپاییان که دارای یک خلأ است و این خلأ در ادبیات اروپایی یک تخیل غیر

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در دیدار با اساتید و دانشجویان زبان فارسی سوریه گفت: حفظ استقلال ملتها در ادبیات معاصر ایران قابل مشاهده است.

وی افزود: به جز شیرینی زبان فارسی و زیبایی آن، که علاقمندان بسیاری در جهان دارد، ادبیات معاصر ایران، زبانی برای روابط خوب انسان ها است و تبلیغ محبت و دوستی و روابط گرم خانواده ها در کتابهای زبان فارسی قابل مشاهده است. این زبان در ارتباط با مسائل اخلاقی بسیار خوب توضیح داده شده و بر مخاطبان تأثیر خوبی دارد. همچنین تفکرات با پشتوانه اخلاقی و به دور از مسائل ماثینی در زبان فارسی قابل مشاهده است. در ادبیات معاصر ایران ایده ها و تفکرات معاصر قابل مشاهده است که چطور یک فرد و یک جامعه بتوانند از آزادی دفاع کنند و استقلال خود را بدست آورند. حفظ استقلال ملت ها و حفظ بزرگی ملت ها در ادبیات فارسی قابل مشاهده است. مصطفوی ضمن اشاره به تمایز ادبیات ایران در

همزمان با پیشرفت ۹۰ درصدی ساخت کتابخانه پیشنهاد شد

اختصاص یک و نیم میلیارد تومان برای تجهیز کتابخانه مرکزی ارومیه

۵۰۰ میلیون ریال به شروع عملیات ساخت کتابخانه قره ضیاءالدین از توابع شهرستان خوی، یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال به کتابخانه جدید مهاباد و ۵۷ میلیارد و ۱۸ میلیون ریال نیز به ساخت کتابخانه مرکزی شهرستان میاندوآب اختصاص یافته است. سفر اول هیات دولت به استان آذربایجان غربی سال ۱۳۸۵ انجام شد و هیات دولت به ریاست رئیس جمهوری، در راستای دور دوم سفرهای استانی خود، به این استان نیز عزیمت خواهد کرد.

با زیربنای ۵۰۰ متر مربع سال گذشته در استان به تصویب رسیده است، خاطر نشان کرد: زمین این کتابخانه ها فراهم شده و عملیات ساخت آنها به مناقصه گذاشته شده است که تا پایان سال جاری این سه کتابخانه افتتاح می شوند.

مدیرکل امور کتابخانه‌های عمومی استان آذربایجان غربی همچنین خبر داد: امسال از محل تملک دارایی‌های استان، یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال به ساخت کتابخانه در شهر خوی، دو میلیارد و

همزمان با پیشرفت ۹۰ درصدی ساخت کتابخانه مرکزی ارومیه از محل اعتبارات ریاست جمهوری، در راستای سفر دوم هیات دولت به استان آذربایجان غربی، پیشنهاد اختصاص ۱۵ میلیارد ریال اعتبار برای تجهیز کتابخانه مرکزی از سوی اداره کل کتابخانه‌های استان مطرح شده است.

مدیرکل امور کتابخانه‌های عمومی استان آذربایجان غربی با اعلام این خبر خاطر نشان کرد: همچنین در صورت تصویب، اعتبار مورد نیاز برای ساخت کتابخانه مرکزی شهرستان‌های استان از محل این سفر تامین می شود.

علی فیروز یادآور شد: پروژه ساخت کتابخانه مرکزی ارومیه، سال ۱۳۸۱ در زمینی به مساحت ۵۷۰۰ متر مربع و زیربنای ۸۵۰۰ متر آغاز شد. طبقه زیرزمین به مساحت سه هزار متر مربع از مخزن کتاب، سالن اسناد، انبار کتاب‌های وارده، خدمات فنی، صحافی و اتاق‌های پشتیبانی و سالن آمفی تئاتر تشکیل شده است. طبقه همکف نیز به مساحت ۲۱۰۰ متر تازه‌های نشر، امور نابینایان، سالن مطالعه نشریات، سالن برگزاری جلسات آمفی تئاتر، سرسرای ورودی سالن اجتماعات و بخش اداری را دربردارد.

وی ادامه داد: سالن‌های قرائتخانه خانم‌ها و آقایان، کتاب‌های مرجع و نمازخانه در طبقه اول و کتابخانه پژوهشی، اتاق‌های مطالعه و مشاوره در طبقه دوم جای دارند. سالن آمفی تئاتر به مساحت ۳۳۰ متر مربع ظرفیت گنجایش ۲۰۰ نفر را دارد.

فیروز با بیان این مطلب که ساخت یک باب کتابخانه جدید در شهرهای سلماس، خوی و ارومیه

تا پایان شهریور منتشر می شود

نسخه جدید لوح فشرده لغتنامه دهخدا

انتشارات دانشگاه تهران در حال تکثیر چهارمین نسخه لوح فشرده لغتنامه دهخدا است و قرار است این نسخه را تا پایان شهریور ماه سال جاری منتشر کند. این نسخه با تصاویر بیشتر و نگارشی بر متن از لحاظ ویرایشی تهیه شده است.

نسخه اول لوح فشرده لغتنامه دهخدا حدود ۸ سال پیش منتشر شد که بعدها قفل آن شکسته شد و سودجویان به انتشار نسخه‌های غیر مجاز آن پرداختند. بعد از آن تقریباً به فاصله هر دو سال نسخه‌های بعدی لوح فشرده لغتنامه دهخدا نیز منتشر شد.

از دیگر تفاوت‌های نسخه چهارم با نسخه‌های قبلی، قابلیت نصب آن روی همه سیستم‌ها و ویندوزهاست که در نسخه‌های قبلی، این نرم افزار در این زمینه روی برخی سیستم‌ها و ویندوزها مشکلاتی داشت.



خانه کتاب

فراخوان

دومین دوره جایزه گام اول

به همت خانه کتاب برگزار می شود

این جایزه با هدف کشف استعداد و تشویق هرچه بیشتر پدیدآورندگانی است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده‌اند.

موضوع‌های مورد ارزیابی هئیت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را از اول سال ۱۳۸۶ در زمینه‌های یاد شده به چاپ رسانده‌اند، دعوت می شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان مرداد ۱۳۸۷ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۱۷۸، طبقه اول

دورنگار: ۶۶۴۱۵۳۶۰ تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹

دیوان دوزبانه پروین اعتصامی

دیوان دو زبانه پروین اعتصامی به سفارش دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی و با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می شود.

به گزارش دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی، ترجمه این دیوان در حال حاضر به پایان رسیده و مراحل ویرایش و بازخوانی را می گذراند. براساس این گزارش، مهدی افشار این اثر را به انگلیسی برگردانده و ناشر آن، انتشارات واژه آرا است. این دیوان در قطع وزیری و با جلد گالینگور، کاغذ گلاسه و حاشیه چهاررنگ به شیوه ای بسیار نفیس به چاپ خواهد رسید.

ترجمه انگلیسی دیوان پروین اعتصامی این فرصت را پدید می آورد که انگلیسی زبانان با اثر برجسته بانوی شعر ایران که از مفاخر ادبی روزگار ماست آشنا شوند. مهدی افشار مترجم این اثر درباره ویژگی های شعر پروین می گوید: اصولاً شعر پروین شعر اندرز و اخلاق است و خواننده ضمن مطالعه و لذت بردن از وزن و قافیه و اوزان از اندرزاها هم لذت می برد.

افشار می افزاید: هرچند بعضی ها از نصیحت شنیدن لذت نمی برند اما چون در شعر پروین خواننده مخاطب مستقیم نیست از شعر لذت می برد.

افشار شعر پروین را شعر گفت و گو می داند و می گوید: شعر پروین، شعر گفت و گو و محاوره است و برای مثال گل لاله با خاک یا کلاغ با بلبل به گفت و گو می نشیند و در روزگار ما هم که روزگار گفت و گوست شعر پروین شعری مناسب دوران است. مهدی افشار می گوید: در شعر پروین همه موجودات با هم به گفت و گو می نشینند، علاوه بر این نمادهای مختلفی در اشعار وجود دارند که به نوعی نمادی از انسان ها هستند و سعی دارند به مخاطب این نکته را



پروین یک زن ایرانی است که در زمان خود به نقد مسائل اجتماعی دوران خود پرداخته است.

افشار درباره مخاطبان دیوان دوزبانه پروین می گوید: ما در حال حاضر، گروه عظیمی از ایرانیان را داریم که به خارج از کشور مهاجرت کرده اند و نسل دوم این مهاجران هرچند زبان فارسی را آموزش دیده اند اما انگلیسی را بهتر از فارسی می فهمند و آثاری از این دست مانند دیوان دوزبانه پروین این فرصت را به آنها می دهد که با زبان فارسی و با فرهنگ و ادبیات سرزمین مادری شان آشنا تر شوند.

افشار زبان آموزان را یکی دیگر از مخاطبان این اثر می داند و می گوید: بخش دیگری از مخاطبان این اثر جوانانی هستند که در کشور خودمان در حال یادگیری زبان انگلیسی هستند که این اثر می تواند به آنها فرصت

انتقال دهند که برتری های ظاهر نمی تواند ملاک برتر بودن قرار گیرد. نقد دوران اجتماعی یکی دیگر از ویژگی هایی است که افشار به آن اشاره می کند و می گوید: نگاه پروین، نگاه نقد روزگار خودش است علاوه بر این یک نوع جریان عاطفی در شعر پروین وجود دارد.

مترجم دیوان پروین می افزاید: در ترجمه دیوان پروین سعی داشتم به دنبال محتوا باشم و هرچند اوزان را در ترجمه رعایت کرده ام اما به دنبال ریتم نبودم چرا که گاهی محتوا فدای ریتم می شود که من در این ترجمه سعی کردم از این خطا به دور باشم.

افشار درباره این ترجمه افزود: اگر ما ایرانیان پیامی را که داریم به جهانیان منتقل کنیم، در عرصه گفت و گوهای جهانی، حرفی برای گفتن خواهیم داشت.

در پی سفر استانی هیات دولت صورت گرفت

اختصاص ۲ میلیارد تومان به کتابخانه مرکزی همدان

به دنبال سفرهای استانی هیات دولت به استان همدان، ۲۰ میلیارد ریال اعتبار در دو سال اخیر به پروژه کتابخانه مرکزی استان اختصاص یافت. ۷۰ درصد از عملیات ساخت این کتابخانه انجام شده و پیش بینی می شود تا زمان برپایی هفته کتاب امسال، افتتاح شود.

فاضل عبادی مدیرکل امور کتابخانه های استان همدان، با اعلام این خبر، زیربنای این کتابخانه را هفت هزار و ۵۰۰ متر مربع عنوان کرد و افزود: سال شروع این پروژه سال ۱۳۷۷ بوده که به تأخیر افتاد. وی ادامه داد: بر اساس مصوبه هیات وزیران در

سفر دکتر احمدی نژاد، ریاست محترم جمهوری به استان همدان، تأمین تجهیزات کتابخانه بر عهده اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خواهد بود و تا پایان شهریور ماه محوطه سازی آن انجام می شود. به گفته وی، کتابخانه مرکزی همدان در زمینی به وسعت هشت هزار متر مربع در تپه مصلا واقع است. این کتابخانه با احتساب همکف، در مجموع چهار طبقه دارد. طبقه همکف به فروشگاه، نمایشگاه کتاب و بوفه اختصاص یافته است. بخش های رایانه، آموزش و دریافت کتاب از جمله قسمت های اصلی طبقه اول هستند.

طبقه دوم نیز به بخش اداری و پژوهشی و دفتر ریاست و معاونت اختصاص یافته و طبقه سوم سالن اصلی برای بخش مرجع، نشریات و فهرست نویسی و ... در نظر گرفته شده است.

وی همچنین خبر داد که امسال، کتابخانه روستایی تاجر از توابع ملایر افتتاح می شود. این کتابخانه توسط بخشرداری ساخته و هزینه تجهیز آن به مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال از محل اعتبار استانی پرداخت شد.



جشنواره نقد کتاب

فراخوان



خانه کتاب

پنجمین جشنواره نقد کتاب

همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد کتاب، پنجمین جشنواره نقد کتاب را همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات تخصصی کتاب و نشراتی که اثری با موضوع «نقد کتاب» در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده اند دعوت می کند آثار خود را حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۷ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر،

شماره ۱۰، سرای اهل قلم، طبقه پنجم

تلفن: ۶۶۴۱۵۲۵۵ تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.naghdeketab.ir



دفتر امور نشر و کتاب

فراخوان

بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۸۷ برگزار می شود. بر این اساس دبیرخانه کتاب سال از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، مصححان و ناشران دعوت می کند، آثار خود را تا ۲۱ شهریور ۱۳۸۷ به نشانی زیر ارسال کنند.

اهداف کتاب سال:

- ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی
- حمایت و تشویق مولفان، مترجمان و مصححان و ناشران متعهد کشور

شرایط شرکت در کتاب سال:

- آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۶ منتشر شده باشند.
- کتاب های درسی و کمک درسی نباشند.



خانه کتاب

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان فلسطین جنوبی و صبا،

شماره ۱۱۷۸، طبقه ۲-، دبیرخانه کتاب سال

تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۸، دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.ketabsal.ir

پیشنهادهایی برای کتابخوانی در مدارس

زنگ کتاب به صدا در می آید؟



نمی دانم این روزها کتابخانه های عموم مدارس چه شکلی است، فقط این را می دانم که ضرورت ایجاد عادت مطالعه در کودکان، ایده ای به نام 'زنگ کتاب' را در ذهن مسئولان امر تقویت کرده است؛ ایده ای که شاید تا اجرایی شدن راه درازی در پیش باشد.

این گزارش می گوید که تا از خلال نظرات صاحب نظران، به چشم اندازی از ایجاد زنگ کتاب در مدارس دست پیدا کند.

تا نهادینه شدن عادت مطالعه در دانش آموزان ایرانی راه درازی در پیش است؛ راهی که به نظر می رسد توجه به کتابخوانی در مدارس می تواند آغازگر آن باشد.

حمیدرضا شاه آبادی مدیر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در پاسخ به این سوال که ایجاد زنگ کتاب در مدارس چه ضرورت هایی دارد، می گوید: 'پرداختن به موضوع کتاب و کتابخوانی و معرفی کتاب و هر برنامه جنبی که سبب علاقه مندی به کتاب و مطالعه شود، کار پسندیده ای است؛ به شرط آنکه مدارس ملزم به کار جدی در این زمینه شوند.'

این نویسنده کودک و نوجوان درباره ساعت کتابخوانی در مدارس می گوید: 'اگر قرار باشد رجوع به کتاب های غیر درسی در قالب مواد درسی قرار گیرد و به زنگ کتابخوانی به صورت یک درس نگاه شود، قطعاً دچار مشکل خواهیم شد. یعنی اگر در این زنگ بچه ها ملزم به انتخاب کتاب شوند و ناچار باشند ساعات خاصی را به مطالعه بپردازند، نتیجه معکوس خواهد داشت. در یک کلام اگر بتوانیم کاری کنیم که بچه ها لذت مطالعه را درک کنند، کتابخوان می شوند. در غیر این صورت هیچ رفتار دیگری نتیجه بخش نخواهد بود. مگر اینکه مسئولان برنامه ریزی مناسبی انجام دهند که زنگ کتاب با دیگر ساعات های درسی متفاوت باشد.'

محمد میرکیانی نویسنده کودک و نوجوان، نیز می گوید: 'موضوع کتاب و کتابخوانی در درجه اول باید توسط آموزگاران جدی گرفته شود. یعنی در درجه اول آموزگاران باید اهل مطالعه باشند تا در این زمینه به تشخیص دست پیدا کنند و در فرصت های مناسب بتوانند اهمیت کتابخوانی را برای بچه ها تبیین کنند.'

نویسنده کتاب 'قصه ما مثل شد' که در سال ۸۶ به عنوان برگزیده کتاب سال معرفی شد در ادامه می گوید: 'اولین اتفاق باید در ساختار تعیین معلمان بیفتد. اگر چنین ساختاری به نتیجه نرسد، زنگ کتاب هم مانند زنگ انشا، قطعاً مثر نمی خواهد بود. البته من منکر تلاش های آموزگاران نیستم اما باید به کتابخوانی و کتاب، به منزله یک تخصص برای معلمان نگریسته شود.'

محمدعلی شامانی معاون دفتر انتشارات کمک آموزشی نیز معتقد است که بیشتر از نیاز به ایجاد زنگ کتاب، باید میل به خواندن را در بچه ها تقویت کرد.

او می گوید: 'متأسفانه مدارس ما خواننده جدی تربیت نمی کنند و دانش آموزان معمولاً از سرناچاری کتاب های درسی خود را مطالعه می کنند. من این مطالعه را بد نمی دانم اما کافی نیست. اگر مدارس در فضای غیررسمی به گونه ای برنامه ریزی کنند که بچه ها با کتاب آشتی کنند، اولین گام برای لذت خواندن ایجاد شده است. اما اگر ساعات کتابخوانی رسمی و اجباری باشد، لذت خواندن به دست نمی'

می گوید: 'باید با لحاظ کردن تفاوت های فرهنگی و سلیقه ای بچه ها، انواع و اقسام کتاب های علمی، تخیلی، رمان، شعر، کتاب های دینی و... را در اختیار آنها قرار داد تا خودشان دست به انتخاب بزنند. نه اینکه انباشتی از کتاب های خاص را در اختیار آنها بگذاریم. چون چنین شیوه ای بچه ها را دلزده می کند. اما ملکی می گوید: 'هر چیزی ارزش خواندن ندارد. ما وظیفه داریم که در انتخاب مواد خواندنی مناسب به بچه ها کمک کنیم. با توجه به حجم وسیع اطلاعاتی که بچه ها در دنیای امروز با آن روبه رو هستند، آزاد گذاشتن بچه ها برای انتخاب هر گونه کتابی، می تواند به منزله سوق دادن آنها به سوی کتاب های نامناسب از فرهنگ های دیگر باشد و ممکن است در ذهن آنها تشمت ایجاد کند. از طرف دیگر کتاب های کتابخانه های مدارس، نو نیست و در کنار آن اطلاعات آنقدر وسیع است که انسان معاصر ناگزیر از انتخاب می شود. بنابراین مریبان نیز باید به بچه ها کمک کنند تا بهترین انتخاب ها را داشته باشند.'

پیشنهادهایی برای زنگ کتاب

در صورتی که زنگ کتاب در مدارس به وجود بیاید، ارائه پیشنهاد های صاحب نظران می تواند راهگشای برنامه ریزی های مسئولان این حوزه باشد.

شاه آبادی می گوید: آنچه که خیلی مهم است، برخی بدیهیات اولیه است. نخستین پیشنهاد این است که کتابخانه های مدارس فعال و غنی شوند و کتاب های مناسب و جذاب در آنها ارائه شود. دومین مرحله، حضور کتابداران آموزش دیده و علاقه مند است که کتاب های خوب را به کودکان معرفی کنند. در صورتی که در حال حاضر متأسفانه بیشتر کتابداران مدارس از میان نیروهای کادری که توانایی تدریس را ندارند، انتخاب می شوند و هیچ گونه دید تخصصی

طرح اولیه زنگ کتاب در مدارس، ۳ ساعت زنگ کتاب در نظر گرفته شده است. ملکی می گوید: این برنامه تا رسیدن به مرحله اجرا، راه زیادی در پیش دارد و یک طراحی ۲۰ ساله است. آموزش و پرورش برنامه درسی ملی دارد که زودتر از چهار یا پنج سال دیگر آغاز نخواهد شد. در این برنامه پیش بینی هایی انجام گرفته است که در فضای مدرسه و در ساعات بازی و سرگرمی، بتوان مهارت های کتابخوانی را به کودکان آموزش داد.'

چه کتابی بخوانیم؟

حال این پرسش مطرح می شود که اگر ساعتی به کتابخوانی اختصاص داده شود، چه نوع کتاب هایی باید در اختیار دانش آموزان قرار داده شود؟

شاه آبادی می گوید: 'برای چنین ساعتی، نمی توان برنامه از پیش تعیین شده ای در نظر گرفت. باید به اولیای مدارس و کتابداران اجازه داد که با توجه به علایق و توانایی های بچه ها، تصمیم بگیرند. چون بچه های شهر های مختلف، علایق و توانایی های متفاوتی دارند و ارائه برنامه یکدست برای تمام مدارس، شیوه مناسبی نیست.'

میرکیانی نیز معتقد است که نباید محدودیتی در انتخاب موضوعات برای دانش آموزان وجود داشته باشد. او می گوید: 'در برنامه زنگ کتابخوانی، آموزگاران باید ذوق سنجی کنند تا بدانند هر کدام از شاگردان به چه نوع کتاب هایی علاقه مند هستند یا فضای غالب کلاس به چه موضوعاتی تمایل دارد. برخی بچه ها به طنز و فانتری و کتاب های تخیلی علاقه دارند و برخی بچه ها کتاب های علمی و تاریخی را می پسندند. بنابراین سنجیدن ذوق بچه ها کار اصلی معلمان است.'

شامانی هم معتقد است که با توجه به اینکه انسان ها نیاز های و علایق متفاوت دارند، نمی توان موضوعات یکدستی را برای همه بچه ها در نظر گرفت. او

آید و در نهایت تبدیل به عادت هم نمی شود. عسگر ملکی بیرجندی مشاور رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی کتب درسی وزارت آموزش و پرورش اما معتقد است گنجاندن زنگ کتاب در مدارس به منزله افزوده شدن به ساعات درسی بچه هاست. او می گوید: 'هر عنوان درس یا موضوعی که قرار باشد به نظام آموزش و پرورش وارد شود، باید جایی در برنامه هفتگی داشته باشد اما چون نمی توان از ساعات درسی کم کرد، پس باید به ساعات درسی افزوده شود. در این صورت بچه ها ناچار می شوند بیشتر در مدرسه بمانند. بنابراین ساعت کتابخوانی شکل اجبار را به خود می گیرد. مگر اینکه بخشی از ساعات درس هایی مثل املا، انشا و ادبیات فارسی به کتاب اختصاص داده شود.'

شامانی معتقد است که نیازی به حذف برخی ساعات درسی یا اضافه کردن هیچ ساعتی برای کتابخوانی نیست. او می گوید: 'مهم این است که روش های تدریس متحول شود و معلم به دانش آموزان اجازه جست و جو بدهد.'

این در حالی است که رئیس دفتر تالیف کتاب های درسی تیر ماه ۸۷ در خبری اعلام کرده بود که در

در برنامه زنگ کتابخوانی، آموزگاران باید ذوق سنجی کنند تا بدانند هر کدام از شاگردان به چه نوع کتاب هایی علاقه مند هستند یا فضای غالب کلاس به چه موضوعاتی تمایل دارد

او کمک گرفتن از نهادهای دیگر مرتبط با حوزه کتاب و انتخاب کتاب های مناسب برای کتابخانه های مدارس را از دیگر راهکارهای راه اندازی زنگ کتاب در مدارس می داند.

میرکیانی نیز برگزاری مسابقه کتابخوانی، اجرای نمایش از کتاب های داستانی با بازیگری خود بچه ها و ... را برای بهتر برگزار شدن زنگ کتاب پیشنهاد می کند.

او می گوید: "برای جذاب تر شدن زنگ کتاب می توان از نویسندگان ادبیات داستانی کودک و نوجوان برای حضور در مدارس دعوت کرد تا بچه ها بتوانند سوالات خود را به طور مستقیم از آنها بپرسند. در کنار این کار می توان آثار ادبی بچه ها را به مراکز مثل کانون پرورش فکری ارسال کرد تا منتشر شود. بازدید از مراکز انتشاراتی بزرگ و آشنایی بچه ها با مراحل چاپ و نشر نیز می تواند زمینه های علاقه مندی به کتاب فراهم کند. در غیر این صورت صرف اختصاص دادن سه ساعت به زنگ کتابخوانی کافی نیست."

شامانی نیز می گوید: "برای گسترش کتابخوانی، نیازمند بازنگری در فضاهای آموزشی و چیدمان کلاس و روش تدریس هستیم. فضای مدرسه باید به گونه ای طراحی شود که بچه ها به راحتی به کتاب دسترسی داشته باشند. کتابخوانی باید به صورت نامحسوس در متن آموزش حضور داشته باشد."

ملکی نیز معتقد است پیش از هر برنامه ریزی برای زنگ کتاب، باید معلمان نظام حفظ محور و حافظه پرور را مجاب کنیم که شیوه تدریس خود را تغییر دهند. او می گوید: متأسفانه هنوز به کتاب و کتابخوانی به عنوان یک برنامه جدی نگریسته نمی شود و بیشتر شکل تفننی دارد. بنابراین اولین اولویت در ترویج کتابخوانی در مدارس - قبل از به وجود آوردن ساعات ویژه کتابخوانی - ایجاد عادت به مطالعه است؛ به طوری که کودکان به مطالعه خو بگیرند. اما این مساله نباید حالت دستوری داشته باشد."

تأثیر زنگ کتاب بر شیوه های تدریس

آنچه صاحب نظران در مقوله کتابخوانی دانش آموزان بر آن تأکید دارند، ایجاد تغییر در شیوه های تدریس در مدارس ایران است و گمان می رود ایجاد زنگ کتابخوانی بتواند تأثیراتی بر شیوه های کهنه تدریس داشته باشد.

شاه آبادی می گوید: تأثیر گذاری زنگ کتابخوانی در تدریس در درازمدت اتفاق می افتد. بچه هایی که با کتاب خواندن، ذهن ورزیده ای پیدا کرده اند، معلمان راهم سرشوق می آورند و زمینه های خلاقیت را در روش های تدریس آنها فراهم می آورند."

میرکیانی نیز معتقد است که به وجود آمدن شیوه های نو در تدریس، ممکن است یکی از پیامدهای مثبت کتابخوانی جدی در مدارس باشد.

شامانی نیز تأثیر گذاری این زنگ را بر شیوه های تدریس انکار نمی کند اما معتقد است که پیش از هر کاری، باید بر دیدگاه های خانواده ها درباره مطالعه، تأثیر بگذاریم. او می گوید: متأسفانه در خانه ها عادت به مطالعه ایجاد نمی شود و معلمان نیز به خاطر پایبندی به جدول رسمی آموزش، از ایجاد این عادت عاجزند و کمتر به بچه ها اجازه داده می شود که به کتاب های مختلف رجوع کنند. اگر هم این اجازه به آنها داده شود، کتابخانه هایی که بوی کهنگی می دهد نمی تواند نیازهای مخاطب امروز را رفع کند. بنابراین اولین گام باید در خانواده ها برداشته شود و مدرسه، عادت کتابخوانی را به رغبت جدی تبدیل کند. تنها در این صورت است که زنگ کتابخوانی می تواند موفق عمل کند."

ملکی نیز می گوید: "زنگ کتابخوانی طرح امیدوارکننده ای است اما باید از خلال درس های مختلف خود را نشان دهد. از جمله تأثیراتی که این زنگ می تواند در شیوه های تدریس بگذارد این است که معلمان دروس مختلف از خلال همین زنگ، به نوآوری هایی در تدریس دست بزنند و برای هر درس تنها به متن همان درس اکتفا نکنند."

مقایسه شمارگان کتاب های ادبی در ایران و جهان از نگاه کارشناسان

سراب تیراژ

مقایسه می رسند که شمارگان کتاب های ایران کم است. در صورتی که نباید شمارگان کتاب های عامه پسند را به عنوان شمارگان عمومی کتاب در دیگر کشورها تصور کرد."

محقق می گوید: کتاب های عامه پسند و پرتیراژ هم با توجه به بین المللی بودن زبان انگلیسی و داشتن حوزه های فرهنگی فراملی و پخش همزمان در قاره های گوناگون به فروش می رود و تجدید چاپ می شود. در واقع مصرف شمارگان بالای کتاب، فقط مختص کشور خودشان نیست و بخش عمده شمارگان بالای همین کتاب های عامه پسند سهم صادرات است. مثلاً صدهزار نسخه شمارگان کشور انگلستان، به کشورهای انگلیسی زبان دیگر اختصاص دارد و در واقع مصرف کننده آنها در کشورهای مقصد است، نه مبدأ."

محقق در ادامه به آماری که یکی از پژوهشگران ایرانی در مقایسه شمارگان کتاب های ادبی ایران، آمریکا و روسیه انجام داده است اشاره می کند و می گوید: "این آمار در مقایسه شمارگان یک سال واحد میان این سه کشور، به این نتیجه رسیده بود که شمارگان کتاب های جدی ادبی در ایران، حتی بالاتر از آن کشورها بود و این مساله ای است که می توان آمار و ارقام آن را ارائه داد."

پرسشمارگان اما عامه پسند

به نظر می رسد که اقبال عمومی از کتاب های عامه پسند سبب تفاوت فاحش شمارگان این کتاب ها با کتاب های ادبی شده است. اما باید دید کارشناسان در این زمینه چه نظری دارند.

حمزه زاده در این باره می گوید: فکر می کنم دلیل این امر، کم بودن تعداد خوانندگان کتاب های جدی ادبی است. اما گمان می کنم بهتر باشد به ارائه تعریفی از این دو نوع کتاب بپردازیم. به عقیده من، هر کتاب ادبی که در تدارک آن باشد که درباره مسائل جدی بشر صحبت کند و وجدان بشر را درگیر خود کند، کتاب جدی است اما ادبیاتی که صرفاً سرگرم کننده است و هدف رشد ذهنی خواننده را در خود ندارد، عامه پسند است."

او در ادامه می گوید: "شمارگان و آمار فروش کتاب های عامه پسند درست به همان دلیل بالاست که آمار فروش اسباب بازی و لوازم سرگرمی در دنیا بالاست. دلیل این امر هم این نیست که مردم دنیا یک توده بی هدفند، بلکه نشان می دهد که نیاز به شاد بودن و سرگرمی، یکی از نیازهای جدی بشر است و کتاب عامه پسند هم یکی از این سرگرمی ها محسوب می شود. اما ادبیات جدی، به طور کلی خوانندگان کمتری هم دارد. چون این نوع ادبیات نیاز به فکر کردن دارد و هر چند فوایدی دارد، اما کمتر کسی به سراغ آن می رود. ادبیات جدی درست مثل غذای دیر هضمی است که دیر هم آماده می شود اما خوردن آن فواید زیادی دارد!"

محسن سلیمانی: کشور ما در زمینه شمارگان کتاب های

ادبی جدی، تفاوت

چشمگیری با کشورهای

دیگر ندارد، اما آنچه سبب

سوء تفاهم می شود، تیراژ

بالای کتاب های عامه پسند

در کشورهای دیگر است

سلیمانی نیز می گوید: کم شمارگان بودن کتاب های جدی ادبی در جهان، به دلیل نوع مخاطب است. مسلم است که تعداد افراد فرهیخته خیلی کمتر از تعداد مردم عامی است. عامه مردم ادبیات جدی را نمی خوانند. آنها ادبیاتی را می خوانند که در لحظه جذابیت داشته باشد. در صورتی که کتاب های ادبی جدی این جذابیت را برای آنها ندارد. چون این کتاب ها انسان را به تفکر بیشتر وادارند و آنها را به نگرانی های زندگی بر می گردانند و درگیر مسائل فکری می کنند. تعداد خوانندگانی هم که با طیب خاطر به سراغ این درگیری ذهنی بروند کم است. چون رمان های جدی از نظر زبانی هم پیشرفته تر هستند و ذهن خواننده را درگیر مسائل فلسفی یا ایدئولوژیک می کنند، مخاطب آنها هم کمتر است."

محقق نیز معتقد است که کم بودن تعداد خوانندگان کتاب های جدی، مختص کتاب های ادبی جدی نیست. او می گوید: "طبیعتاً در هیچ شاخه ای از علوم و کتاب ها، تعداد مخاطبان جدی به اندازه مخاطبان رشته های عام و عمومی نیست و این مساله به هنر و ادبیات اختصاص ندارد. مگر شمارگان کتاب های حوزه فن و تکنیک خیلی بالاست؟ شمارگان این نوع کتاب ها از ادبیات جدی هم کمتر است."

ضعف یا قوت؟

کم بودن شمارگان و مخاطب کتاب های جدی در دنیا، ضعف است؟

حمزه زاده معتقد است که این مساله نقطه ضعف نیست. او می گوید: این یک ویژگی است. در سینما هم فیلم های اندیشه ورزی که می خوانند حرف های جدی بزنند، مخاطبان اندکی دارند. جمعیت متفکران هر جامعه محدود است. تعداد کسانی که خلاق و مبتکر هستند و با مسائل جدی تر برخورد می کنند، کم است و نیازی به بررسی هم ندارد. بنابراین شمارگان محصولات فرهنگی جدی هم باید متناسب با تعداد این آدم ها باشد. بنابراین نقطه ضعف محسوب نمی شود. بلکه وزن علمی و فکری این نوع کتاب ها بیشتر از شمارگان کتابی اهمیت دارد که به طور طبیعی وزن علمی و فکری کمتری دارد."

سلیمانی نیز می گوید: "نویسنده خودش مخاطب را انتخاب می کند. بسیاری از نویسندگان جدی، رمان های سبک و عامه فهم هم نوشته اند اما با نام مستعار چاپ کرده اند. کم بودن شمارگان کتاب های جدی ادبی نیز ضعف نیست؛ خاص گرایی است. البته گاهی پیش آمده که عامه مردم، از آثار جدی هم استقبال کرده باشند. البته این مساله بیشتر درباره رمان های کلاسیک مصداق داشته است."

او ادامه می دهد: "خواننده عام در رمان به دنبال پیدا کردن صف خوب ها و بدهاست. اما زمانی که در یک رمان جدی، شخصیتی نه خوب است و نه بد، تکلیف خواننده عام را روشن نمی کند! بنابراین کم بودن شمارگان کتاب های جدی ادبی، نقطه ضعفی برای این آثار تلقی نمی شود. چون مخاطب خاص دارند."

محقق نیز معتقد است که این کتاب ها، مخاطبان خاص خود را دارند و کم بودن شمارگان آنها در بسیاری از کشورها، ضعف محسوب نمی شود. او می گوید: کم بودن مخاطب کتاب های جدی، علاوه بر ساده فهم تر بودن کتاب های عامه پسند، با سیراب شدن مخاطبان از منابع دیگری مثل سینما، تلویزیون و اینترنت هم مرتبط است که دیگر جایی برای کتاب هایی که انسان را به تفکر وامی دارند، باقی نمی گذارند."



راهکارهای جدید کتاب رسانی در گفت و گو با مشاور اجرایی معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد

لایحه توزیع کتاب در راه مجلس

فرهنگی برگردیم. اگر چه به نظر می رسد که باید نگاه جامع و کلانی به این موضوع داشته باشیم و با توجه به این که هنوز جزییاتی از این موضوع در دست نیست، باید ببینیم به چه موضوعاتی می پردازد مثلا شرایط و ویژگی های افراد متقاضی، چگونگی حمایت ها، میزان و احیاناً سقف بهره مندی شهرها از این امکانات و ...

هر برنامه و طرحی که در حوزه کتاب، توزیع و کتاب رسانی مطرح شده و به مرحله اجرا درآید، از چارچوب قوانین و مقررات شهری بیرون نخواهد بود. الزاماتی برای بعضی از فعالیت ها در شهرها وجود دارد که با تغییر کاربری حذف نمی شود. این الزامات شامل حوزه کتاب هم می شود. هدف ما در تهیه این لایحه ایجاد شرایط آسان برای علاقه مندان به فعالیت در حوزه فرهنگ و بویژه کتاب است؛ به طوری که هر کسی در سراسر کشور تقاضای راه اندازی کتابفروشی دارد و مشکلات و مانعی هم بر سر راه فعالیت اش وجود ندارد به راحتی بتواند اقدام کند. در حال حاضر ضرورت این امر به اندازه ای است که پرداختن به جزییاتی چون تعیین میزان و سقف بهره مندی شهرها از این مراکز ضرورتی ندارد. گرچه در آیین نامه اجرایی برخی از ملاحظات برای برخی از شهرها در نظر گرفته خواهد شد ولی قدم اول این است که قانون به یک شهروند برای راه اندازی یک کتابفروشی با رعایت همه جوانب اجازه فعالیت بدهد. این قانون قصد برهم زدن ساختار و شرایط کلی شهری را هم ندارد. ما نمونه هایی در کشور داریم مثل مطب پزشکان، داروخانه ها، دفاتر ثبت و ... که حکم تجاری هم ندارند و در صورت نداشتن مشکل و مانعی برای ساکنان اماکن مسکونی به فعالیت خود ادامه می دهند و به مردم هم خدمات ارائه می کنند. ما در این لایحه به دنبال تصویب راه اندازی مراکز عرضه کتاب مثل مراکز ذکر شده هستیم.

بر اساس این لایحه که نمونه آن در شهر تهران هم به تصویب رسید از روی قاعده معافیت هایی هم اعمال خواهد شد؛ اما چنانچه همه ما می دانیم هنوز کتابفروشان بر اساس بند ل ماده ۱۳۹ قانون مالیات های مستقیم از شمول این معافیت خارج هستند و هنوز ظاهراً چالش ها ادامه دارد. این امر در ساختار کلان کشوری چگونه دیده خواهد شد؟ ماده ۱۳۹ قانون مالیات های مستقیم بحث جداگانه ای دارد و بر اساس مسائلی که بر آن مرتب بوده و در این سال ها به اجرا در آمده باید به آن نگاه کرد. قانون یک امر کلی است و اگر این امر در حوزه کتاب رسانی هم به شکل قانون در آید، اتفاق مبارکی است که در کشور رخ خواهد داد. پس از تصویب هر قانون آیین نامه هایی تدوین و به تصویب خواهد رسید که همه موارد این چنینی در آن دیده خواهد شد.

با توجه به مجموعه برنامه هایی که در معاونت فرهنگی در دست بررسی است و به آن اشاره شد، به نظر می رسد که به این مجموعه به شکل یک پکیج نگاه می شود. آیا همه برنامه های این مجموعه همزمان در حال پیگیری است؟

برخی از فعالیت ها که با تصویب آیین نامه هایی که در داخل وزارتخانه قابل اجرا هستند در حال حاضر پیگیری می شوند. از این جمله برخی از مسائل بحث توزیع است که با همکاری تشکل ها در حال پیگیری است. از دیگر مسائل ساخت مجتمع های فروش کتاب است که با جدیت دنبال می شود.



در واقع قرار است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کلید اولیه کار را بزند و بعد از آن به عنوان پشتیبان این حوزه در کنار بخش خصوصی کار کند

دقیقاً همین طور است. ما در حال حاضر به صورت مستقل نهاد صنفی نداریم. که اگر کسی بخواهد وارد کار توزیع شود نمی داند که باید چه کند و از کجا شروع کند. بنابراین ما در مرحله نخست و با توجه به اطلاعاتی که گرد آوری خواهد شد وضعیت توزیع را نظام مند خواهیم کرد. مقررات و دستورالعمل های لازم در این حوزه را به زودی تدوین خواهیم کرد. بر این اساس مشخص خواهد شد کسانی که بخواهند وارد این چرخه شوند، حتی اگر ناشر هم باشند باید چه شرایطی داشته باشند. در این مقررات اولیه اساساً نهادهایی را که می توانند همکاری کنند پیش بینی می کنیم. از جلسات اولیه هم خود اعضای این صنف تاکید داشته اند که در مرحله اول چشمداشت مادی ندارند و تنها هماهنگی برای حل مشکلات اداری و اجرایی را کافی دانسته اند. ما هم تاکید داریم که همه این اقدامات مستلزم یک نگاه جدی است.

نکته مهم دیگری که در امر کتاب رسانی وجود دارد، استاندارد سازی کتاب رسانی است. ما در قالب پخش کتاب بعضی از گروهها را داریم که فعالیت می کنند و بسیاری از آن ها شکل متمرکز و تعریف شده ای ندارند. ما باید استانداردهایی را بر اساس حداقل های موجود تعریف کنیم که اخیراً در معاونت فرهنگی به آن پرداخته شده است.

نکته دیگر شکل عرضه مجازی کتاب در کشور است. با توجه به پیشرفت های حوزه آی تی بسیاری از تولید کنندگان به عرضه کتاب در این عرصه گرایش پیدا کرده اند. در جلساتی که با برخی از این ناشران داشتیم مقرر شد با همکاری معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی برای اختصاص پایگاه های اطلاع رسانی همکاری های لازم صورت گیرد و دریافت مجوز راه اندازی این پایگاه ها به صورت جدی دنبال شود. از سوی دیگر با هماهنگی هایی که با مرکز رسانه های دیجیتال وزارت خانه صورت گرفته است قرار است نرم افزار ویژه ای برای این امر طراحی شود که پاسخگوی نیازهای مراجعان باشد. طبیعی است کتاب های عرضه شده در این پایگاه ها باید دارای مجوز انتشار باشند.

به بحث لایحه در حال تدوین برای تغییر کاربری

و اگر قرار باشد فعالیت هایی در حوزه های توزیع و فروش صورت گیرد بر همین اساس صورت می پذیرد که به گسترش مخاطب و توسعه فرهنگ کتابخوانی منجر شود. این امر مستلزم فراهم آوردن ساز و کارهایی است تا اگر شخصی برای تغییر کاربری فرهنگی خواست اقدام کند بتواند حداقل به سود آوری آن امیدوار باشد و این که از این گونه فعالیت ها استقبال می شود، امیدوار باشد.

بحث تغییر در اصطلاح قانونی مطرح می شود و به معنای تغییر نیست. تغییر به این معناست که محیط تجاری و مسکونی به عرضه کتاب اختصاص یابد، با ملاحظه مسائل غیر هزینه ای. یعنی هر کسی در هر نقطه کشور با رعایت قوانین شهری بتواند مکانی را به کتابفروشی تبدیل کند. در وضع فعلی باید آن محل تجاری باشد و هزینه تجاری به نهاد های مربوطه شهری پرداخت کند. طبیعی است در ابتدا برای کسانی که اقدام به راه اندازی کتابفروشی می کنند با توجه به قیمت و ارزش ملک پرداخت چنین هزینه هایی عملاً امکان پذیر نیست. این امر باعث می شود که فرد عطای فعالیت فرهنگی را بر لقایش ببخشد. ما درخواست های بسیار زیادی داشته ایم اما به دلیل وجود موانع قانونی این امر ممکن نبوده است. وقتی این شرایط فراهم شود و قانون به فرد اجازه دهد که مکان مسکونی و تجاری خود را به کتابفروشی اختصاص دهد و از پرداخت عوارض شهری هم معاف باشد و قانون هم حمایت کند، طبیعی است درخواست ها برای راه اندازی کتابفروشی افزایش یافته و تعداد کتابفروشی ها هم گسترش یابد.

این یک بخش قضیه است و بخش عمده دیگر آن به مسئله توزیع و هزینه دریافت کتاب در شهرهای دور و نزدیک بر می گردد. در حال حاضر بسیاری از کتابفروشی های موجود در شهرهای کشور هم دچار این مشکلند. در تغییر کاربری مکان های مسکونی به کتابفروشی هم چنانکه این معضل حل نشود، نمی توان انتظار داشت مشکل کمبود کتابفروشی حل شود و در سطح کلان تر کتابخوانی در سطح مطلوب توسعه یابد.

این نکته درست است. ما با این اقدام در صدد حل مشکل ویرتین کتاب در کشور هستیم. این اقدام مشکل شبکه توزیع و کتاب رسانی را حل نمی کند. شبکه کتاب رسانی یا عرضه اگر چه هر دو در حوزه توزیع است، اما هر کدام به نوع خودش باید بررسی شود. در حوزه توزیع ما بحث مستقلی داریم که به صورت جداگانه به آن می پردازیم. در حال حاضر مجموعه مستقل صنفی در حوزه توزیع به جز اتحادیه توزیع کنندگان که با همکاری معاونت فرهنگی تشکیل شده، نهاد مستقل دیگری نداریم؛ یعنی شبکه های پخش کتاب به صورت مستقل و خود جوش کار می کنند طبیعی است در این عرصه به قوانین و سیاست های حمایتی نیاز است. سیاست وزارتخانه ساماندهی این امر است که با شناسایی وضع موجود، نظام متمرکزی پیدا شود و در کنار این ها به شرایط استاندارد برای کتاب رسانی در کشور دست پیدا کنیم. جلساتی هم با اعضای شبکه توزیع داشتیم و قرار شده است اطلاعات کامل تری از روند کاری در این حوزه در اختیار معاونت فرهنگی قرار گیرد و معاونت فرهنگی هم برای این حوزه با توجه به وضع موجود پیش بینی های لازم را خواهد داشت.

یکی از مهم ترین موضوعات حوزه نشر پس از تولید کتاب عرضه و در دسترس قرار دادن کتاب است. این مشکل سال ها است که حوزه نشر را با مشکلات فراوانی روبرو کرده است. اگر چه برخی از خود ناشران و برخی دیگر از فعالان این حوزه در قالب یک ساختار ستی به توزیع کتاب می پردازند، اما این امر هم نتوانسته است همه کتاب ها را به سراسر کشور برساند. بر این اساس معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در صدد تدوین لایحه ای برآمده است تا با قانونی کردن مسئله توزیع و کتاب رسانی این گره چند ده ساله را برای همیشه باز کند. حمید قبادی، مشاور اجرایی معاونت امور فرهنگی از چند و چون این لایحه با کتاب هفته سخن گفته است.

قرار است لایحه ای از وزارت ارشاد به دولت و مجلس ارائه شود که محور آن تغییر کاربری فرهنگی است. آیا این اقدام در راستای حل مشکل توزیع صورت گرفته که ضروری ترین مسئله حوزه نشر است یا دلایل دیگری دارد؟

مسئله توزیع از موضوعات جدی است که طی سال های گذشته در حوزه فرهنگ و بویژه حوزه کتاب مطرح بوده و هست. تا پیش از این حمایت ها به صورت ناشر محور و در جهت حمایت از نشر و تولید بود. بر این اساس بر تعداد ناشران به میزان قابل توجهی افزوده شد. پس از تغییر جهت حمایت ها و الزامات قانونی برنامه چهارم و چرخش حمایت ها از تولید به مصرف کننده، برنامه های مختلفی در معاونت فرهنگی مطرح شد و قرار شد بحث توزیع به عنوان یکی از بحث های مهم به شکل ویژه ای مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس مقرر شد در برنامه ها به سمتی برویم که به حوزه توزیع توجه بیشتری شود. یکی از این برنامه ها تدوین لوائح و مقررات حمایتی قانونی که به نوعی زیر ساخت های این حوزه را هم در برگیرد را تدوین شده و به تصویب برسد. بر این اساس تلاش شده پیش نویس لایحه تغییر کاربری فرهنگی در حوزه کتاب تدوین و تقدیم دولت و مجلس شود و از این طریق با حمایت دولت و کمیسیون فرهنگی مجلس از منظر قانونی شاهد گام های مهمی در این حوزه باشیم.

آیا این لایحه قرار است تنها حل مشکل توزیع را مد نظر قرار دهد؟

برنامه های ما در وزارتخانه حوزه کتاب به تدوین این لایحه خلاصه نمی شود. ما در بررسی مشکل توزیع به نکات مهمی رسیده ایم. مهمترین مشکل این عرصه به نظر ما بالا بودن هزینه سرمایه گذاری در حوزه کتاب است و ویژه در بخش توزیع است. الان سهم در آمدی توزیع به نسبت قیمت پشت جلد بسیار اندک است. نسبت سرمایه گذاری بسیار بالاست و نسبت در آمدی از حداقل در آمد و سود کمتر است. به صورت طبیعی است وقتی کسی در فروشگاه بدون کار تخصصی سهم در آمدی و سود بیشتری نسبت به سرمایه گذاری به دست می آورد، سراغ فعالیتی برود که زحمت کمتر و سود بیشتر دارد. نه این که به کار کتاب پردازد که تخصصی هم هست. این معضل اساسی است و به تهران خلاصه نمی شود. در سراسر کشور و حتی در دورترین نقاط هم با آن روبرو هستیم و اقدامات متعددی هم انجام داده ایم. نگاه ما در توزیع متوجه مخاطب و مصرف کننده است



گشت و گذار در ششمین نمایشگاه همدان

زیافت کتاب در دامنه الوند

هفته گذشته پایتخت تاریخ و تمدن کشور یعنی همدان، میزبان ۳۵۰ ناشر از سراسر کشور بود تا این بار جشن کتاب در هگمتانه شهر باباطاهر، مفتون و عین القضات برگزار شود.

همدان و مردم اهل فرهنگ آنجا که برای ششمین بار پذیرای چنین رویداد مهمی در عرصه کتاب و کتابخوانی بودند همزمان با جشن کتاب و در محل برگزاری نمایشگاه، اعیاد شعبانیه را نیز جشن گرفتند تا شادی و سرور آنها دوچندان شود.

ناشران کشور پیش از همدان در شهرهای بجنورد، یاسوج، اردبیل، کرمانشاه و شهرکرد حضور یافته بودند تا همدان ششمین شهر و مرکز استانی باشد که بزرگترین و پربین نمایش نشر کشور را به مدت یک هفته در معرض دید و استفاده علاقه مندان قرار دهد.

در مراسم افتتاحیه این رویداد مهم فرهنگی که از بیست و چهارم مردادماه در محل نمایشگاه بین المللی همدان فعالیت خود را آغاز کرد، دکتر محسن پرویز معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

آیت الله محمدی نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان، عبادالله اسلامی قائم مقام مؤسسه نمایشگاههای فرهنگی، عابدی معاون سیاسی امنیتی استاندار، حجازی نماینده مردم استان در مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام سید آقا حسینی مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، برخی از مدیران استان و جمع کثیری از علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی حضور داشتند.

در ابتدای مراسم افتتاحیه ششمین نمایشگاه کتاب استان همدان حجت الاسلام سید آقا حسینی مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان پس از ارائه گزارشی در خصوص وضعیت، مختصات و امکانات نمایشگاه کتاب گفت: یکی از شاخصهای مهم رشد و توسعه فرهنگی هر منطقه مقوله تولید و مصرف کتاب است، چرا که کتاب به عنوان یکی از مهمترین کالای فرهنگی هر جامعه می تواند امنیت بخش و آرامشبخش باشد.

وی در ادامه سخنانش در خصوص ارزشهای کتاب و مطالعه گفت: کتاب می تواند یک جامعه را به نقطه قابل قبول و پارزشی برساند و خوشبختانه در جمهوری اسلامی با توجه به برگزاری نمایشگاههای کتاب و همچنین وجود آثار متنوع و باارزش احساس بالندگی می کنیم.

مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان افزود: خوشبختانه بستری فراهم شده تا انسانها از طریق کتاب آرامش را هدیه خانواده کنند و امنیت وارد جامعه شود.

وی در خاتمه سخنانش از کلیه کسانی که در شکلگیری نمایشگاه نقش داشتند تقدیر و تشکر کرد و اظهار امیدواری کرد که نمایشگاه کتاب بتواند مورد توجه و رضایت اهالی فرهنگ و ادب استان واقع شود.

خلقت انسان با هدف شناخت

در ادامه مراسم افتتاحیه ششمین نمایشگاه کتاب استان همدان، آیت الله محمدی نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان در خصوص برگزاری نمایشگاه کتاب گفت: باید بسیار خوشحال باشیم که عزیزی، برگزاری نمایشگاه کتاب را احساس وظیفه و تکلیف الهی دانستند و نمایشگاه کتاب را در برابر دیگر نمایشگاهها ایجاد کردند و امیدواریم نمایشگاه کتاب در ابعاد معنوی، مادی، اخلاقی و شئون دیگر انسانیت بسیار اثر گذار و سودمند باشد.

امام جمعه همدان در ادامه ضمن تقدیر از مسئولان برگزاری نمایشگاه و ناشران گفت: خداوند انسان را



برای شناخت آفرید و ابزار شناخت را نیز در اختیار انسان قرار داد که مهمترین آنها قلم، علم و کتاب است. وی افزود: انسان در مسیر تعالی و معرفتی خود بدون استفاده از قلم، کتاب، کاغذ، نوشتن و خواندن نمیتواند به جایگاه واقعی خود برسد. آیت الله محمدی در خصوص ارزش کتاب برای دولتها نیز گفت: در همه نابسامانیها و جنگهای بین دولتها مثل جنگ عراق، دشمن به کتابخانه این کشور جنگ زده یورش می برد.

وی در بخش دیگری از سخنانش در خصوص چگونگی گسترش فرهنگ مطالعه گفت: همانطور که برای عبادت کردن و نماز خواندن باید عاشق بود، برای کتابخوان شدن هم باید عاشق بود.

وی افزود: خداوند در قرآن می فرماید انسان باید به غذایی که می خورد نگاه کند و منظور غذای روح است علم، قلم و نوشته باید جهتدار باشد و اگر جهت خدا باشد، نور است در غیر این صورت موجبات گمراهی را ایجاد می کند.

وی اضافه کرد: نویسندگان، ناشران، بازدیدکنندگان و مطالعه کنندگان کتابها باید مراقب باشند که چه اثری را تولید می کنند و چه مطالبی را می خوانند چرا که یک مطلب می تواند محتوی تاریکی یا روشنایی باشد و به سمت تاریکی و روشنایی جهت دهد.

آیت الله محمدی در خاتمه سخنانش گفت: خوشبختانه بعد از انقلاب اسلامی خیلی پیشرفت کرده ایم و از نظر کتاب و آثار مکتوب بسیار غنی هستیم اما هنوز راهی طولانی داریم و این نمایشگاههای کتاب فرصت خوبی برای ایجاد شوق هستند تا مردم به تحقیق، پژوهش و مطالعه بپردازند.

در ادامه مراسم افتتاحیه یکصد و بیست و هشتمین نمایشگاه کتاب استانی در شهر همدان محمدرضا یوسفی نویسنده حوزه کودک و نوجوان که خود متولد شهر همدان است پس از اظهار خوشحالی در خصوص برگزاری نمایشگاه کتاب با حضور ۳۵۰ ناشر در همدان گفت: من برای نوشتن رمان افسانه های ایران زمین مناطق و اقلیمهای مختلف ایران را بررسی کردم و زمانی که به همدان رسیدم متوجه شدم کل تاریخ مردم ایران را در این خطه از کشور می توان دید و مطالعه کرد.

وی در ادامه سخنانش به وجود پیشینه فرهنگی در حوزه های مختلف در همدان اشاره کرد و اظهار امیدواری کرد اجرای برنامه ها و جشنواره های مختلف فرهنگی و هنری در همدان استمرار داشته باشد.

وی در خاتمه گفت: از این که نمایشگاه امسال استان همدان پرشکوهرتر از سال گذشته برگزار می شود جای خوشحالی است و امیدواریم مردم نیز استقبال خوبی از این رویداد داشته باشند و مناسب است از همه مسئولان و کسانی که در برگزاری نمایشگاه سهمی داشتند تقدیر و تشکر شود.

راه اندازی ستاد نهضت کتابخوانی

آخرین سخنران مراسم افتتاحیه نمایشگاه کتاب اکبر عابدی معاون سیاسی و امنیتی استاندار همدان بود. وی همدان را استانی فرهنگی معرفی کرد و مناسبترین راهکار رشد فرهنگی را مطالعه معرفی کرد و گفت: به زودی ستاد نهضت کتابخوانی را در استان فعال خواهیم کرد و راهکارهایی برای این موضوع با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است.

عابدی سپس گفت: مولفان زیادی در استان هستند که امیدواریم با توجه به حضور معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اختیار دریافت مجوز برخی از کتب یا همه کتابها به استان تفویض شود. چرا که به دلیل مسائل و مشکلات دریافت مجوز نشر کتاب بعضاً شاهد این اتفاق هستیم که مولفان کم کار می شوند یا از پیگیری نشر کتاب خود منصرف می شوند.

وی در خاتمه گفت: کتاب و کتابخوانی مسیر رشد، پیشرفت و فتح قله های علمی را برای ما باز می کند و باید امیدوار باشیم که روزی همه مردم ایران کتابخوان شوند.

هفت روز پر خاطره

همزمان با برگزاری نمایشگاه کتاب در استان همدان، برنامه های متنوع و متفاوتی برگزار شد که اغلب آنها مورد توجه و استقبال مراجعان واقع شد.

بخشی از این برنامه ها توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان اجرا شد و بخش دیگر نیز مقدمات و امکاناتش توسط موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران تامین شده بود.

اتفاق کتابخوانی از جمله بخش های پر مخاطب نمایشگاه بود که در این بخش نشست های مختلفی با حضور نویسندگان استان شکل گرفت. اغلب این نشست ها با موضوع کتاب، کتابخوانی و نقد در ارتباط بودند. البته اجرای نمایش باموضوع کتاب و کارگاه های مرتبط با کتابخوانی نیز بخش دیگری از برنامه های

جنبی این اتفاق بود که قبل از همدان نیز شاهد وجود این بخش نمایشگاهی در نمایشگاه کتاب شهرکرد بودیم. برگزاری جشن میلاد امام زمان (عج)، تقدیر از خادمان مساجد، برپایی عصر شعر با همکاری انجمن ادبی بومی، برگزاری کارگاه آموزشی حوزه کتابداری با عنوان کتابخانه های عمومی در هزاره سوم و گردهمایی ناشران استان از دیگر برنامه های جنبی نمایشگاه کتاب استان همدان بود که طی ایام برپایی این رویداد اجرا شدند.

نمایشگاه کتاب امسال همدان که در مقایسه با نمایشگاه سال گذشته از فضای بیشتری بهره مند شده بود، این امکان را به ناشران می داد تا فرصت بیشتری برای نمایش کتاب ها داشته باشند، ضمن این که بازدیدکنندگان نیز به سهولت می توانستند از نمایشگاه بازدید کنند.

در این نمایشگاه بالغ بر ۳۵ هزار عنوان کتاب در معرض دید علاقه مندان قرار داشت و بازدیدکنندگان می توانستند همانند دیگر نمایشگاه های کتاب استانی آثار مورد علاقه خود را با تخفیف ۴۰ درصدی خریداری کنند.



سایر محمدی

کافه نادری رمانی به قلم رضا قیصریه استاد ادبیات ایتالیایی دانشگاه اخیرا به چاپ هفتم رسیده است. هفت داستان از دیگر آثار تالیفی او نیز با اقبال جامعه ادبی و منتقدان تجدید چاپ شده است. رضا قیصریه پیش از این نیز تپه های سبز آفریقا و پروانه و تانک از ارنست همینگوی را از انگلیسی به فارسی ترجمه و منتشر کرده بود. زندگینامه ارنست همینگوی و سرگذشت یک غریق از دیگر ترجمه های وی محسوب می شود. رضا قیصریه که دکترای علوم سیاسی را از دانشگاه رم گرفته، آثار شاخص و برجسته ای از ادبیات ایتالیا را ترجمه و منتشر کرده که داستان های رمی از آلبرتو مورایا و روزهای جغد از لئوناردو شوشا و کافه زیر دریا از استفانو بنی از آن جمله است. وی از سال ۸۵ کتاب های کلاغ آخر از همه می رسد و قارچ ها در شهر شامل داستان های کوتاه ایتالو کالوینو را با همکاری اعظم رسولی و مژگان مهرگان ترجمه و توسط انتشارات کتاب خورشید منتشر کرده و هم اکنون مجموعه ای از داستان های سوررئالیستی کالوینو را با همکاری هاله ناظمی ترجمه کرده که تحت عنوان گوساله دریایی در دست چاپ است. علاوه بر این مجموعه ای از داستان های رمی آلبرتو مورایا را با عنوان من که حرفی ندارم ترجمه و منتشر کرده که چندی پیش چاپ سوم آن به بازار آمد و هم اکنون نمایشنامه طنز یک روز نحس اثر میخائیل شوچنکو را توسط نشر نیلا زیر چاپ دارد.

بارضا قیصریه درباره روند ترجمه ادبیات ایتالیایی از زبان مبدأ

شکر فارسی در قهوه ایتالیایی

سینمای اوایل دهه پنجاه تا پایان دهه ۱۹۸۰ ایتالیا شد و مورایا را در زمره نویسندگان مطرح نیمه دوم قرن بیستم قرار داد.

کتاب پروانه و تانک همینگوی هم تجدید چاپ شده است و غیر از این آخرین کتابی که برای چاپ به انتشارات کتاب خورشید سپردم، داستان های سوررئالیستی مورایاست که تحت عنوان گوساله دریایی چاپ خواهد شد. این کتاب حرف چینی شده و آماده انتشار است. این کتاب شامل بیست داستان است که دوازده داستان را خانم هاله ناظمی ترجمه کرده اند و هشت داستان را من ترجمه کرده ام.

چاپ داستان های کوتاه کالوینو و مورایا چه بازتابی داشت؟

چاپ این آثار بازتاب خوبی داشت. من فکر می کنم داستان های رمی که تحت عنوان من که حرفی ندارم منتشر شده، با استقبال خوبی روبه رو شد و در مدتی کوتاه به چاپ دوم رسید. و همین استقبال سبب شد که ناشر ترغیب شود آثار دیگری را هم از ادبیات ایتالیا منتشر کند.

چنان که از آنتونیو تابوکی یک کتاب منتشر کرد. آثار کالوینو را با ترجمه خانم اقتداری، خانم مهرگان و رسولی چاپ کرد. البته کتاب خورشید، آثار دیگری هم از ادبیات ایتالیا با ترجمه خانم رسولی و مهرگان برای چاپ دارد که به زودی منتشر خواهد کرد.

از میان نقدهایی که بر کافه نادری نوشته شده بهترین نقد به قلم چه کسی بود؟

تا آنجایی که به یاد دارم، نقدها در همان زمان که چاپ اول این رمان به بازار آمد نوشته شد. بعد از آن دیگر ندیدم که در جایی نقدی نوشته باشند. مگر در برخی از سایت های اینترنتی که برخوردها با این رمان متضاد بود. یعنی هم نقد مثبت بود، هم نقد منفی. هر منتقدی بر اساس بینش و برداشت خودش با یک اثر روبه رو می شود.

در بین نویسندگان نسل امروز ادبیات ایتالیا چهره برجسته و شاخصی نیست یا مترجمان ایرانی حوصله کشف و شناخت چهره های جدید را ندارند و همچنان به دنبال ترجمه آثار نویسندگان نسل گذشته هستند؟

در بین نویسندگان نسل جدید هم نویسندگان توانمند و شاخصی هستند که من آثار یکی دو تن از آنها را ترجمه و در یکی از نشریات هفتگی چاپ کرده ام. یک داستان هم از یک نویسنده دیگر ترجمه کردم و به یکی از نشریات جنوب کشور دادم که هرگز چاپ نشد.

پس در میان نویسندگان امروز ایتالیا جوانانی هستند که آثارشان قابل عرضه به جهانیان باشد؟

مسئله هستند. ایتالیا الان چند نویسنده خیلی خوب دارد. یکی از این نویسندگان اری دلوکا هست که مهدی سجایی کتاب مونه دیدو را از او ترجمه کرد. یک نویسنده زن هست به نام آمانیتی که در ایتالیا جایزه گرفت و در ایران هم کتابش ترجمه شده و نشر البرز آن را چاپ کرده است به نام من ترسی ندارم که متأسفانه توزیع خوبی نداشت.



حتی وقتی به زبان فرانسوی ترجمه شد، ناشر یک دفتر چه راهنما همراه مان عرضه می کرد تا خواننده را در درک مطالب یاری می کند. اکو استاد دانشگاه است و شناخت عمیقی از فلسفه دارد. استاد نشانه شناسی است و در آثارش از همه این علوم بهره می گیرد. رمان آونگ فوکو آنقدر ضرب المثل از نقاط مختلف دنیا آورده که مخاطب را مبهور می کند. کار اکو خیلی وسیع است و علوم مختلفی را دربر می گیرد. بنابراین مترجمان ما به سراغ ترجمه چنین آثاری نمی روند. آثاری که از او ترجمه شده، بیشتر از زبان انگلیسی بوده است.

چندی پیش یک مجموعه مقاله از اکو تحت عنوان گل سرخ: یا هر نام دیگر در ایران ترجمه و منتشر شده است.

مجموعه مقاله باید در ارتباط با رمان هایش باشد. اکو زیاد می نویسد. او در یکی از مجلات ایتالیا صفحه مخصوصی دارد که در هر شماره می نویسد. در این صفحه راجع به مسائل روز، راجع به مسائل جهانی، راجع به ادبیات و راجع به همه چیز می نویسد.

اما نوشتن مقاله با نوشتن داستان فرق می کند. برای این که وقتی اکو داستان می نویسد و این داستان مانند نام گل سرخ در قرون وسطی اتفاق می افتد شما برای ترجمه اش باید قرون وسطی را بشناسید. الان چه آثاری از شما در دست چاپ است و چه آثاری تجدید چاپ شده اند؟

از مجموعه داستان های رمی که تحت عنوان من که حرفی ندارم توسط انتشارات کتاب خورشید در سال ۸۶ منتشر شده بود تجدید چاپ شده است. این کتاب جلد اول از داستان های رمی است و سرگذشت طیف های رنگارنگ آدم های جامعه ایتالیاست که به شکل کوتاه و جذاب، با پرداختی روانشناسانه از وراي طنز روایت می شود. این داستان ها با ساختارهای تصویری حساب شده، زمینه ساز

است؟
بله. امروز دانشجویان زیادی پا به این عرصه گذاشته اند. اخیرا هم چند تن از مترجمان جدید مشغول به کار هستند که نتیجه کارشان را در آینده نزدیک خواهید دید. وضعیت ادبیات ایتالیایی هم امروز بد نیست و خوانندگان زیادی در جامعه ما دارد و ناشران هم از چاپ این آثار استقبال می کنند به هر حال کیفیت ترجمه آثار ایتالیایی امروز در مقایسه با گذشته خیلی بهتر شده و ترجمه هم مثل هر کار دیگری نیاز به تجربه دارد. هر چه زمان می گذرد، نسل ها عوض می شوند و ترجمه آثار هم اعتلا پیدا می کند.

ترجمه، امروز صرفا انتقال معنای متن نیست. ترجمه ای که امروز از ادبیات ایتالیا داریم چقدر به متن وفادار است و چقدر در انتقال سبک و شگرد نویسنده و زبان ویژه اثر موفق است؟

مؤلفه هایی از این دست به توانایی های مترجمان بستگی دارد. رعایت سبک و زبان نویسنده در ترجمه منوط به شناخت مترجم از نویسنده و کارش است. این چند کتابی که منتشر شده با توجه به سبک کالوینو تا حدودی موفق است. البته سبک هیچ نویسنده ای را نمی توان عینا به زبان دیگر منتقل کرد. اما این ترجمه ها نسبتا وفادارتر به متن اصلی است.

آیا آثار امبرتو اکو به دلیل زبان مشکل آن به فارسی ترجمه نمی شود یا دلیل دیگری دارد؟

بحث امبرتو اکو، چیزی جدا از همه این مباحث است. آثاری هم که از او به فارسی شده راستش من هنوز هیچ کدام را نخوانده ام. اما آثار امبرتو اکو را به زبان ایتالیایی خوانده ام. می دانید که اکو زبان شناس است بنابراین روی زبان آثارش خیلی کار می کند و نثر خاصی دارد.

مثلا رمان آونگ فوکو را که به ایتالیایی خواندم. این رمان اصلا قابل ترجمه به زبان فارسی نیست.

آقای قیصریه! چه می کنید و چه کار تازه ای در دست چاپ دارید؟

کتابی در دست چاپ دارم اما جدید نیست. در واقع نمایشنامه ای به اسم یک روز نحس اثر شوچنکو را سال ها قبل ترجمه کردم و به نشر نیلا سپردم. البته این نمایشنامه را حدود پنج - شش سال قبل در یکی از نشریات تخصصی تئاتر چاپ کرده بودم. اما چون نشر نیلا در حوزه تئاتر و نمایشنامه کار می کند، پذیرفت این نمایشنامه را منتشر کند.

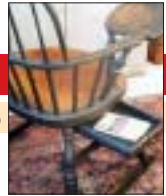
چندی قبل دو تن از دانشجویان شما که قبلا با همکاری یکدیگر کتاب های کلاغ آخر از همه می رسد و قارچ ها در شهر را ترجمه و منتشر کرده بودند، کتاب های تازه ای منتشر کرده اند. شما در ترجمه این آثار نقشی نداشتید؟

این دو کتاب مجموعه داستان های کوتاه ایتالو کالوینو بودند که با همکاری خانم ها اعظم رسولی و مژگان مهرگان ترجمه کرده بودم و اخیرا هم خانم مژگان مهرگان در ادامه ترجمه داستان های کوتاه کالوینو، کتاب سوداگری در ساخت و ساز را توسط انتشارات کتاب خورشید منتشر کرد و خانم اعظم رسولی هم مجموعه داستان چه کسی در دریا مین کاشت؟ از همین نویسنده را ترجمه و منتشر کرد. من هم در ترجمه و چاپ این آثار به آنها کمک کردم. در واقع من در مورد ترجمه جلد اول آثار کالوینو فقط نظر دادم. چون این دو مترجم در کار خودشان بسیار ماهرند و از شاگردان خیلی خوب من در دانشگاه بودند و تسلط خوبی به زبان ایتالیایی دارند. البته یکی از این دانشجویان چند سالی است که در ایتالیا زندگی می کند و همسر ایتالیایی دارد و الان هم در یک مدرسه تدریس می کنند. آنها در ترجمه آثار ایتالیایی خیلی خوب کار می کنند؛ هم خانم مهرگان و هم خانم رسولی. در جلد دوم هم من فقط دو داستان از کالوینو ترجمه کرده بودم.

شما اگر به فهرست کتاب هایی که انتشارات کتاب خورشید منتشر کرده مراجعه کنید، می بینید خانم مهرگان از مجموعه داستان های کوتاه آلبرتو مورایا که تحت عنوان کلی داستان های رمی چاپ می شوند، کتاب آدم بدشانس را ترجمه و منتشر کرده که جلد دوم از داستان های کوتاه مورایا محسوب می شود. جلد اول را من ترجمه کرده بودم که به نام من که حرفی ندارم توسط همین ناشر در سال گذشته منتشر شد.

در حقیقت صد داستان کوتاه از مورایا هست که حدود بیست و شش داستان کوتاه را من سال ها پیش ترجمه و تحت عنوان داستان های رمی منتشر کرده بودم. بقیه آنها را هم خانم مهرگان ترجمه کرده اند که در آینده نزدیک چاپ و منتشر خواهد شد.

وضعیت ترجمه ادبیات ایتالیا، امروز در مقایسه با دو - سه دهه گذشته خیلی خوب شده است. در سال های قبل از انقلاب جز یکی - دو مترجم کسی نبود که آثار ایتالیایی را از زبان اصلی به فارسی برگرداند. اما امروز مترجمان زیادی پیدا شده اند و کیفیت ترجمه آثار ایتالیایی هم خیلی بهتر از گذشته



با محمد جعفری (قنواتی) و «دو حکایت از سلیم جواهری»

پرواز سیمرغ به آسمانخراش ها

محمد جعفری (قنواتی) به عنوان یکی از پژوهشگران جدی حوزه فرهنگ و ادبیات عامیانه تاکنون کتاب هایی چون «روایت های شفاهی هزار و یک شب»، «آفسانه هایی از گوشه و کنار ایران» و اخیراً «دو حکایت از سلیم جواهری» را روانه بازار کتاب کرده است. قنواتی متولد ۱۳۳۷ و دانشجوی دوره فولکلور در دانشگاه دولتی - ملی دوشنبه در کشور تاجیکستان است.

ابتدا درباره زمان تالیف این داستان، خاستگاه آن و این که داستان سلیم جواهری تا چه اندازه ایرانی است، توضیح دهید.

درباره زمان دقیق تالیف این داستان با اطلاعات فعلی نمی توان اظهار نظر کرد اما قدیمی ترین نسخه شناخته شده آن در سال ۹۱۴ هـ. ق تحریر شده است. این نسخه به زبان ترکی است و در ضمن داستان جنیدنامه آمده است و مترجم تاکید می کند که آن را از زبان فارسی ترجمه کرده است. بنابراین می توان حدس زد که پیش از این تاریخ، داستان سلیم جواهری از محبوبیت برخوردار بوده که توجه مترجم ترک را به خود جلب کرده است. اما خاستگاه آن بی تردید ادب عامه و فرهنگ شفاهی مردم ایران است. این را براساس قرائن گوناگون عرض می کنم. نسخه های فراوانی از این کتاب وجود دارد که یا به صورت مستقل یا در مجموعه هایی داستانی هستند. سلیم جواهری در بخشی از مجموعه های داستانی که از زمان صفویان به بعد به دست کاتبان بازنویسی شده وجود دارد. این مجموعه ها داستان هایی را دربرمی گیرند که بیشتر مورد توجه عامه مردم یا به اصطلاح اهل سوق بوده و کمتر اهل مدرسه توجهی به آنها داشته اند. لحن و زبان این داستان ها قرینه دیگری است از وابستگی آنها به زبان و فرهنگ عامه. بن مایه های داستان و مسائل و اندیشه هایی که در آن مطرح می شوند منطبق با فرهنگ ایرانی است. مثلاً آتش زدن یک قطعه چوب برای کمک خواستن از شخصیت سحرآمیز که یادآور داستان زال و سیمرغ است. نوع خواب هایی که در این داستان وجود دارد مانند خواب های بشارت دهنده، از نمونه هایی هستند که در اساطیر ایرانی به ویژه در برخی از داستان های شاهنامه شاهد آن هستیم. حضور پریان در جلد کبوتر نیز از همین موارد است. این نمونه ها و موارد فراوان دیگر که در سلیم جواهری هستند همه مویذ ایرانی بودن داستان هستند. اگر چه برخی از شخصیت های تاریخی که در داستان وجود دارند غیر ایرانی هستند اما این موارد رو ساختی نمی توانند مبنایی برای قضاوت درباره خاستگاه داستان باشند.

شما دو روایت از داستان را در کتاب آورده اید. این دو روایت چه تفاوت هایی با هم دارند؟

می توان گفت همه حوادث داستان در هر دو روایت شبیه به هم هستند. اما آنچه آنها را از هم متمایز می کند پایان بندی آنها و نوع روایت و اندیشه ناظر بر کیفیت روایت آنهاست. روایت دوم، روایتی کاملاً سیاسی و ایدئولوژیک از نوع شیعی است. در این روایت سلیم دوستدار علویان و اهل بیت (ع) معرفی می شود از این رو تقاضا



چنددهه پیش پژوهشگران ایرانی نیز کارهایی اساسی در این باره انجام داده اند. کارهای دکتر ذبیح الله صفا و استاد دکتر محبوب نیاز به معرفی ندارند. امروزه نیز افرادی مانند دکتر حسین اسماعیلی و دکتر محمود امیدسالار در خارج از ایران و آقایان علیرضا ذکاوتی قراگزلو و مهرا افشاری در ایران کارهایی بس ارجمند انجام می دهند. بنده به همان میزان که از پژوهشگران در گذشته مطالبی فراوان آموخته ام، از افراد اخیر - که عمرشان دراز باد - نیز موارد زیادی آموخته ام. کارهای آنها نمونه هایی ماندگار در زمینه داستان های سنتی ما هستند. مثلاً آنچه آقای اسماعیلی درباره ابومسلم نامه یا آنچه آقای قراگزلو درباره اسکندرنامه یا آقای افشاری درباره حسین کرد انجام داده اند بسیار دقیق و نشان از تسلط آنها بر موضوع کار خود دارد. متأسفانه این کارها به حد شایسته و بایسته در ایران معرفی نشده اند. البته در کنار این کارهای ارجمند برخی کارهای شتاب زده و فاقد پشتوانه های پژوهشی نیز انجام می گیرد که اگر اجازه بدهید بهتر است از آنها نام نبرم زیرا به همان میزان که کارهای علمی جایگاه ماندگاری پیدا می کنند، کارهای شتاب زده نمی توانند در میان اهل علم جایی پیدا کنند.

به نظر شما چه عواملی باعث شده که امروزه ادبیات شفاهی به طور عام و داستان های عامیانه ما به طور خاص جایگاه شایسته و بایسته ای نداشته باشند؟

یک علت آن همان پسوند «عامیانه» است که متأسفانه بسیاری افراد برای این نوع ادبیات به کار می برند. به کاربرد این صفت خود به خود نوعی قضاوت را به دنبال دارد و از آن این نتیجه گرفته می شود که چنین ادبیاتی به درد خواص نمی خورد. متأسفانه چنین برداشتی هم در نظام دانشگاهی ما وجود دارد و هم در میان روشنفکران غیر دانشگاهی. در نظام دانشگاهی ما، ادبیات شفاهی هیچ جایگاهی ندارد. پیش از این اشاره کردم که بسیاری از منتقدان ادبی ما به این ادبیات و این داستان ها صرفاً از زاویه مسائل اجتماعی نگاه می کنند و از ارزش ادبی آنها غافلند. جنبه دیگری توجهی را می توان در همایش ها و جوایز گوناگون مشاهده کرد مثلاً می توان پرسید چرا هنگامی که پژوهش شایسته دکتر اسماعیلی درباره ابومسلم نامه منتشر شد از چشم برگزیدگان کتاب سال دور ماند. در زمینه نقد و معرفی هم بدین گونه است. مثلاً درباره ابومسلم نامه به جز یک مطلب که آقای ذکاوتی قراگزلو در کتاب ماه ادبیات و فلسفه نوشت و مطلبی نیز که بنده در کتاب ماه علوم اجتماعی نوشتم، مطلبی دیگر منتشر نشد. امیدوارم در آینده در زمینه نقد و معرفی چنین آثاری در جامعه ادبی ما تغییرات جدی ایجاد شود.

چه کارهایی در این زمینه در دست دارید؟

چند مجموعه با عنوان کلی جامع الحکایات وجود دارد که به همراه سرکار خانم دکتر خدیش مشغول تصحیح آنها هستم که مقدمات چاپ یک مجموعه از آن به پایان رسیده و قرار است انتشارات مازیار آن را به زودی چاپ کند. مجموعه های دیگر نیز به ترتیب چاپ خواهند شد.

گذشته توجه و آنها را تجزیه و تحلیل می کند. به نظر شما داستان سلیم جواهری تا چه میزان متأثر از ادبیات گذشته ماست؟

بسیار زیاد. تقریباً جای پای همه حوادث داستان را کم و بیش در ادبیات گذشته فارسی می توان دید. در شاهنامه، منطق الطیر، عجایب المخلوقات، داستان های شیخ اشراق، مثنوی و... که من کوشش کرده ام همه این موارد را در مقدمه نشان دهم. به عبارت دیگر کوشش کرده ام تبارشناسی اپیزودها و حوادث داستان را مشخص کنم. نشان دادن این موضوع هم از لحاظ فرهنگی و هم از لحاظ اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. در این کتاب دو مقاله از اولریش مارزلف و مارگارت میلز، ایران شناسان آلمانی و آمریکایی، درباره



این داستان آمده است که نشان می دهد پژوهشگران غربی همچون گذشته درباره ادبیات عامه فعال هستند. آیا آنها همچنان در این زمینه فعال میباشند؟

این زمینه کار می کنند؟ همان گونه که گفتید پژوهشگران غربی در این باره خیلی فعال هستند. درباره همین داستان غیر از میلز و مارزلف، یک خانم آلمانی که ظاهراً ژاپنی الاصل است به نام هگ هگواشی نیز مقاله ای تحلیلی نوشته است. افراد زیادی در غرب درباره داستان های سنتی فارسی کار کرده اند که متأسفانه به جز مواردی معدود، آثار آنها به فارسی ترجمه نشده اند و از جمله آنها می توان به ویلیام حناوی و مارینا گیبیار اشاره کرد. اما باید اضافه کنم که از

علویان را از حجاج می گیرد. از سوی دیگر براساس روایت های داستانی می دانیم حجاج پدر ابومسلم را کشته و مادرش را نیز کور کرده است، بنابراین طبیعی است که کشتن حجاج یکی از اهداف ابومسلم و جنبش او باشد. قرار گرفتن این دو روایت در کنار هم به لحاظ روایت شناسی اهمیت قابل توجهی دارد. زیرا همان گونه که گفتم به رغم آن که همه حوادث با هم شباهت دارند اما چگونگی روایت باعث شده که ما با دو داستان متفاوت روبه رو باشیم.

در این داستان و به ویژه در روایت دوم رگه هایی از ادبیات داستانی مدرن وجود دارد. سوال این است که آیا شما به این موارد هم توجه کرده اید یا خیر؟

فکر می کنم منظور شما وجود راویان مختلف و تغییر زاویه دید در این داستان است. بله. بنده در مقدمه خود تصریح کرده ام که این داستان هم به لحاظ اجتماعی و هم از لحاظ ادبی واجد اهمیت است. از جمله نکاتی که به لحاظ ادبی آن را با اهمیت کرده وجود راویان مختلف و تغییر زاویه دید است. متأسفانه تاکنون داستان های سنتی فارسی فقط از زاویه اجتماعی مورد توجه بوده اند و از لحاظ ادبی مورد بازبینی قرار نگرفته اند اما همان گونه که می دانیم در غرب این گونه نیست. رمانس های غربی بسیار مورد توجه منتقدان و اهل مدرسه آنهاست. اگر کالبدشکافی نقد یا نقد نورتراپ فرای را خوانده باشید، فرای برای هر موضوعی در ادبیات مدرن غرب به پس زمینه آنها و از جمله به رمانس های



«ورزش زورخانه» در گفت و گو با دکتر سید امیر حسینی

پهلوانان در گود کتاب

ورزشی بعد از تاسیس فدراسیون ملی، چندین برابر شده است. قبلاً اعتبار مالی این رشته کمتر از ۳۰ میلیون تومان بود، اما حالا این رقم تا ۱۰ برابر افزایش پیدا کرده است.

دبیر کل فدراسیون بین‌المللی ورزش زورخانه‌ای بر نگارش هر چه بیشتر کتاب در حوزه ورزش زورخانه‌ای تأکید می‌کند و می‌گوید: «ورزش باستانی، یک ورزش ارزشی است که علاوه بر تربیت جسمانی ورزشکاران، دارای ساختار معنوی است و می‌تواند نیازهای روحی و روانی ورزشکاران را نیز تأمین کند. از این رو نوشتن در زمینه این ورزش از ضروریات است تا ارزش‌های آن هر چه بیشتر به مردم معرفی شود.»

دکتر حسینی می‌افزاید: «اساساً نگاه ما به ورزش زورخانه‌ای، یک نگاه ورزشی-فرهنگی است حتی تاکنون پنج گردهمایی تخصصی فرهنگی در این باره برگزار کرده‌ایم. وی سپس به ذکر نمونه‌ای از نگاه خارجی‌ان به این رشته ورزشی می‌پردازد و می‌گوید: «در جریان گردهمایی تخصصی آلمان، یک استاد دانشگاه فرانسه از ورزش زورخانه‌ای به عنوان یک ورزش مقدس نام برد.»

نویسنده کتاب «ورزش زورخانه‌ای» می‌گوید: «ورزش باستانی و زورخانه‌ای، ورزشی فرهنگی است که با نام خداوند متعال و دعا شروع می‌شود و با دعا و ذکر خاتمه می‌یابد و از قابلیت ویژه برای حضور تمامی افراد با سنین مختلف برخوردار است.»

کتاب «ورزش زورخانه‌ای» دارای شش فصل است. در فصل اول اهمیت و ضرورت ورزش زورخانه‌ای همراه با واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی این رشته و در فصل دوم تاریخچه این ورزش ذکر شده است. همچنین ورزش‌های سنتی «عنوان فصل سوم این کتاب است و پس از آن نویسنده در فصل چهارم به توسعه اجتماعی، سرگرمی، بازی و ورزش‌ها از سطوح محلی تا جهانی می‌پردازد.

پیشرفت سیستم ورزش جهان و بحث و نتیجه‌گیری، دو فصل پایانی این کتاب را تشکیل می‌دهد.

در آخر کتاب نیز سه پیوست در مورد اطلاعات کلی زورخانه‌های تهران، آداب و رسوم زورخانه و تعاریف فعالیت‌های لادیک (بازی گونه با تحرک) آورده شده است.

چاپ اول کتاب «ورزش زورخانه» در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه در ۱۷۶ صفحه و قیمت ۳۰۰۰ تومان از سوی نشر بامداد کتاب روانه بازار نشر شده است.



تعطیل شده‌اند و برخی نیز روزه تعطیلی پیش می‌روند، صحبت از جهانی شدن این رشته آن هم در این سطح انجام می‌شود؟

دکتر حسینی در این باره می‌گوید: «یکی از دلایل افت ورزش زورخانه‌ای در ایران، نداشتن ساختار بین‌المللی است؛ موضوعی که باعث شده است این رشته ورزشی از جاده رقابت با سایر ورزش‌های بین‌المللی خارج شود و حالا که این رشته ورزشی دارای ساختار جهانی و بین‌المللی شده، زمینه بسط و گسترش آن نیز بیش از پیش آماده است و زمینه فراهم شده که جوانان به این رشته ورزشی روی بیاورند و در عرصه‌های مختلف ملی، بین‌المللی و جهانی هنرنمایی کنند، به همین دلیل از این پس شاهد رشد ورزش زورخانه‌ای خواهیم بود.»

این نویسنده که تاکنون آثار مکتوب زیادی را روانه بازار نشر کرده است، می‌گوید: «وقتی ورزشی دارای ساختار بین‌المللی شود، قطعاً امکانات و بودجه‌ای که به آن اختصاص می‌یابد، خیلی بیش از گذشته خواهد بود، زیرا یکی از ملاک‌های تخصیص بودجه به یک رشته ورزشی، مدال آوری آن است.»

امیر حسینی این گونه ادامه می‌دهد: «هم‌اکنون علاقه‌جهانیان به ورزش زورخانه‌ای ایران در حال گسترش است و میزان سرمایه‌گذاری در این رشته

وی می‌گوید: «من سعی کرده‌ام به برخی سوالات در این کتاب پاسخ دهم؛ نظیر این که آیا وجود امکانات برای گسترش یک رشته ورزشی سنتی و بومی و تبدیل آن به ورزشی جهانی کافی است یا این که عواملی چون جذابیت برای تماشاگران و تلاش رسانه‌ای برای معرفی آن به جهانیان از اهمیت برخوردار است؟ و برای پاسخ دادن به این سوالات نیز برخی از رشته‌های مطرح شده در سطح جهان را مورد مطالعه قرار داده‌ام.»

مؤلف این کتاب مدتی است برای کامل شدن تحقیقاتش حتی پرسشنامه‌هایی را در مورد شاخصه‌های گوناگون ورزش زورخانه‌ای به متخصصان داده و پاسخ‌های آنان را تجزیه و تحلیل آماری کرده و نتایج آن را در این کتاب آورده است.

وی در این باره می‌گوید: «نتیجه این تحقیقات نشان می‌دهد که ورزش

زورخانه‌ای، ورزشی جامعه‌پذیر است که تأثیرات فراوانی نیز از نظر اجتماعی بر افراد جامعه می‌گذارد. در این کتاب همچنین روند کلی تبدیل یک بازی سنتی به ورزش و سپس پیدا کردن ساختار ملی و در نهایت جایگاه جهانی آن را تشریح کرده‌ام.»

سوال اینجاست که چرا در حالی که برخی از زورخانه‌های قدیمی کشورمان به ویژه در شهر تهران



ورزش زورخانه‌ای از جمله ورزش‌های بومی و سنتی ایران زمین است که علاوه بر آماده‌سازی جسم ورزشکاران، روح و روان آنها را نیز می‌سازد و روحیه جوانمردی را در آنان نهادینه می‌کند.

طی سال‌های اخیر، توجه فراوانی به این رشته ورزشی شد و در نهایت این ورزش بومی ایران وجهه جهانی به خود گرفت و فدراسیون بین‌المللی ورزش زورخانه‌ای تاسیس و دبیر کلی آن نیز به دکتر سید امیر حسینی از کشورمان سپرده شد.

دکتر حسینی که از اساتید دانشگاه، مدیران ورزشی و افراد صاحب‌قلم عرصه ورزش ایران است، تلاش‌های گسترده‌ای برای بسط و گسترش این رشته ورزشی در کشور انجام داده است که نگارش کتاب «ورزش زورخانه» بررسی نقش آن در شاخصه‌های اجتماعی و جهانی‌سازی آن از جمله این اقدامات است.

در این کتاب، پژوهشی درباره تبیین ورزش زورخانه‌ای به عنوان ورزشی مفید در افزایش آمادگی جسمانی و بهزیستی بدن، تبیین ورزش زورخانه‌ای به عنوان ورزشی مفید برای گروه‌های سنی مختلف سالم و معلول، ارائه اطلاعات و دانش لازم برای احیا و توسعه ورزش باستانی در داخل و خارج از کشور و نقش ورزش‌های باستانی در توسعه ورزش‌های اجتماعی ارائه شده است.

البته این کتاب اطلاعات مفیدی نیز درباره تجزیه و تحلیل تفاوت در توسعه و همگانی شدن ورزش‌ها از نظر شرکت‌کنندگان و تماشاچیان، ارتباط بین موقعیت و محیط بین‌المللی مراکز که ورزش‌ها از آنجا توسعه می‌یابند و رابطه آنها با کشورهایی که در آنجا این ورزش‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرند و همچنین الگوی ارائه شده برای فراملی‌سازی ورزش باستانی با استفاده از تجارب دیگر کشورها ارائه شده است.

دکتر سید امیر حسینی، مؤلف این کتاب، مطالعه دقیق و گسترده ورزش‌ها و بازی‌های سنتی از سطوح ملی تا جهانی را ویژگی اصلی این کتاب می‌داند و می‌گوید: «من در این کتاب توضیح داده‌ام که ورزش‌های بومی و سنتی که قابلیت مطرح شدن در سطح جهان را دارند، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند و این کتاب به بررسی این موضوع می‌پردازد.» دکتر حسینی می‌افزاید: «نکته مهم دیگر این که عوامل محبوبیت ورزش‌ها در جهان مورد بررسی قرار گرفته و تجزیه و تحلیل علمی در این زمینه انجام شده است.»

معرفی کتاب

بدمینتون در کتابخانه



کتاب «اصول آموزش بدمینتون» دربرگیرنده مجموعه‌ای از روش‌های آموزش و تکنیک‌های اصلی در بدمینتون و تمرینات مربوط به آن و همچنین نحوه انجام این ورزش است.

این کتاب که توسط دکتر پروانه نظر علی و سهیلا قاسمی به رشته تحریر درآمده، ویژه تدریس در کلاس‌های آموزش بدمینتون در دانشگاه‌ها، موسسات آموزش عالی و دوره‌های مربیگری است. در فصل اول کتاب، خواننده با ورزش بدمینتون به طور دقیق آشنا

می‌شود و سپس مطالبی را درباره تاریخچه این ورزش مطرح می‌خواند. در این فصل همچنین درباره وسایل بازی، تجهیزات، نحوه بازی و کسب امتیاز در آن توضیح داده شده است. فصل دوم به آموزش مهارت‌های پایه در بدمینتون نظیر گرفتن راکت، حالت آماده و حرکت در زمین بازی می‌پردازد و در فصل سوم انواع سرویس زدن‌ها نظیر سرویس بلند، سرویس کوتاه و سرویس تیز همراه با حالت آماده برای دریافت سرویس تشریح شده است.

فصل چهارم به بیان ضربات از بالای سر و حرکت پرتابی می‌پردازد و در فصل ششم، روند آموزش، حرفه‌ای‌تر می‌شود و ضربه کلیپر (تعریف، کلیپر فورهند و کلیپر بک‌هند) آموزش داده می‌شود. در فصل ششم نیز ضربه دراپ تشریح شده است.

در این کتاب علاوه بر این که از تصاویر برای آموزش ضربه زدن استفاده شده است، رسم‌هایی نیز کشیده شده که چگونگی ضربه



با پدram پورشکيبايي و ترجمه کتاب دانشنامه شهرسازي

خشت اول شهرسازي

معماری این کشور نوشته شده است. نظر شما در این مورد چیست؟

بله بخش هایی از این دانشنامه صرفا در حوزه معماری و شهرسازي کشور انگلستان است اما در این کتاب بسياري از واژگان تخصصي وجود دارند که در همه جای دنیا به کار می روند، مثل واژه کمر بند سبز، یا کلمه پارک وی که در تهران ما آن را مکانی شامل یک پل در تقاطع خیابان ولی عصر و بزرگراه چمران و مدرس می دانیم. این واژه یعنی پارک وی به معنی سبز راهه است یا باغ یا بزرگراهی که در کنار آن سبزه کاری و درخت کاری شده است یا واژه ای مثل منظومه شهری در این کتاب بررسی شده که به معنی شهرهای بزرگ به هم پیوسته است یا شهرگان که معنی شهری است که از به هم پیوستن چند شهر به وجود آمده است.

بنابراین می بینید که نمی شد به دلیل آن که بخشی از واژگان مربوط به کشور انگلستان است از ترجمه آنها صرف نظر کرد و به اصل اثر ضربه وارد کرد، ضمن آن که بیوگرافی و نوع فعالیت ها و آثار متخصصان حوزه شهرسازي هم در این دانشنامه وجود دارد که اگر کسی مایل باشد راجع به زندگی، آثار، روش ها و نوع خدمات هر یک از این دانشمندان و متخصصان اطلاعاتی داشته باشد به خصوص دانشجویان این رشته می توانند با مراجعه به کتاب در مورد آنان نیز

بله، چون اغلب این کتاب هادر دسترس دانشجویان قرار می گیرند، سعی شد در طراحی جلد و حتی نوع صفحه بندی و قیمت آن، سادگی و ارزان بودن در نظر گرفته شود تا دانشجویان راحت تر از آن استفاده کنند. آیا شما کمبود خاصی در زمینه دانشنامه شهرسازي در حوزه معماری احساس کردید که دست به ترجمه چنین کتابی زدید؟

قطعاً! یادم هست از سال ۱۳۷۰ که وارد دانشگاه شدم استادان بزرگی که به ما درس می دادند از کلمات تخصصی انگلیسی استفاده می کردند چون اغلب در آمریکا و اروپا درس خوانده بودند که اگر می خواستیم معنی آن واژه را بدانیم باید به دنبال منبع می رفتیم و منبع خاصی را پیدا می کردیم، تا آن زمان اگر هم چیزی منتشر شده بود اغلب مربوط به نوشته های قبل از انقلاب و منابع بسیار قدیمی بود.

به همین علت بود که ضرورت وجود یک دانشنامه در این زمینه که علاوه بر معرفی واژه های تخصصی، محض دانش این حوزه را هم معرفی کند به شدت احساس می شد و از همان روزهای اول دانشجویی کمبود این دانشنامه و توضیح واژگان کاملاً ذهن مرا به خود مشغول ساخته بود.

با ورق زدن کتاب متوجه می شویم که خیلی از واژه ها و عکس ها مربوط به کشور انگلستان است و گاهی احساس می شود این دانشنامه درباره

چندی پیش نشر ستایش در حوزه معماری و شهرسازي کتابی را با نام دانشنامه شهرسازي نوشته گراهام اشورت با ترجمه مهندس پدram پورشکيبايي منتشر کرده است. با مترجم این کتاب که فارغ التحصیل معماری شهرسازي است گفت وگویی کرده ایم که در پی می آید.

آقای پورشکيبايي! اصل کتاب دانشنامه شهرسازي چگونه به دست شما رسید؟

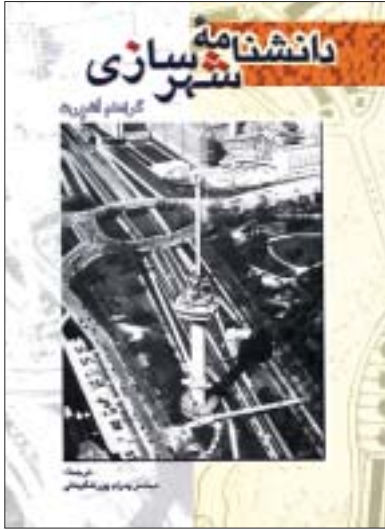
این کتاب را از انگلیس برای من آورده اند چون به دنبال چنین چیزی بودم و در صدد بودم که آن را ترجمه کنم.

ویژگی خاص این کتاب چیست؟

این دانشنامه هم مثل اغلب کتاب هایی از این دست بر اساس حروف الفبای انگلیسی تدوین شده و در انتهای آن هم یک پیوست کوتاه وجود دارد، اما ویژگی خاص آن این است که نخستین دانشنامه شهرسازي در ایران است.

ترجمه این کتاب چقدر طول کشید؟ حدود یک سال.

با این که کتاب جزو کتاب های مرجع محسوب می شود اما حجم ۳۰۰ صفحه ای و جلد مناسب آن باعث شده راحت مورد استفاده قرار بگیرد. آیا در این مورد توضیح خاصی دارید؟



اطلاعات جامع و خوبی بیابند. مثلاً اگر کسی در مورد لوئیس مامفورد اطلاعاتی بخواید به راحتی می تواند آن را در این دانشنامه بیابد.

در کتاب از عکس های جالبی استفاده شده و گاهی عکس شخصیت ها هم هست. آیا عکس ها متعلق به اصل اثر بوده یا شما آنها را انتخاب کرده اید؟

نه من به رسم امانتداری از عکس های خود کتاب استفاده کرده ام مثلاً اگر به دنبال واژه فرسودگی بگردید عکسی را می بینید که در آن یک بافت فرسوده در شهرسازي کاملاً تشریح شده و به وسیله عکس مفهوم آن واژه کاملاً در ذهن می نشیند.

آیا در حوزه معماری و شهرسازي کتاب های دیگری هم در دست تالیف یا ترجمه دارید؟

بله، همان طور که گفتم نبود توضیح در مورد واژگان تخصصی معماری و شهرسازي یکی از دغدغه های من بود بنابراین پیش از ترجمه این کتاب دو کتاب دیگر را تالیف کرده بودم که نشر ستایش منتشر کرده است؛ یکی 'فرهنگ معماری و شهرسازي' و دیگری 'واژگان معماری شهری'.

بسمه تعالی

فراخوان

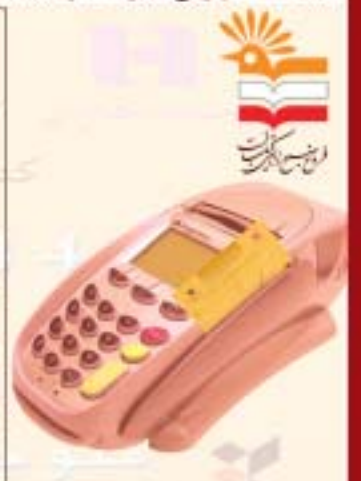


به منظور اجرای قانون برنامه چهارم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور و برای هدقمند کردن یارانه های حوزه نشر و هدایت آنها به سوی مصرف کنندگان واقعی، طرح توزیع کارت الکترونیکی خرید کتاب ویژه دانشجویان، طلاب علوم دینی، اهل قلم و دیگر واجدان شرایط با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط موسسه خانه کتاب به اجرا درمی آید.

بر اساس این طرح، کارت الکترونیک خرید کتاب جایگزین بین های کاغذی شده و افراد با در اختیار داشتن این کارت و یک شماره رمز می توانند تا سقف شارژ شده در کارت، اقدام به خرید کتاب نمایند. بر اساس محاسبات و آمارهای موجود پیش بینی می شود در سراسر کشور حدود چهار میلیون نفر مشمول این طرح شوند. بر این اساس و به منظور ایجاد زیرساخت های لازم، ضروری است کتابفروشی ها که آخرین حلقه توزیع کتاب در کشور محسوب می شوند، به سامانه دریافتی این کارت ها مجهز شوند. لذا از کلیه ناشران و کتابفروشان که دارای مجوز معتبر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا اتحادیه صنعتی بوده و تاکنون موفق به استفاده از این سیستم در فروشگاه خود نشده اند، تقاضا می شود جهت نصب دستگاه کارت خوان، فرم زیر را تکمیل و به همراه تصویر مجوز مربوطه به نشانی: خیابان انقلاب- بین صبای جنوبی و فلسطین- موسسه خانه کتاب- طبقه منقی دو ارسال و یا به صورت حضوری به موسسه خانه کتاب ایران بخش کارت الکترونیکی خرید کتاب مراجعه نمایند.

فرم درخواست نصب دستگاه کارت خوان

نام واحد فروشگاهی / کتاب فروشی / انتشاراتی	نام:
نشانی:	نشانی:
شماره تلفن:	نشانی الکترونیکی:
سال تاسیس:	مشخصات مدیر مسئول:
نام خانوادگی:	نام:
شماره شناسنامه:	صادره از:
کد ملی:	متولد:



معبری در آسمان

تجلیل از کسانی که جان خود را بر سر ارزش‌ها و آرمان‌های مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران گذاشته و عاشقانه به شرف شهادت نائل آمده و در راه رسیدن به معبود همچون شمع سوختند، کمترین اقدامی است که می‌توان انجام داد. زیرا همه افتخارات این مرز و بوم به مدد مقاومت و جانبازی و از خود گذشتگی شهدای عالیقدرمان پدید آمده است. امروز نسل جوانی حقیقت‌تشنه نوشیدن جرعه‌ای از آن آب حیات هستند تا بتوانند این راه نورانی را با صداقت و استواری ببینند. خاطره فدکاری‌ها و مجاهدت‌های برادر عزیز ما، سردار علیرضا عاصمی در مدت بیش از شش سال حضور مخلصانه و مقتدرانه در ایام دفاع مقدس مخصوصاً رشادت‌های وی در لشکر ۶ ویژه پاسداران بعد از ۲۰ سال از عروج آسمانی او همچون ستاره‌ای فرزان، فراره جوانان عزیزمان می‌درخشد.

آنچه خواندید، بخشی از جملاتی است که دکتر احمدی نژاد رئیس جمهور کشورمان در یادواره بیستمین سالگرد شهادت شهید علیرضا عاصمی به وسیله آن مراتب تقدیر خود را از این شهید بزرگوار به عمل آورد؛ شهیدی که به خاطر ابداعات و اختراعات و طرح‌های خود در جنگ بارها مورد تقدیر امام راحل قرار گرفت.

کتاب «معبر آسمان» گزیده‌ای از دست‌نوشته‌ها و خاطرات خانواده و هم‌زمان شهید علیرضا عاصمی نوشته زهرا فرخی است که دربرگیرنده حماسه‌های میدان نبرد رزمندگان اسلام و شهدای والا مقام است. شهید عاصمی در سال ۱۳۴۱ در کاشمر متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه نقش مستمری در برپایی اولین تظاهرات دانش‌آموزی پیش از انقلاب اسلامی داشت.

او با به ثمر رسیدن انقلاب و تشکیل کمیته‌های آن وارد جهاد سازندگی شد در نخستین روزهای آغازین جنگ تحمیلی به عنوان نیروی بسیجی عازم جبهه‌های جنوب از سوی اولین گروه رزمی اعزامی خراسان شد. رشد و شکوفایی علیرضا در دوره‌های آموزشی تخریب طی مدت کوتاهی از او یک تخریبچی ماهر ساخت و او در ادامه جنگ به مقام جانبازی نائل آمد و فرماندهی تخریب قرارگاه کربلا را به عهده گرفت و به دنبال آن برادرش عباس در عملیات والفجر ۳ به شهادت رسید. عاصمی در عملیات والفجر ۸ دچار مجروحیت شیمیایی شد و در سال ۶۵ با برعهده گرفتن فرماندهی عملیات فتح (یک) نقش موثری در انهدام سکوهای نفتی کرکوک ایفا کرد. علیرضا ابتکارات و طرح‌های جدیدی از جمله سیستم بمبی جدید و ناشناخته را در جنگ ارائه کرد و چندین بار مورد تقدیر امام خمینی (ره) قرار گرفت. وی چند روز قبل از شهادت برای تعبیر خواب هم‌رزمش نزد امام (ره) آمد. امام پرسیدند: این بار هم طرح جدید آورده‌ای؟ علی گفت: طرح‌هایم تمام شده، آمده‌ام برای شهادت‌م دعا کنید. تا این که سرانجام علیرضا عاصمی ساعت ۳ بعد از ظهر روز شنبه ۶۵/۱۳/۲۵ به مقام والای شهادت نائل شد.

زهرا فرخی در مقدمه کتاب آورده است: به دستان خالی خودم در ابتدای کار می‌اندیشم به عظمت آنچه که هم اینک شهید عاصمی با دستانش هدیه‌ام کرده است.

روایت خاطرات خانواده و هم‌زمان شهید عاصمی با ذکر تاریخ دقیق و وقایع ماجرا زوئیگی‌های برجسته در این کتاب است که آن را به یک منبع تحقیقی و مستند از زندگی شهید علیرضا عاصمی تبدیل کرده است. کتاب «معبر آسمان» در فصل یازدهم تعدادی از عکس‌ها و دست‌نوشته‌های شهید عاصمی را طی حضور شش ساله خود در جبهه گنجانده است که بر قوت اثر می‌افزاید.



با محسن مطلق درباره «جاده‌های خلوت جنگ»

زنده باد تاریخ



به باور مطلق آثار فاخر ادبی در زمینه خاطرات دفاع مقدس انگشت‌شمارند، بنابراین باید الگوها و معیارهای لازم برای نگارش یک کتاب خاطره در اختیار خاطره‌نویسان آماتور قرار گیرد و من نیز در این کتاب سعی کردم با روایت حقایق مقاومت‌ها و لایه‌های پنهان جنگ، انگیزه واقعی‌ام را برای اعزام به جبهه بازگو کنم و روابط انسانی در این اثر بیش از هر چیز مورد توجه قرار گرفته است.

چندی است که ژانر جدیدی در حوزه ادبیات دفاع مقدس با عنوان زندگینامه داستانی ایجاد شده است که نتیجه پیوند ژانرهای پیشین بوده و از قالب داستان و خاطره در کنار یکدیگر برای روایت ماجرا کمک می‌گیرد. مطلق این ژانر را کاری جدید و خلاقانه در ادبیات جنگ عنوان می‌کند و می‌گوید: این ژانر را که از آن می‌توان به عنوان «زندگینامه داستانی» نام برد، چند سالی است در قالب کارهای سفرشی از سوی برخی نهادها به نویسندگان و اگادار می‌شود و عمدتاً به روایت زندگی شهدای شاخص جنگ می‌پردازد. این اقدام جذابیت و انگیزه مخاطب را برای مطالعه آثار ادبی دفاع مقدس افزایش می‌دهد.

همچنین بسیاری از روایان گذشته در حال حاضر به شهادت رسیده‌اند و دست‌نوشته‌های نوارهای کمی از آنها باقی مانده است که زندگینامه داستانی با وارد کردن تخیلات برگرفته از مستندات و وقایع جنگ می‌تواند ادبیات جنگ را متناسب با سلاقی نسل امروز رشد دهد، چنانچه استقبال خوب مخاطبان از چنین آثاری ظرف سال‌های اخیر گواهی بر این مدعاست. البته نویسنده برای تولید زندگینامه داستانی نیاز به تحقیق و پژوهش بیشتری در مقایسه با قالب خاطره دارد، زیرا تنها بخشی از مستندات در اختیار اوست. همچنین تخیلاتی که در این ژانر وارد داستان می‌شود به دلیل حساسیت روی شخصیت شهدا باید از اعتدال برخوردار باشد و به گونه‌ای نباشد که ماجرای داستان را خیلی شعاری کند یا بالعکس از فضای معنوی خارج کند.

به اعتقاد از زندگینامه داستانی مختص به ادبیات جنگ ما بوده و ادبیات جنگ سایر کشورها از آن بی‌بهره است.

مطلق در آثاری همچون روایت شخصیت شهید اسماعیل کریمی و شهید داوود کریمی در کتاب «قصه فرماندهان» و همچنین داستان «مرغابی‌های دریاچه ماهی» از این ژانر بهره برده است.

مطلق روایت زندگی شخصی‌اش را شاکله اصلی کتاب می‌داند و می‌گوید: افرادی که از دوران کودکی تا پایان جنگ همراه با روای حوادث و وقایع کتاب را می‌سازند شخصیت‌های دیگر این کتاب به حساب می‌آیند که در حال حاضر بسیاری از آنها از جمله خانجانی، صابری و سلیمانی به شهادت رسیده‌اند. حدود بیست سال از پایان جنگ تحمیلی گذشته و نوجوانان، جوانان و میانسالان آن دوره در کسوت رزمنده یا دیگر عرصه‌های خدمت‌رسانی، آن دوره را پشت سر گذاشته‌اند و بنا به تکلیف باید آنچه را که از جنگ شاهد بوده‌اند را برای نسل امروز و آینده بازگو کنند. گذر زمان این ترس را به وجود می‌آورد که جنگ دیدگان دیروز از بازگویی و نوشتن خاطرات خود غفلت کنند که در این صورت صدمات جبران‌ناپذیری به کشور وارد می‌شود.

محسن مطلق با درک این موضوع می‌گوید: یادآوری تمام جزئیات جنگ با گذشت زمان کار بسیار مشکلی است اما من سعی کردم با توصیف هر آنچه که در جنگ دیدم به روایت زندگی شخصی خود با پرهیز از هرگونه انشائونویسی بپردازم و کتاب «زنده باد کمیل» حاصل یادداشت‌های روزانه به شمار می‌رود و بچه‌های گردان‌ها بیش از هر چیز در تکمیل این کتاب یاریگرم بودند. در واقع این کتاب یک اتوبیوگرافی یا خاطرات خودنوشت است که با توجه به روایت داستان از زبان خودم بیش از سایر قالب‌های خاطره‌نویسی و بر اساس مستندات و جزئیات نوشته شده است البته بسیاری از مسائل و نکاتی که ممکن است در سایر قالب‌ها دچار فراموشی شود در این کتاب آورده شده است. مطلق نگاه واقع‌بینانه به جنگ را از ویژگی‌های اثر خود عنوان می‌کند و می‌گوید: من در این کتاب به دلیل حضور در جبهه و درک واقعی فضای جنگ سعی کردم ضمن بهره‌گیری از فضای مقدس و معنوی موجود از هرگونه اغراق بپرهیزم و با نگاهی واقع‌بینانه به مسائل جنگ نگریسته و حقایق آن را بازگو کنم. زیرا معتقدم با فاصله‌ای که از دوران دفاع مقدس گرفته‌ام هر چه از واقعیت‌های جنگ بیشتر گفته شود برای مخاطب نیز جذاب‌تر خواهد بود.

به اعتقاد مطلق کتاب «جاده‌های خلوت جنگ» با روایتی ساده و روان از فراز و نشیب‌های جنگ توانسته جمع‌کننده‌ای از مخاطبان با سلاقی مختلف را مجذوب خود کند، به گونه‌ای که مخاطب با دنبال کردن بخشی از ماجرا علاقه‌مند می‌شود تا پایان داستان را دنبال کند.

او به تازگی کتابی را تحت عنوان «هفته آخر» از سوی انتشارات قدیانی به چاپ رسانده است که به بازروایی زندگی شهید محمدرضا قلی‌زاده آذربایجانی می‌پردازد و به اعتقاد او شخصیت و نوع زندگی این شهید بیش از هر چیز او را در نوشتن این کتاب مصمم کرده است.

مطلق به تازگی کار دیگری را آغاز کرده است که به شخصیت پیرمردی به نام حاجی بخشی می‌پردازد و از او به عنوان حبیب‌بن مظاهر در جنگ یاد می‌شود. او که از ابتدا تا انتهای جنگ در قالب بسیج مردمی در جبهه حاضر شده است سعی در تشویق جوانان برای حضور داوطلبانه در جنگ دارد و مطلق در این کتاب سعی دارد علاوه بر خاطرات جنگ، خاطراتی را نیز از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از زبان حاجی بخشی روایت کند که به احتمال قوی تا سال آینده نگارش این کتاب به پایان می‌رسد.



رویش لاله ها بر بوم

بدون شک در ایام گذشته که تجهیزاتی همچون دوربین برای ثبت و ضبط چهره ها وجود نداشت، این نقاشان بودند که نقش اصلی را در چهره نگاری افراد ایفا می کردند. بسیاری از نقاشان متعهد و انقلابی با علاقه مندانه نقاشی وجود دارند که مایلند از میان چهره های شاخص موجود در جامعه، شخصیت شهدا یا بزرگان انقلابی را به مردم معرفی کنند. زیرا بی شک تاثیرگذارترین و ماندگارترین نقش ها را در تاریخ معاصر ما شهدا رقم زده اند و شهادت هنر مردان خداست. حال این وظیفه نویسندگان و هنرمندان است که با قلم و هنر خود یاد و خاطره شهدا و بزرگان انقلاب را زنده نگه داشته و در بسط و گسترش فرهنگ ایثار و شهادت کوشا باشند. امروز اگر نگاهی به نقاط مختلف شهرها بیندازیم به خوبی می توان چهره شهدا را در تابلوها، بنرها، بیلبوردها و فضای شهرها جست و جو کرد که مشاهده هر یک از این تصاویر یادآور رشادت ها و از خودگذشتگی شهیدان برای دفاع از میهن و آرمان های انقلاب است. چندی پیش کتاب آموزش نقاشی چهره از سوی نشر شاهد به قلم غلامرضا قلی پور منتشر شد که گامی هر چند کوچک در راستای آموزش نقاشی پرتره یا چهره به علاقه مندانه نقاشی است. سطح آموزش در این کتاب مختص افرادی است که دوره های مقدماتی نقاشی را پشت سر گذاشته و به دنبال کسب مهارت در این حرفه هستند.

ویژگی برجسته کتاب آموزش نقاشی چهره انتخاب ۱۰ چهره شاخص از شخصیت های برجسته تاریخ معاصر و انقلابی و شهدای دفاع مقدس است که در این کتاب از چهره هایی همچون امام خمینی (ره) شهید محمد ابراهیم همت، میرزا کوچک خان جنگلی، شهید دکتر مصطفی چمران، شهید حجت الاسلام فضل الله محلاتی، شهید سرلشکر خلیان جواد فکوری، شهید سیدمرتضی آوینی، شهید سرلشکر علی صیاد شیرازی، شهید مجید بقایی و شهید حسین فهمیده استفاده شده است. قلی پور در این کتاب از هر سه تکنیک رنگ و روغن، آبرنگ و گواش برای آموزش نقاشی پرتره استفاده کرده است که در ترسیم چهره امام خمینی (ره) از تکنیک آبرنگ و برای ترسیم چهره شهید همت تکنیک گواش را انتخاب کرده است و از رنگ و روغن نیز به دلیل فراگیری ساده تر و متداول بودن آن در سایر چهره ها بهره برده است. به اعتقاد قلی پور خلاصه آموزش پرتره در زمینه چهره نگاری در جامعه بسیار احساس می شد و این کتاب را می توان نخستین اثر آموزشی نقاشی چهره در ایران تلقی کرد. قلی پور علت تدوین کتاب را کسب سال ها تجربه در زمینه نقاشی پرتره از طریق مشاهده نظری از آثار اساتید و تجربه عملی در نقاشی از چهره مقدس شهدای گرانقدر در دوران دفاع مقدس و توصیه جمعی از هنرمندان شاهد و ایثارگر عنوان می کند. این در حالی است که او چندین بار در فعالیت های هنری موفق به دریافت لوح تقدیر شده است. به باور او کامل ترین گنجینه نقاشی چهره در موزه شهدا و ایثارگران بنیاد شهید موجود است.

قلی پور در کتاب آموزش نقاشی چهره از چهار مرحله آموزشی شامل طراحی چهره و رنگ آمیزی، انتخاب رنگ و تناسب آن با چهره، پرداختن به جزئیات چهره و رعایت تناسب و تعادل اجزای صورت و بهره گیری از نورهای تاکید و پرداختن حالت های آن در حالت های مختلف استفاده کرده است و علاقه مندانه با انواع چهره ها و حالت های مختلف آشنا کند. در اجرای نقاشی تصاویر کتاب سعی شده از شیوه معمول و ساده استفاده شود و از به کار بردن رنگ و قلم اغراق آمیز به جهت آموزشی بودن کار پرهیز شده تا دریافت کار توسط علاقه مندانه آسان شود.

پای صحبت راضیه تجار درباره مجموعه داستان «آواز پرواز»

۱۸ قدم بر لبه تیغ



نوشتن این کتاب از طریق گفت و گو با خانواده و همزمان شهید بابایی جمع آوری شده و بخش دیگر نیز با مراجعه به کتاب ها و مقالات موجود و همچنین حضور در زادگاه شهید بابایی به دست آمده است.

او در این کتاب تا حد امکان از حرف های کلیشه ای پرهیز کرده و دلیل استقبال خوب مخاطبان را شناسایی نیازها و سلاقی نسل امروزی قلمداد می کند.

به باور تجار اکنون که بیست سال از دوران هشت ساله دفاع مقدس فاصله گرفته ایم نویسندگان برای رشد و تعالی ادبیات جنگ بیش از هر چیز نیازمند نگاه جدید به جنگ هستند. زیرا ادبیات جنگ، ادبیات مردمی است و من نیز در این کتاب به دنبال تجربه های تازه ای بوده و سعی کردم در فضایی نو و تازه به داستان نویسی جنگ پردازم و برای جذابیت هر چه بیشتر اثر از زبانی شاعرانه و نثری روان در روایت داستان بهره بردم.

تجار بر این باور است که نوشتن یک داستان کوتاه به مراتب دشوارتر از خلق یک رمان یا داستان بلند است زیرا هر یک از مجموعه داستان های کوتاه با وجود روایت یک شخصیت مشترک می توانند به صورت مستقل عمل کنند. در واقع در رمان یا داستان بلند نویسنده بیشتر به روایت تاریخی شخصیت می پردازد در حالی که در داستان کوتاه نویسنده باید بخش های مختلفی از زندگی یک شخصیت را به گونه ای با هم مرتبط کند که برای مخاطب نیز قابل درک باشد. همچنین در رمان و داستان معمولاً از یک زاویه دید برای روایت داستان استفاده می شود، در حالی که تجار کتاب آواز پرواز را از زبان سوم شخص و تا حدودی دانای محدود نوشته است تا بر جذابیت ماجرا افزوده شود. از طرفی مطالعه یک رمان یا داستان بلند از حوصله بخش زیادی از مخاطبان امروزی خارج است و داستان کوتاه بهترین قالب برای انتقال تفکرات نویسنده به مخاطب است.

تجار این روزها مشغول نوشتن کتابی درباره زندگی نامه شهید دانش است.

او که اعتلای ادبیات داستانی کشور را از دغدغه های اصلی هر نویسنده ای می داند در صدد راه اندازی سایتی با عنوان نوقلمان است تا از طریق تعامل و ارتباط بیشتر با نویسندگان گمنام و نوپای کشور در عرصه داستان نویسی گامی جدی در ارتقای ادبیات داستانی بردارد.

تجار به رونمایی کتاب آواز پرواز در استان قزوین طی روزهای اخیر اشاره کرده و از آن به عنوان خاطره ای زیبا در ذهنش از این کتاب یاد می کند.

سعی کردم با روایت گوشه ای از زندگی شهید بابایی در قالب مجموعه داستان های کوتاه و ورود تخیل به فضای داستان بر جذابیت آن بیفزایم، به نحوی که هم اکنون با وجود این که زمان کوتاهی از انتشار کتاب آواز پرواز می گذرد اما ظرف همین مدت این کتاب با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شده و در حال حاضر مراحل تجدید چاپ را پشت سر می گذارد.

چندی است که نویسندگان ادبیات پایداری صحبت از ژانر ادبی جدیدی با عنوان زندگی نامه داستانی می کنند که اغلب به سفارش نهادهای در بازگویی شخصیت شهدا می پردازد و با بهره گیری از تخیل در کنار مستندات توانسته رضایت بسیاری از مخاطبان امروزی را جلب کند. تجار زندگی نامه داستانی را ژانری موفق در ادبیات دفاع مقدس می داند و می گوید: بهره گیری از تخیل در زندگی نامه داستانی کمک زیادی به بالا بردن جاذبه های داستان برای مخاطبان می کند اما استفاده نکردن مناسب از تخیل منجر به تحریف شخصیت های داستان می شود و در خصوص شهدا که از بار ارزشی و تقدس در جامعه برخوردار هستند، حساسیت بیشتری وجود دارد.

به باور تجار ورود تخیل در داستان همچون راه رفتن بر لبه تیغ است و با کوچک ترین بزرگنمایی و اشتباهی از سوی نویسنده در بیان حقایق، موضوع داستان را برای مخاطب غیر باور خواهد کرد. این در حالی است که راضیه تجار با وجود بهره گیری فراوان از تخیل، حد و مرزها را به خوبی رعایت کرده است.

تجار مستقل بودن مجموعه داستان ها را از ویژگی های کتاب پرشمرده و بر این باور است که اگر چه کتاب آواز پرواز ۱۸ مجموعه داستان را از شخصیت شهید بابایی روایت می کند، اما هر یک از داستان ها ساختار مستقل و مجزایی را دنبال می کنند و چاپ مجزای آنها مخاطب را دچار سردرگمی نخواهد کرد. در حالی که اگر در روایت شخصیت از قالب رمان یا داستان بلند استفاده می شد، مخاطب برای درک کامل از موضوع داستان نیازمند مطالعه تمام فصل های کتاب بود.

در زندگی نامه داستانی برای روایت شخصیت شهدا، تحقیق و پژوهش و مطالعه در خصوص شهدا بیش از هر چیز یاریگر نویسنده خواهد بود و هر چه تحقیقات بر پایه مستندات واقعی باشد درک آن برای مخاطب آسان تر خواهد بود. تجار که بیش از ۹ ماه از وقت خود را برای نوشتن کتاب آواز پرواز اختصاص داده در این باره می گوید: بخش عمده ای از اطلاعات لازم برای

عظمت و جانفشانی رزمندگان و شهدای هشت سال دفاع مقدس، تاریخ شرح دلاوری های پر مخاطره این نیروهای مخلص و جان بر کف اسلام و حالات معنوی آنان را هیچ صاحب قلمی نمی تواند آن گونه که باید و شاید بیان کند. به ویژه زمانی که صحبت از شهدای خلیان به میان می آید این مظلومیت بیشتر به چشم می خورد؛ شهادتی که حتی بسیاری از آنان پیکرشان هم به هنگام شهادت بر جای نماند و از طرفی کمتر نویسنده ای را می توان یافت که به روایت زندگی شخصیت این شهدا پرداخته باشد. سرلشکر خلیان شهید عباس بابایی از آن دست بزرگمردانی است که در مکتب شهادت پرورش یافت. او گمنام اما آشنای همه بود. از آن روستایی ساده دل تا آن خلیان دلیر و بی باک. او که در سال ۱۳۲۹ در شهرستان قزوین متولد شد پس از طی کردن دوره متوسطه در سال ۴۸ به دانشکده خلیانی راه یافت و در سال ۴۹ به منظور گذراندن دوره آموزش تکمیلی خلیانی عازم آمریکا شد. او پس از بازگشت به ایران به مبارزات انقلابی ادامه داد و با شروع جنگ تحمیلی عازم جبهه های جنگ غرب و جنوب کشور شد. او با بیش از ۳۰۰۰ ساعت پرواز با انواع هواپیماهای جنگنده و بارو حیه شهادت طلبی و شجاعت و ایثار در طول سال های حضور در جبهه ها، صفحات نوین و زینی بر تاریخ دفاع مقدس افزود و سرانجام در سال ۶۶ به شهادت رسید.

کتاب آواز پرواز که جدیدترین اثر راضیه تجار به شمار می رود مدت کوتاهی است از سوی نشر شاهد منتشر شده و به دنبال ترسیم گوشه ای از زندگی شهید بابایی است.

تجار در این کتاب خطوط اصلی شخصیت این شهید را در قالب زندگی نامه داستانی تبیین کرده است. او که از فعالان عرصه داستان نویسی است تاکنون در کنار نگارش، عهده دار مسئولیت های ادبی، هنری مختلفی همچون حضور در شورای بررسی داستان و کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، تدریس داستان نویسی در دانشگاه صداوسیما و دبیری انجمن قلم ایران از بدو تاسیس بوده است.

این نویسنده ۶۱ ساله که عنوان نویسنده زن برگزیده ادبیات دفاع مقدس از سوی حوزه هنری را از آن خود کرده است تاکنون آثار زیادی در حوزه پایداری بر جای گذاشته که از آن جمله می توان به کتاب های ترگس ها، زن شیشه ای، هفت بند، بندهای روشنایی، سفر به ریشه ها، شعله و شب، کوچه افاقیا، نجای خالی آفتابگردان ها، آرام شب بخیر، گمان مبر شعله بمبرد، از خاک تا افلاک و ستاره من اشاره کرد.

آواز پرواز مشتمل بر ۱۸ داستان کوتاه است که هر یک گوشه ای از زوایای شخصیتی شهید بابایی را به تصویر کشیده اند.

تجار که معتقد است توجه به شخصیت شهید بابایی را با سفارش قلم خودش انتخاب کرده در این باره می گوید: شهید بابایی دارای ویژگی ها و خصایلی معنوی و ارزشی زیادی است که بیش از هر چیز، خصایلی همچون وابستگی نداشتن به تعلقات و مادیات دنیایی و فتح آسمان ها برای نزدیکی بیشتر با خدا، شجاعت و عشق به از شهادت مرا مجذوب نوشتن و پرداختن به این شخصیت کرد. هر چند که من علاقه ذاتی هم به پرواز دارم و پیش از این نیز کتاب هایی در خصوص زندگی نامه شهید شیروزی و یکی از خلیانان زن نگاشتم. تجار درباره روایت کتابش می گوید: در این کتاب



درباره کتاب «زمانی برای بزرگ شدن» نوشته محسن مومنی شریف

ما هنوز قد می کشیم



می ترکیب و آبش رو زمین می ریخت...
نویسنده همچنین به مقایسه دو جبهه جنوب و غرب پرداخته است: «خاک جنوب با غرب فرق می کنه. شما اینجا، حتی با دست خالی هم می تونید زمین رو بکنین؟ اما اونجا و خصوصا بالای اون تپه، زمین اونقدر سخت و چغری بود که نمی شد به این راحتی، چاله ای کند و جان پناهی گرفت.»
مومنی زندگی رزمندگان در چادر و فضای سنگر را آن گونه که بوده تصویر کرده است، گویی خود او این فضا را از نزدیک احساس کرده، سپس از آن سخن گفته است.

«... دور تا دورمان کوه و تپه است. دلمان لک زده است برای یک باد خنک یا دیدن یک دشت صاف که دل آدم را باز کند... تنها چیزی که فراوان است، مار و عقرب است.»

نویسنده فضای جبهه را دنیایی جدی معرفی می کند که با عقل و شعور آدم ها و قوه درک و استدلال آنها سروکار دارد؛ دنیایی که برعکس تصور بسیاری افراد، مجالی برای تن سپردن به قضا و قدر در آن نیست. حالا پابه دنیایی گذاشته ایم که خیلی جدی تر از دنیای خیالی ماست. در این دنیای جدید، دائم باید انتخاب کرد. انگار آدم همیشه سر دوراهی است و باید یکی را انتخاب کند...»

مومنی تاپایان داستان، در بیان روایت ها، همچنان جانب اعتدال را نگه می دارد. از دیدگاه او جنگ و کشتار، فی نفسه بد است اما دفاع، مقوله دیگری است که باید از زوایای گوناگون به آن پرداخته شود.

از همان شیاری که عراقی ها بالا می آمدند، ستون سرازیر می شود. وقتی از روی جسدی که سرافهمان دمر افتاده، رد می شویم چندشم می گیرد و می خواهم بالا بیاورم، اما چند تا نعش دیگر که می بینم کم کم برایم طبیعی می شود.

وی لایه های پنهان جنگ را کاویده و زشتی های آن را به تصویر کشیده تا از ورای این بدی ها و زشتی ها، زیبایی ها رخ بنماید.

داستان زمانی برای بزرگ شدن برای نوجوانان نوشته شده و ماجراهای آن نیز از زبان یک دانش آموز مطرح شده است.

کتاب زمانی برای بزرگ شدن را وحید محمدی تصویرگری و انتشارات سوره مهر در ۲۲۰۰ نسخه و به بهای ۲۹۰۰ تومان منتشر کرده است.

محمود برای رفتن و ماندن است؛ تردیدی که تا پایان داستان، قهرمان را رها نمی کند از یک طرف، برای رفتن به جبهه می کوشد و از طرف دیگر با رسیدن به آنجا، میل فرار در دلش رخنه می کند. اتوبوس به سرازیری می افتد و از پیچ گردنه ای می گذرد. کورسوی چند چراغ در شیاری دیده می شود. بچه ها به جنب و جوش می افتند و صلوات می فرستند. می فهمم که رسیده ایم. ناگهان احساس غریبی می کنم. غم، بیخ دلم می نشیند، می خواهم برای فرار از این حال چیزی به رستمی بگویم که می بینم او هم در حال خودش است. هر قدر که جلوتر می روم، دلهره ام زیادتر می شود.»



نویسنده در این کتاب از منافقانی که در لباس دوست، وارد اردوگاه رزمندگان می شوند تا به اهداف ننگین خود جامه عمل بپوشانند، سخن گفته و آنان را دشمنان داخلی ایران و ایرانیان دانسته است: «خیال کردین، دشمن فقط آن جلوسست؟! نه برادر، تو خود ما هم، اونا آدم دارن. خلاصه باید حواسمون خیلی جمع باشه، هر چشم و گوشه که

وقتی صدای هلی کوپتر شیرودی تو کوه می پیچید، روحیه می گرفتیم و از خوشحالی، اشک می ریختیم. هلی کوپتر که نمی تونست فرود بیاد، ارتفاش رو کم می کرد و از همون بالا، برامون آذوقه می ریخت. دبه های آب رو به زمین می فرستادن اما همین که به زمین سنگلاخ می خورد،

محمود برای رفتن و ماندن است؛ تردیدی که تا پایان داستان، قهرمان را رها نمی کند از یک طرف، برای رفتن به جبهه می کوشد و از طرف دیگر با رسیدن به آنجا، میل فرار در دلش رخنه می کند. اتوبوس به سرازیری می افتد و از پیچ گردنه ای می گذرد. کورسوی چند چراغ در شیاری دیده می شود. بچه ها به جنب و جوش می افتند و صلوات می فرستند. می فهمم که رسیده ایم. ناگهان احساس غریبی می کنم. غم، بیخ دلم می نشیند، می خواهم برای فرار از این حال چیزی به رستمی بگویم که می بینم او هم در حال خودش است. هر قدر که جلوتر می روم، دلهره ام زیادتر می شود.»

نویسنده در این کتاب از منافقانی که در لباس دوست، وارد اردوگاه رزمندگان می شوند تا به اهداف ننگین خود جامه عمل بپوشانند، سخن گفته و آنان را دشمنان داخلی ایران و ایرانیان دانسته است: «خیال کردین، دشمن فقط آن جلوسست؟! نه برادر، تو خود ما هم، اونا آدم دارن. خلاصه باید حواسمون خیلی جمع باشه، هر چشم و گوشه که

سال ها از آن روز گذشته و دیگر صدای مسلسل و خمپاره ای به گوش نمی رسد. دیگر خانه ای بر سر ساکنانش آوار نمی شود اما جنگ هنوز تمام نشده است. هنوز هم زخم های خون چکانی وجود دارد که یادگار آن دوران است. به همین خاطر بعضی نویسندگان کودک بر این باورند که اگرچه کودکان و نوجوانان ما جنگ را درک نکرده اند اما با مطالعه کتاب هایی که در مورد این واقعه تاریخی نگاشته شده می توانند دریابند که چه اتفاقی افتاده و بر سر مردم این سرزمین چه آمده است.
برخی دیگر از نویسندگان کودک و نوجوان نیز معتقدند که به طور مستقیم نمی توان به این واقعه تاریخی پرداخت و بهتر است برای کودکان و نوجوانانی که هیچ گاه جنگ را درک نکرده و جانفشانی های رزمندگان اسلام را به چشم خود ندیده اند از حواشی جنگ گفت؛ از مادری که تنها فرزند خود را به جبهه فرستاده و از کودکی که هرگز دست نوازشگر پدر را بر سر خود احساس نکرده است.

محسن مومنی، نویسنده کتاب زمانی برای بزرگ شدن از جمله کسانی است که به روایت داستانی جنگ پرداخته است. داستان از زبان نوجوانی به نام محمود زرنندی بیان می شود؛ دانش آموزی که درس و مشق و مدرسه را کنار می گذارد و از ترس این که مبادا اجازه رفتن به جبهه به او داده نشود، بدون خداحفاظی. حتی با پدر و مادرش. کوله بار سفر می بندد و به جنگ می رود.

پدر محمود، حاج عباس زرنندی، مردی است که یک عمر با آبرو زندگی کرده، نماز سر وقتش ترک نشده، همیشه، صف اول نماز جاداشته، روزی رئیس هیئت امنای مسجد بوده، اصلا مسجد را او ساخته و به اینجا رسانده... اما از وقتی که مهر آن داغ ننگ روی پیشانی اش خورده، پایش از مسجد بریده شده است. حالا دیگر، کمتر کسی او را در روز روشن می بیند. یعنی از زمانی که برادرش، مسعود به منافقان پیوست و گروه گروه، هموطنانش را به کشتن داد.

محمود به دنبال آن است تا با رفتن به جبهه و نبرد با دشمن، آبروی رفته شان را بازگرداند و دوباره عزت و غرور را در چشم پدرش ببیند. اما از سوی دیگر می ترسد که پدر و مادرش، اجازه رفتن به او ندهند و این آغاز نگرانی ها و تردیدهای

معرفی کتاب

ترانه هایی برای مادران



ترانه ها، گونه ویژه ای از ادبیات شفاهی کودکان هستند و آنها را می توان، پیش درآمدی بر شعر امروز کودکان دانست؛ ترانه هایی که در میان آنها، شعر ناب کودکان، کمتر به چشم می خورد، زیرا شعرها و ترانه ها برای مناسبت ها و رویدادهای ویژه سروده شده اند و گونه های مختلفی را دربرمی گیرند.

ترانه - بازی یکی از انواع ترانه های کودکانه است که هنگام بازی بچه ها خوانده و شنیده می شود و یکی از شناخته شده ترین ترانه - بازی های ایرانی، روایت آتل مثل توتوله است.
ترانه - نیایش از دیگر گونه های ترانه است که در اندیشه های

اسطوره ای ایرانیان ریشه دارد و پیوند میان انسان و طبیعت را می رساند: «خورشید خانوم آفتو کن / یه مش برنج تو او کن / ما بچه های گرگیم / از سرمایی بمردیم»
ترانه - نوازش که به شعر ناب کودکان بسیار نزدیک است و درنمایه آن، ناز و نوازش کودکان است، گونه دیگری از ترانه ها را دربرمی گیرد.
دس دسی باباش می یاد / صدای کفش پاش می یاد... / دس دسی عموش می یاد / با جیب پرلیموش می یاد...»

ترانه - آموزش، ترانه - کار، ترانه های مناسبتی و... از گونه های دیگر ترانه است. ترانه های مامانی عنوان کتابی است که به همت انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده و ترانه هایی از شکوه قاسم نیا، افسانه شعبان نژاد، جعفر ابراهیمی، اسدالله شعبانی و مصطفی رحماندوست در این مجموعه گردآمده است.

بیشتر این ترانه ها از زبان یک کودک برای مادرش سروده شده؛ همچون این ترانه اسدالله شعبانی: گوش ماهیای رنگی / ریخته کنار

دریا/ من با او نامی سازم / یه سینه ریز زیبا / من اونو هدیه می دم / به مادر عزیزم / می کنه او تشکر / از من و سینه ریزم»
یا مانند این شعر شکوه قاسم نیا که از زبان کودکی خطاب به عروسکش سروده شده؛ بچه ای که خود را مادر عروسکش می داند: «عروسک قشنگم / من مامان تو هستم / شب شده، وقت خوابه / بخواب به روی دستم / ناز می کنم موها تو / ابروات لالا می خونم / کنار تو دخترم / تا صبح بیدار می مونم...»

پونه اوشیدری، شیرین شیخی، پریسا کریمی، بدری دشت پور، فرزانه نجفی، سعیده زرنندی، سودابه تقی زاده، شهره امیراحمدی، گلاره محمدی، بهناز قدوسی، ساوین سالوایان و حمیدرضا اکرم، ۱۲ ترانه این مجموعه را تصویرگری کرده اند. درنمایه همه این ترانه ها، آرزوی سلامتی برای مادر و بودن کودک در کنار اوست؛ مادری که در نظر فرزند خود، مهربان ترین، بهترین، دوست داشتنی ترین و در عین حال توانا ترین موجود عالم است.

مجموعه ترانه های مامانی را انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ۲۰ هزار نسخه منتشر کرده است.



گریز از زبان معیار در گفت و گو با کارشناسان

نویسندگان در تعقیب زبان مخفی

زبان معیار را می توان گونه ای تکیه گاه به شمار آورد؛ چراکه نویسندگان و دانشمندان به آن تکیه می کنند و متون نوشتاری خود را بر اساس آن می نویسند. این زبان به شیشه می ماند و معنی به روشنی از آن می گذرد و هر لفظ در آن، تنها به یک معنی دلالت می کند.

محمدجواد جزینی، نویسنده کودک و نوجوان، زبان معیار را این گونه تعریف می کند و می گوید: زبان شناسان، زبان معیار را به گونه های متفاوت تقسیم می کنند که گوینده، مخاطب و نوع ارتباطی که میان این دو وجود دارد بر آن تاثیر می گذارد. وی زبان معیار را زبانی می داند که نشانه ها در آن ساده تر و جمله ها در آن کوتاه تر باشند و شکستگی زبان گفتار در آن به چشم نیاید و معتقد است: بعضی عالمانه و عامدانه از معیارهای زبان می گریزند و به سبکی ویژه و مستقل در گفتار و نوشتار دست می یابند که اگر چه بر زبان معیار تکیه دارد، اما آگاهانه از آن روی برمی گردانند.

جزینی بر این باور است که آنچه در ایران، زبان معیار دانسته می شود، همان زبان نوشتاری است که باید به همت نهادهای رسمی چون آموزش و پرورش به کودکان آموزش داده شود، زیرا کودکان ما زبان گفتار را نه در قالب آموزش رسمی که از کوچه و بازار و نهادهای غیررسمی مثل صدا و سیما فرامی گیرند از این رو، این زبان بیشتر دچار تغییر و تحول می شود.

وی زبان نوشتار را محافظه کارتر از زبان گفتار می داند و معتقد است: زبان نوشتاری، چون ثبت می شود و باقی می ماند، نسبت به زبان گفتار محافظه کارتر است و کمتر دستخوش دگرگونی می شود، اما این زبان نیز آنقدر محافظه کار نیست که پس از مدتی، تحت تاثیر زبان گفتار قرار نگیرد.

زبان معیار، زبانی فراگیر

زبان معیار باید راحت، روان، قابل فهم، فراگیر و کم و بیش عمومی باشد.

شهرام اقبال زاده، منتقد و مترجم ادبیات کودک و نوجوان نیز زبان معیار را زبان رسمی هر کشور می داند که مکاتبات اداری و نوشته های رسمی بر اساس آن شکل می گیرد و معتقد است که این زبان باید راحت، قابل فهم، فراگیر و کم و بیش عمومی باشد.

وی با اشاره به شکل گیری نوعی زبان مخفی در سال های اخیر می گوید: این زبان به دنبال از بین بردن تابوهای مختلفی است که فرهنگ و زبان رسمی پدید آورده؛ حالا این زبان تا چه اندازه می تواند به از میان بردن زبان معیار بینجامد، پرسشی است که زبان شناسان و جامعه شناسان باید به آن پاسخ دهند.



بچه های دوزبانه گذاشتند، به این معنی که واژه های مشترک و پایه را با یکدیگر تطبیق می دادند و بر اساس آن لغات، آموزش زبان فارسی را آغاز می کردند و این دوره تا چند سال پیش هم برگزار می شد و بسیار کارآمد بود. اما در سال های اخیر، به خاطر توسعه و سایل ارتباط جمعی، تاثیر دوره های نامبرده، کندتر و مقطعی شده است، چراکه کودکان پیش از ورود به مدرسه و آغاز آموزش رسمی، از طریق آموزش غیررسمی با زبان معیار آشنا می شوند.

این کارشناس طرح و برنامه آموزش و پرورش و مولف کتاب های درسی، استفاده تلویزیون از تصاویر به جای واژه ها را یکی دیگر از عوامل تضعیف زبان رسمی می داند و معتقد است: چون سرعت تصاویر و داستان گویی هادر تلویزیون بسیار بالا بود، کودکان نمی توانستند به تجزیه و تحلیل بپردازند و زبان معیار را به درستی بشناسند و این عامل، موجب کم رنگ شدن این زبان شد. به عبارتی زبان غیررسمی به تندی جلو می رفت در حالی که آموزش رسمی بسیار کند حرکت می کرد و کودکان نمی توانستند از راه کتاب، زبان معیار را بیاموزند.

نه کتاب می داند و می گوید: امروز، زبان معیار با گسترش وسایل جدید ارتباطی از جمله ماهواره، اینترنت و تلویزیون تغییر کرده و بچه ها بیش از گذشته از این وسایل استفاده می کنند.

وی زبان رادیو و تلویزیون را زبان یکدستی نمی داند و معتقد است: گاهی گویندگان این دو رسانه از زبان عمومی استفاده می کنند و گاه از زبان رسمی؛ هر چند تعداد کلمات معیار در گفته های مجریان بیشتر از عامیانه است.

فرهمندیان با اشاره به تاثیر تلویزیون بر کودکان می گوید: امروز، بچه ها بیش از آن که کتاب بخوانند، تلویزیون تماشا می کنند و برنامه های تلویزیونی بر زبان و اندیشه آنان تاثیر می گذارد؛ بنابراین لازم است مسئولان آموزش و پرورش با دست اندرکاران این رسانه فراگیر در ارتباط باشند و در یک راستا حرکت کنند، البته برنامه های درسی ما آنقدر خشک و غیر خلاقانه است که عملاً راه را بر چنین ارتباطی می بندد.

وی برگزاری دوره های آمادگی برای بچه های دوزبانه را ضروری می داند و می افزاید: در زمان زنده یاد جبار باغچه بان، یک دوره آمادگی برای

اگر چه نباید فراموش کرد که هر چه میزان تحصیلات و پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد، گفتار روزانه شان به زبان معیار نزدیک تر است.

اقبال زاده معتقد است: رسانه ها به ویژه تلویزیون به دو شکل بر زبان تاثیر می گذارند و به گسترش زبان مخفی دامن می زند؛ یکی با نگاه رسمی و خشک بعضی قشرهای فرهنگی که هر نوع طنز و شوخی را نفی می کنند و دیگر با تن دادن به این زبان و گسترش آن، به همین خاطر به جای هم نوا شدن با این زبان و گسترش آن باید به از بین بردن عوامل شکل گیری و رواج آن پرداخت و بچه ها را با شادی و پویایی آشنا کرد.

وی زبان فارسی را زبان معیار می داند و می گوید: در کنار پرداختن به زبان فارسی، نباید از زبان و فرهنگ هر یک از اقوام ایرانی هم غفلت کرد، زیرا قومیت های ایرانی در ساختن زبان و فرهنگ، نقش بسزایی داشته اند.

زبان معیار، زبان صدا و سیما

محمد فرهمندیان، کارشناس طرح و برنامه آموزش و پرورش، زبان معیار را زبان صدا و سیما و

بگویم: کامپیوترم به نرم افزار جدیدی نیاز دارد. در حالی که بعید به نظر می رسد که دو یا سه نسل پیش از من چنین کلماتی را شنیده باشند و جمله مراد درک کنند و این به معنی دگرگون و به روز شدن زبان است. زبان فارسی دارای گونه های مختلفی چون گونه جغرافیایی، شغلی، سنی و ... است. برای نمونه، فارسی که در تهران صحبت می شود با فارسی مشهد، اصفهان و یزد تفاوت های فراوان دارد یا آن که راننده کامیون است، از واژه ها و اصطلاحاتی استفاده می کند که یک کارمند بانک از آنها بهره نمی برد. حتی سن و سال و جنسیت افراد بر نوع کلماتی که انتخاب می کنند تاثیر می گذارد.

و اما گونه ای که نسبت به تمامی گونه های زبانی، بی نشان باشد را گونه معیار می نامند. یعنی آن نوعی از فارسی که نشود معلوم کرد، وابسته به کدام ناحیه کشور است و به کدام زبان، جنس، سن و ... اختصاص دارد را گونه معیار می نامند. از این رو، زبانی که در سطوح و متون آموزشی از

آن استفاده می شود نزدیک ترین گونه به گونه معیار است. به جرئت می توان گفت که گونه ای بی نشان به نام زبان معیار که از آن سخن رفت، وجود ندارد، زیرا هیچ سخن گویی نمی تواند این گونه سخن بگوید و هر کس بر اساس نوع تحصیلاتش ناحیه سکونتش و ... گونه خاص خود را به کار می برد، بنابراین زبان معیار آنگونه ایده آلی است که باید به هنگام آموزش مورد توجه قرار گیرد، اگر چه زبان مادری همه کودکان این سرزمین زبان فارسی است.

زبان شناسان و کارشناسان آموزش و پرورش باید گردهم آیند و برای بچه هایی که زبان مادری شان ترکی، لری یا کردی است برنامه ریزی کنند و ببینند این بچه ها تا چه اندازه می توانند درس ها را با فارسی یاد بگیرند و کدام درس ها را می توان به زبان محلی به آنها آموزش داده البته همه دروس را نمی توان به زبان مادری کودکان برگرداند، به همین خاطر بهتر است از واژه های مشترک بیشتری در کتاب های درسی استفاده کرد.

افسانه زبان معیار

دکتر کوروش صفوی



هر زبانی که میان سخنگویان یک جامعه به عنوان ابزار ایجاد ارتباط به کار می رود و زبان طبیعی نامیده می شود، به لحاظ نظری دارای بی نهایت گونه کاربردی است، همان گونه که زبان فارسی نیز از این قاعده بی بهره نبوده و گونه های زبانی بسیاری را دربر می گیرد.

قدر مسلم، زبانی که ما امروز استفاده می کنیم با زبان فارسی که صد سال پیش به کار می رفته، تفاوت های عمده ای دارد، ما امروز ده ها واژه جدید را به کار می بریم که هیچ کدام در زمان پدر بزرگ ما و مادر بزرگ ما هیمان رواج نداشته است. من حالا به راحتی می توانم



کلیدهای خواندنی

فیروز زنوزی جلالی نویسنده تجربه‌گرای است. او در آثاری که منتشر کرده نشان می‌دهد که هیچ‌گاه خود را به فرم و ساختار خاصی محدود نمی‌کند. به عنوان نمونه در رمان آخر او ما توجه به دو فرم و ساختار داستانی را شاهدیم. رمان «مخلوق» زمانی زبان محور است که با استفاده از نمادها و استعاره و توجه به روایت‌های ازلی-ابدی، مخاطب را وارد فضای اسطوره‌ای می‌کند و رمان «قاعده بازی» او زمانی است با زبان ادبی استاندارد که بیانگر داستانی با ساختار پلیسی-جنایی و مضمون روانکاوانه است. مجموعه داستان «ساعت لعنتی» دست کم از این حیث که تجارب زنوزی جلالی را در عرصه داستان کوتاه پیش روی ما می‌گذارد، کتابی ارزشمند به حساب می‌آید. این نویسنده ادبیات داستانی، در این مجموعه داستان، فرم و ساختارهای متفاوتی را برای بیان مفاهیم مورد نظرش به کار گرفته است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

داستان «خاک و خاکستر» با ساختار نامه‌گونه نوشته شده است. داستان با همان سلام همیشگی نامه‌ها آغاز می‌شود و نویسنده در آن با ساختار کلام محور به روایت داستان می‌پردازد. نویسنده در قالب این روایت، به بیان آرمان‌های انقلابی‌اش می‌پردازد و نامه او و پاسخ طرف مقابل، داستان را به انتها می‌رساند. داستان دوم کتاب «تلوآسه» روایتی رابه‌گونه‌ای دیگر پیش می‌برد. همان قدر که داستان «خاک و خاکستر» مبتنی بر مفاهیم عینی نوشته شده‌اند، این بار همه چیز در رویا رخ می‌دهد از همین روست که جملات کوتاه و گفتارگونه داستان اول، جای خود را به توصیف‌های تودرتو و جملات بلندتر می‌دهد. چنانچه در آغاز این داستان می‌خوانیم: آدم‌هایی با چهره‌هایی محو و قامت‌هایی بلند، پوشیده در جامه‌های سیاه در غباری کمرنگ او را به سر چاه آوردند. دست‌هایش را از میج تا کت‌هایش به سرعت طناب پیچ کردند و بی‌اعتنا به استغاثه‌های او، از دهانه چاه آویزان کردند. البته نویسنده در این داستان نیز از گفتار بهره می‌برد. چنانچه هر گاه به روایت مسائل عینی می‌پردازد، کلامش به سمت گفتار روزمره گرایش پیدا می‌کند.

داستان «ساعت لعنتی» که نام مجموعه نیز از آن گرفته شده است، مواجهه مردی بازنشسته با فردی است که به مغازه‌اش وارد می‌شود و او را شبیه یکی از قهرمان‌های رمان «جنایت و مکافات» می‌پندارد. فضای داستان ساکت و روان پیش می‌رود و همه چیز در جهت آن است که فضای یک عتیقه‌فروشی را به نمایش بگذارد. آقای ساکت، مردی است پا به سن گذاشته که در سه سال گذشته همواره درست راس ساعت چهار عصر، دچار دردی تحمل‌ناپذیر می‌شود. بیان روایت در این داستان، با کلماتی ساده و هم‌نشینی با مرگ و توصیف‌ها همراه است. اما در قصه «ملاقات چهارم» فضایی دیگر گونه‌بر کار غالب است. در اینجا با روایتی روبه‌رویم که در فضای گذشته‌روی داده‌وروی آن‌سوم شخص است. این بار از حس و حال همذات‌پندارنده «ساعت لعنتی» خبری نیست. برخلاف اینها، داستان «توهم» داستانی است در فرم روایتی گفت‌وگو. روایت در این داستان در حال گفت‌وگو با مخاطبی فرضی است که احتمالاً شنونده داستان‌ش هم هست.

«ساعت لعنتی» توسط انتشارات تکا- توسعه کتاب ایران. به تازگی منتشر شده است.



فیروز زنوزی جلالی از مجموعه داستان «ساعت لعنتی» می‌گوید

آشتی با مخاطب‌های کم حوصله

پیشرفت یا درج‌زدن نویسنده را نشان می‌دهد. چندی پیش طرحی در ذهنم بود که اولین داستان و آخرین کار نویسندگان صاحب‌نام را بدون هیچ نقدی در کنار هم بیاورم تا پیشرفت و رشد نثر و فرم این نویسندگان را برای مخاطب محسوس شود. اما بسیاری از نویسندگان گذشته‌شان را پاک کرده‌اند و اصلاً اسمی از مجموعه داستان‌های اولیه‌شان نمی‌برند. هیچ نویسنده‌ای در ابتدا، حرفه‌ای نیست و یک مرحله تکامل را طی می‌کند.

این پل‌ها، مراحل تجربه نویسنده است که باعث تکامل او می‌شود.

با این اوصاف، کتاب «ساعت لعنتی» روند رشد و تکامل حرفه‌ای شما را نشان می‌دهد؟

دقیقاً همین‌طور است. جهان با چاپ آثار آماتور نویسنده زیرو رو نمی‌شود بلکه نشان می‌دهد این نویسنده مستعد بوده و رشد کرده است. البته امکان این که بررسی نتیجه عکس هم بدهد وجود دارد، مثل این که بررسی آثار نشان دهد که نویسنده در بازه و مضمون و نثرش پیشرفت نداشته است. چندی پیش به عنوان ناشر قرار بود مجموعه‌ای از یک نویسنده را چاپ کنم. اگر آن مجموعه و کتاب از یک نویسنده آماتور بود بی‌شک آن را چاپ می‌کردم و معطل نمی‌کردم. اما دیدم با چاپ اثر وجهه نویسنده زیر سوال می‌رود چرا که نشان می‌دهد نویسنده پیشرفت نداشته، ترقی نکرده و درجا زده است.

به هر حال انتخاب‌های کتاب «ساعت لعنتی» به صورت مشترک صورت گرفت. اگر می‌خواستیم انتخاب کنیم شاید داستان‌های دیگری را انتخاب می‌کردم ولی دیدم بهتر است این کارها منتشر شود و بقیه برای زمان دیگری بماند.

در ساختار کتاب «ساعت لعنتی» نوعی سادگی در فرم به چشم می‌خورد اما در رمان‌هایتان به خصوص «مخلوق» فرم‌گرایی خاصی دیده می‌شود. این تفاوت ناشی از کوتاه‌بودن داستان‌های این کتاب است یا ناشی از فاصله زمانی و تغییر نثر و تکامل آن؟

برای توجه به فرم یا ساده‌نگاری، آنچه اهمیت دارد محتواست. محتوا تعیین می‌کند که چه زبانی باید داشته باشیم. در رمان «قاعده بازی» به این دلیل که داستان در دوره معاصر می‌گذشت و دوران جنگ را مدنظر داشت، نیاز به زبان ساده‌ای بود. در این رمان ۸۳۰ صفحه‌ای شما یک کلمه مشکل پیدا نمی‌کنید اما رمان «مخلوق» با توجه به درونمایه‌اش نیاز به زبان پیچیده‌ای بود. من برای ساختار این کتاب آزمون و خطاهای زیادی کردم. در «مخلوق» جانمایه مطلب با زبان ساده ادا نمی‌شد. در جلد دوم «مخلوق» با اسم «تقدیرات» نیز به دنبال یافتن زبان مناسب هستم. این کار بسیار وقتگیر است. من نمی‌خواستم به عمد کارم را دشوار کنم. نیاز کتاب، دشوارنویسی بود.

«ساعت لعنتی» یکی از داستان‌های خوب مجموعه بود. چه شد که این نام را برای یک کتاب برگزیدید؟ اهمیت انتخاب نام برای کتاب بسیار زیاد است. این داستان به لحاظ مضمون با دیگر داستان‌های مجموعه متفاوت است. اشاره به اسم راسکلینکف، شخصیت «جنایت و مکافات» و بیان یک غائله ماورایی این تفاوت را ایجاد می‌کند. آخرین دیالوگ این داستان هم همین را بیان می‌کند.



سه اپیزود طولانی که نام آنها از رمزهای نیروی دریایی گرفته شده است.

در حال حاضر نیز رمان «برج ۱۱۰» را می‌نویسم که رو به اتمام است و یک سال و نیم نگاشتن آن کاربرده است. من افتتاحیه این داستان را بارها نوشتم اما آنچه می‌خواستم نمی‌شد بنابراین دوباره شروع می‌کردم. این، به دغدغه‌امروزم برمی‌گردد؛ بیان تجربه‌ها و دغدغه‌هایی گسترده، در یک طرف عظیم مثل رمان که باید بی‌عیب و نقص باشد و من را راضی نگه دارد.

در حال حاضر اگر از خودتان فاصله بگیرید و به عنوان یک منتقد، مجموعه‌ای چون «ساعت لعنتی» و رمان‌هایتان را مقایسه کنید، ارزیابی‌تان چه خواهد بود؟

نقد‌های زیادی بر «ساعت لعنتی» دارم اما در این داستان‌ها رهاتر بودم و احساسم بر فرم و ساختار سوار بود. «ساعت لعنتی» متعلق به دورانی است که به صورت ذهنی و احساسی می‌نوشتم. هرچند هنوز هم معتقدم که نوشتن داستان کوتاه خوب، مشکل‌تر از نوشتن رمان است.

پیچیدگی و دشواری داستان کوتاه در کجاست؟

داستان کوتاه ظرف محدودی است. نویسنده باید در یک فرصت کوتاه فضای صمیمانه‌ای را ایجاد کند و مضمون و دغدغه‌اش را ارائه کند. نسبت داستان کوتاه و رمان مانند یک سخنرانی پنج دقیقه‌ای است با یک سخنرانی که محدودیت زمانی ندارد. در پنج دقیقه شما باید سریع اصل مطلب را ادا کنید و نمی‌توانید حاشیه بروید تا منظور و دغدغه‌تان آنچنان که باید منتقل شود.

آقای زنوزی چیدمان این داستان‌ها بر چه اساسی صورت گرفته است؟

من برای چیدمان این داستان‌ها تنها به آنها سر و سامان دادم ولی آنها را بازنویسی نکردم. همان‌طور که گفتم من درباره این داستان‌ها خیلی نقد و صحبت دارم. اما من از گذشته و نوع تفکر خودم فرار نمی‌کنم. اتفاقی که در حال حاضر برای نویسندگان ما می‌افتد این است که از آثار اولیه‌شان می‌گریزند. اما این داستان‌ها کمک می‌کند که بتوان آثار آنها و روند رشد آنها را بررسی کرد. این روند

«ساعت لعنتی» آخرین اثر فیروز زنوزی جلالی است و توالی داستان‌ها، روند رشد و تکامل این نویسنده را در دوران آزمون و خطا نشان می‌دهد؛ نویسنده‌ای که امروز در نقد آثار دیگران با وسواس رفتار می‌کند و نسبت به آثار خودش نیز به همان اندازه سختگیر است. گفت‌وگویی که در ادامه می‌آید درباره آخرین کتاب وی که منتخبی از داستان‌های کوتاه اوست، انجام شده است. کتاب اخیر در مجموعه «صد داستان، صد نویسنده» به همت انتشارات تکا منتشر شده است.

مجموعه داستان «ساعت لعنتی» متعلق به چه دوره‌ای از فعالیت‌های حرفه‌ای شماست؟

در یک دوره‌ای گرایش من به داستان کوتاه بود و با علاقه خاصی آن را دنبال می‌کردم. اساساً نیز فکر می‌کنم نوشتن داستان کوتاه خوب، دشوارتر از نوشتن رمان خوب است. بسیاری از نویسندگان خوب جهان با داستان‌های کوتاه‌شان شهره شده‌اند. به عنوان مثال بورخس نویسنده‌ای است که با داستان‌های کوتاهش شناخته شده است. این نویسنده در جایی گفته بود که حوصله خواندن رمان را ندارد. بنابراین اهمیت داستان کوتاه خوب نیز بسیار زیاد است.

حالا این دغدغه را ندارید؟

در حال حاضر که به عنوان منتقد روی آثار دیگران نقد می‌نویسم خواه ناخواه به مقوله ادبیات به گونه‌ای ساختاری نگاه می‌کنم. زمانی که آگاهی‌ها بالا می‌رود نوشتن سخت می‌شود. در چنین شرایطی نمی‌توان با دل‌پیش رفت و نوشت. مدام دغدغه ساختار در این دلی نوشتن دخالت دارد و وضعیت متفاوتی را ایجاد می‌کند. با بالا رفتن تجربه و نگاه حرفه‌ای دغدغه‌هایم افزایش پیدا کرده و احساس می‌کنم به فضای بیشتری برای بیان دغدغه‌هایم نیاز دارم. نوشته‌ها اساساً دغدغه‌ای است که با خمیرمایه تخیل درهم می‌آمیزد و به مضمون تبدیل می‌شود. دغدغه امروز من گسترده‌تر شده و دامنه دغدغه‌هایم در ظرف داستان کوتاه نمی‌گنجد.

این ظرف دغدغه‌ها با رمان یا مسائلی چون نقد و مقاله پر می‌شود؟

رمان‌های من از لحاظ حجم، زیاد هستند به عنوان مثال رمان «مخلوق» چندین گونه مختلف دارد. من این کتاب را با طرح‌های مختلف نوشتم تا در نهایت به طرح فعلی آن قانع شدم. می‌توانم چندین کتاب دیگر با نام «مخلوق» منتشر کنم. در واقع «مخلوق» چیزی حدود ۱۸۰۰ صفحه را دربرمی‌گرفت.

با قاعده بازی اساساً در یک بستر روان‌شناسی می‌گذرد و دغدغه‌های ذهنی مرا در این باب به تصویر می‌کشد. این کتاب جایزه قلم زرین و کتاب فصل را نیز از آن خود کرد. اما باز هم برای من مطلق نیست و جای افزودنی‌هایی دارد. چندی قبل که بحث داستان‌های دفاع مقدس مطرح بود داستان‌های کوتاه‌م را بررسی کردم و دیدم مادرباره ناو دریایی اصلاً داستان نداریم و از آنجا که در جنگ هشت ساله ناخدای نیروی دریایی بودم، دغدغه نگاشتن در این زمینه در من ایجاد شد و سه اپیزود در این باب نوشتم. نه سه اپیزود کوتاه بلکه



نگاهی به جهان شاعرانه ویلیام بلیک، به انگیزه ترجمه مجموعه «خواب یک رویا» به فارسی

انگلیسی؛ صد سال سانسور بلیک

ویلیام بلیک از جمله شاعران انگلیسی زبان است که با توجه به تفاوت های فرهنگی، همواره نزد ادب دوستان ایرانی مورد توجه قرار گرفته است. برخی این نکته را به دلیل زبان و لحن این شاعر می دانند که به شدت متأثر از فضای شرقی است و برخی دیگر، از سادگی زبان و استعاره های به کار رفته در اشعار او می گویند که هر چند گاه بسیار شخصی می شوند، اما آنچنان دیرپاب نیستند که مخاطب شرقی با آنها احساس بیگانگی کند. این شاعر انگلیسی زمانی به فرایند خلق ادبی مشغول بود که ادبیات اروپا با رمانتیسم بیش از سایر نحله های شعری همشین بود. پیروان این شیوه ادبی، ادعا داشتند که سخنانی متناسب با جریان های سیاسی روز به وجود می آورند و آثارشان سبب تحولات اجتماعی خواهد بود. تقارن رمانتیسم با انقلاب فرانسه و چند جریان بزرگ اجتماعی دیگر - فارغ از درستی یا نادرستی این اتفاقات و قضاوت در مورد آنها - سبب شد تا این شیوه ادبی با انتقاد از مسائل روز مورد توجه بسیاری از هنرمندان و نویسندگان قرار گیرد و مباحث و روشنگری های چهره هایی همچون ورد زورث، کالریج، لرد بایرون و شلی، سبب غنای اندیشه این مکتب شد.

پیروان این سبک در انگلستان و به تبع آن بلیک به بعضی چیزها اهمیت بیشتری می دادند یا آنها را به شیوه خاصی بیان می کردند. توجه به طبیعت، کودکی، شخصیت فردی شاعر و مسائل عاطفی از جمله این مسائل بود. شعرهای بلیک را ادامه شعرهای شبانی دانسته اند چون شعرهای او از وزن و محتوای ساده ای برخوردار و معمولاً با موسیقی ساده ای همراه بود. از طرفی سادگی شعر بلیک را با اشعار پرستاران شب کودکان (لالایی) و نیز اشعار مذهبی مقایسه کرده اند. مصرع ها در بیشتر مواقع کوتاه و سه یا چهار کلمه ای هستند و از وزن های ریتمیک و ساده بهره گرفته اند. با این همه این اشعار از نظر تسلط بر عروض در ردیف برترین های ادبیات انگلیسی پس از شکسپیر قرار می گیرد.

اهمیت کار ویلیام بلیک زمانی بیشتر خودنمایی می کند که به محتوای به ظاهر ساده اشعار او می پردازیم. او در شعرهایش زبانی به غایت ساده به کار می برد چنانچه برخی آن را زبانی کودکانه می دانند. او دایره واژگانی چندان گسترده ای ندارد و بیشتر از لغات آشنا و پرکاربرد زبان بهره می جوید. ایجازهای به کار رفته در شعر بلیک در حد حذف فعل یا در نهایت اشاره غیر مستقیم به مطلب است که به سادگی قابل درک و با موضوع شعرها که بیشتر توصیف طبیعت است، تناسب دارد. با این همه، بر کسی پوشیده نیست که ویلیام بلیک از جمله شاعران مطرح قرن ۱۸ و ۱۹ است که همواره به مسائل معمولی توجه ویژه ای داشته است. این گرایش به مسائل معنوی به

شکل های گوناگونی در شعر بلیک تجلی می یابد. او یکی از مخالفان سرسخت زندگی شهری و مظاهر آن است. به اعتقاد بلیک زندگی ماشینی یکی از بزرگترین مسائلی است که انسان را از اصل خود دور می کند و این انتقاد را به اشکال گوناگون بیان می دارد. بلیک در این شعر و شعرهای دیگرش، شهری را نقد می کند که همه دنیا را به چشم مستعمره خویش نگاه می کند. بلیک نشان می دهد که فرهنگ این کشور تا چه اندازه تهی است و از همین رو به شدت در مقابل دستگاه فاسد دربار انگلیسی به انتقاد می پردازد. بلیک در شعرها و نقاشی هایش به رسوایی این سیستم می پردازد. این نگاه چندان در اشعار بلیک جریان داشت که کسی جرئت انتشار آنها را نیافت و تا چندین سال پس از مرگش او را کمتر به عنوان شاعر و بیشتر به عنوان نقاش می شناختند. از میانه دهه دوم قرن بیستم بود که بلیک به جایگاه خویش در شعر و شاعری دست یافت. بلیک خود آموخته بود و در مکتب خویش به معرفت رسیده بود و به همین سبب بسیاری از روشنفکران مثل ولتر و روسو را به شدت نقد می کرد: روسو را به مسخره



ویلیام بلیک

گیرید/ به سخره گیرید/ به سخره گیرید/ همه اش بیهوده است/ شما ماسه را به باد می دهید/ باد آن را به سویتان بازمی گرداند. این انتقاد از آن رو بود که بلیک اندیشه آنها را اصیل نمی دانست و معتقد بود آنها بر حسب منافع شخصی فکر می کنند و نظریه صادر می کنند.

از دیگر سو، بسیاری از منتقدان از شباهت ویلیام بلیک با سهراب سپهری می گویند. هر دوی این هنرمندان در کنار شعر به نقاشی نیز پرداخته اند. بلیک در خانواده ای متوسط و مذهبی متولد شد و رشد کرد، چنانچه که سپهری نیز چنین بود. هر دو شاعر دایره واژگان چندان گسترده ای ندارند و به زبانی ساده و تصویری می نویسند. هر دو شاعر هر چند برای کودکان نمی نویسند اما احساسات کودکانه مبنای کار ایشان است.

نیمی از اشعار سپهری به تعبیری باز کشف شاعر از دوران کودکی است. بلیک نیز همچون سپهری با حسن نوستالژیک به کودکی خود نگرد. نگرش معنوی به دنیا، گرایش به طبیعت و نقد زندگی صنعتی، از مواردی است که این دو شاعر را به هم شبیه می کند. قرار گرفتن همه مواردی که پیش از آن سخن گفته شد، شعر این دو شاعر را در تضادی خودساختار قرار داد. هر چند این تضاد به تضاد جهان بینی این دو نمی انجامد. آنها دوگانگی موجود در زندگی بشر معاصر را در شعرهایشان به نمایش گذاشته اند.

ویلیام بلیک از سوی دیگر، فیلسوفی است که به ساده ترین شیوه به فلسفه پردازی روی آورده است. از این روست که بسیاری شعرهای او را به آثار و خواتش نمادگرایانه نسبت می دهند. توجه بلیک به استعاره ها سبب شده تا آثار او در عین سادگی، از لایه های معنایی برخوردار باشند؛ نکته ای که کمتر در شعر انگلیسی محقق شده است.

یادداشت

مونا شایقان



عصیان خیال

ستایش عشق و طبیعت توسط تخیل رویاگون، تم اصلی آثار ویلیام بلیک است. او از پیشگامان سبک رمانتیسیسم، با استفاده از عناصر خیال و احساس، آثاری را خلق کرده است که بر شکوه خیال و قدرت آفرینش آن تاکید می کند. بلیک به مانند شاعران سبک رمانتیسیسم، نبوغ و خلاقیت را امری ذاتی می داند که در هنگام تولد به بعضی از انسان ها اعطا می شود و از این منظر به کلیت شعر تقدس می بخشد. به همین جهت در شعر «دیباچه» شاعر را چنین توصیف می کند: «بشنو صدای شاعر را / چه کسی می بیند حال، گذشته و آینده را؟ / گوش های چه کسی مطلع شده است؟ / کتابی مقدس / قدم زنان در میان درختان کهن». که البته به نظر می رسد صحیح تر آن بود که مصرع های دوم و سوم به صورت توصیفی ترجمه می شد.

بلیک در اشعار خود همواره با دیدگاهی ساده به مسائل انسانی و دنیای طبیعت می نگرد و با هوشیاری، صنایع ادبی چون استعاره، تشبیه و ایهام را در جهت بیان مفاهیم پیچیده معنوی به کار می گیرد. برای نمونه در «کلوخ و ریگ»، کلوخ و ریگ هر دو استعاره از انسان هایی سست و سخت هستند که با پدیده عشق سنجیده می شوند. او در «درخت رز زیبای من»، آه آفتابگردان و اشعار دیگر با نام گل ها و با مدح طبیعت و زیبایی هایش، با تشبیه، کنایه و استعاره به صفات انسانی چون زیاده خواهی، کمال طلبی، فروتنی و... اشاره دارد. وی علاوه بر طبیعت و انسان، به مسائل اجتماعی و مذهبی هم می پردازد. توجه به آزادی اندیشه، بیزاری از جنگ و فقر، رنج آدمیان و به ویژه کودکان و همچنین مخالفت با عقاید خرافی رایج در زمان انقلاب صنعتی، در اشعار او چون «پنجشنبه مقدس»، «بعد معنوی انسان»، «دودکش پاک کن» و «باغ عشق» به خوبی منعکس شده است. برای مثال در شعر «لندن» که نمونه کامل یک شعر اجتماعی است، بلیک به دلیل استعداد شگرف در نقاشی، علاوه بر تذهیب و حاشیه نگاری برخی آثارش، از نگاه تصویری و نقاشانه در شعر نیز بهره می جوید. «دختر کوچک گم شد»، «دختر کوچک پیدا شد» و برخی اشعار دیگر با همین ویژگی، تداعی روایت داستانی هستند که با زبان شعر و به صورت تصویری بیان شده اند. او با وجود تسلط بر قالب های سنتی شعر، به جای استفاده از شیوه کلاسیک، سبکی بدیع و خاص خود می آفریند که موزون و آهنگین، با قافیه های روان و اغلب ساده است اما این سادگی، مفهوم اشعار را شامل نمی شود بلکه او اغلب مضامینی عمیق و پرابهام را دستمایه کار خویش قرار داده است که بینش خاص او درباره جهان هستی و مناسباتش را نمایان می کند.

چاپ اثر به صورت دوزبانه از مزیت های کتاب است که این امکان را به خواننده می دهد تا در صورت لزوم به اشعار در زبان اصلی آن مراجعه کنند اما ترجمه کتاب به صورت واژه به واژه چندان مناسب به نظر نمی رسد و گاه نه تنها مفاهیم را به طور کامل نمی رساند بلکه آن را وارونه جلوه می دهد. این نوع ترجمه به هیچ عنوان شباهتی به شعر ندارد و گویای ظرافت های متن اصلی موجود نیست و به همراه طرح جلد بسیار عامیانه و تکراری کتاب، نکاتی است که اگر مورد توجه بیشتری قرار می گرفت، اثر بهتری به دست می آمد.

نخواب یک رویا با ترجمه فریباسطامی توسط نشر رجا و با قیمت ۱۲۰۰ تومان روانه بازار نشر شده است.

آمریکا علیه آمریکایی



پس از جنگ افغانستان، عراق و دیگر حوادثی که طی چندسال گذشته توسط آمریکا صورت گرفت، دیگر شکی در اهالی فرهنگ باقی نماند که دموکراسی دست کم به

شیوه سرمایه دارانه آن در جهان مستقر نخواهد شد. کتاب ها و مقالات بسیاری از طیف های مختلف فکری در سطح دنیا منتشر شد که جملگی بر یک اصل استوار بودند: دموکراسی و حکومت مردمی با جنگ های ویرانگر، هیچ نقطه اشتراکی ندارد. آنتونیونگری و مایکل هارت در کتاب 'آنبوه' این مهم را دستمایه کار خود قرار داده اند. آنها نخست به امکان ناپذیری دموکراسی به شیوه آمریکایی می پردازند و سیاست های این کشور را مورد نقد قرار می دهند، اما آنچه این تحلیل را بدل به متنی تئوریک و فارغ از ارزش زمانی می کند، ارتباط مسائل روز با داده های حوزه اندیشه است که مولفان همواره آن را مورد توجه قرار داده اند. این دو در ابتدا می نویسند: امروز دموکراسی در پرده ابهام قرار دارد و توسط وضعیت از قرار معلوم دائمی جنگ در سراسر دنیا، مورد تهدید است. کتاب ما باید از این وضعیت جنگ بیاغازد، دموکراسی، حقیقتا به صورت یک پروژه ناتمام در سراسر دوران مدرن در تمام اشکال ملی و محلی اش باقی ماند و یقیناً فرایندهای جهانی سازی در دهه های اخیر چالش های تازه ای را به آن افزوده است. در عصر جهانی سازی مسلحانه، رویای مدرن دموکراسی یقیناً از دست رفته می نماید. به عقیده این دو اندیشمند مطرح معاصر، از آنجایی که وضعیت کنونی جنگ از نظر مقیاس در سطح جهانی است، بدون هیچ پایانی در پیش رو، تعلیق دموکراسی نیز مشخص یا حتی دائمی است. مولفان کتاب 'آنبوه' بر این باورند که جنگ ویژگی عمومی به خود گرفته و تمام زندگی اجتماعی را در خود فشرد و از این روست که همان دموکراسی نیم بند نیز کاملاً برگشت ناپذیر می رسد، چراکه سلاح ها و رژیم های امنیتی عمیقاً آن را مدفون کرده اند.

این دو مولف سپس به تحلیل مسائل و اقدامات دولت آمریکا می پردازند و به درستی معتقدند که هیچ دولتی از جمله آمریکا نمی تواند کاری را در جهان به پیش ببرد. این دو سپس به ارتباط مسائل سیاسی به شاخصه های دیگر می پردازند و می افزایند: 'به یاد داشته باشیم که این کتاب، کتابی فلسفی است، اگرچه مثال های بسیاری از چگونگی تلاش مردم برای خاتمه بخشیدن به جنگ، و دموکراتیک تر کردن جهان در اختیار می گذاریم، با این وجود انتظار نداشته باشید که این کتاب پاسخی بر پرسش 'چه باید کرد؟' باشد یا برنامه مشخص عملی ارائه دهد. کتاب در سه بخش شکل گرفته که بخش اول آن با عنوان 'جنگ'، بخش دوم آن با عنوان 'مالتیمود' و بخش سوم آن با عنوان 'دموکراسی' نامگذاری شده است. در همه این فصل ها می توان انتقاد نویسندگان رابه سیاست های جنگ طلبانه مشاهده کرد.

'آنبوه' توسط علی نورالدینی به فارسی ترجمه شده است. مترجم درباره چرایی ترجمه کتاب حاضر چند نکته را مورد اشاره قرار می دهد که مهم ترین آنها اهمیت مطالب کتاب است که در عین حال با نثری بسیار ساده و روان بیان شده است. کتاب 'آنبوه' توسط نشر دیگر در شمارگان هزار نسخه و قیمت ۵۵۰۰ تومان به تازگی وارد بازار کتاب شده است.



گزارشی از کتاب «آیده فرهنگ» نوشته تری ایگلتن

فرهنگ زیر ذره بین فلسفه



تری ایگلتن

بازخوانی، بازشناسی و در نهایت بازفهمی واژه ها، اصطلاحات و مفهوم های زبانی، از جمله مسائلی است که فلسفه همواره وظیفه خود دانسته است، چراکه انسان با واژه می اندیشد و بازانندیشی و شناخت هر کدام از واژه ها و عبارات، افق جدیدی را پیش روی بشر خواهد گذاشت. در میان واژه های مختلفی که در طول زمان های متفاوت، بار معنایی متفاوتی به خود گرفته، باید به عبارت 'فرهنگ' اشاره کرد. این کلمه با توجه به شرایط زمانی و مکانی اقوام مختلف، تعابیر مختلفی را بر خویش دیده است که گاه این تعابیر با یکدیگر در تضاد بوده اند. درست است که این گوناگونی سبب اختلاف هایی در عرصه اندیشیدن به این واژه شده است، اما مانع از آن نبوده که انسان پویایی خود را در راه رسیدن به این معنا از دست بدهد. تری ایگلتن که از نام آوران عرصه فلسفه معاصر است در کتاب 'آیده فرهنگ' این مسئله را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب به تازگی توسط علی ادیب راد به فارسی ترجمه شده است. او در مقدمه ای که بر این کتاب نوشته آورده است: 'فرهنگ، از نگاهی، همچون ره آورد سخن اجتماعی، به سان یک ابرواژه پیش از هر چیز امکان امکان هاست، چنان که پهنانی معانی اش در فارسی نیز بی گمان از آنچه در این اثر آمده کمتر نیست. بازشناسی این معانی و دستیابی به نگرش درباره این تعبیر، همچون هر تعبیری دیگر، موضوع تاویل و ازان رو، رویکرد است.' به نوشته این مترجم، سرگذشت اندیشه نو و فراز و نشیب های آن، خاصه در حوزه نظر به تاویل، به ما آموخته است که شناخت هر واژه یا به تعبیر درست تر، نزدیکی به معانی آن به بررسی و پژوهش درباره زمینه و بافت بازمی گردد. وی می افزاید: از سوی دیگر، زبان شناسی جدید نیز، به ویژه در حوزه کارکردگرای و نظریه تحلیل گفتار، بر این نکته تکیه دارد که شناخت قلمرو و بافت گفتار، یا به زبان دیگر همان گفتار، چه بسا اساسی ترین گام در شناخت معنا یا معانی یک واژه باشد. بدین ترتیب، دانش ما از معانی یک لغت به پژوهش مان بر سر شکل کاربرد آن و عرصه کاربرد آن باز خواهد گشت. مترجم کتاب 'آیده فرهنگ' بر این باور است که این نکته همان چیزی است که مولف کتاب، در مطالعه 'فرهنگ' در پیش گرفته است.



کتاب 'آیده فرهنگ' از پنج فصل شکل گرفته است. در فصل اول ایگلتن به گونه های فرهنگ پرداخته است. او در ابتدای این فصل به تبارشناسی واژه فرهنگ می پردازد، سپس به بررسی تاریخی این واژه اشاره می کند و در پایان از آرای مختلف درباره آن در فضای معاصر می نویسد. به نوشته ایگلتن، فرهنگ یکی از دو یا سه واژه پیچیده ای است که در زبان انگلیسی یافت می شوند. وی می افزاید: 'با این همه، هر چند امروزه رسم است طبیعت را برگرفته از فرهنگ بشناسند. از دیدگاه ریشه شناسانه، این فرهنگ است که از طبیعت ریشه گرفته است.' به اعتقاد این اندیشمند، یکی از معانی اصیل فرهنگ، اقدام به پرورش طبیعی است. وی سپس در سیر به کارگیری این کلمه، به استفاده آن توسط فرانسویس بیکن اشاره می کند و معتقد است که این نویسنده، از واژه فرهنگ چنان استفاده می کرد که مشخص نیست دقیقاً چه مقصودی دارد.

تری ایگلتن در ادامه به ریشه این کلمه در زبان لاتین می پردازد که دارای معانی متفاوتی همچون پرورش، سکنی کردن، نیایش و محافظت بوده است و می نویسد: اگر واژه فرهنگ، نمایانگر گذار تاریخی مهمی باشد، افزون بر آن نکته های فلسفی عمده ای را در خود دارد. در پیکر این تعبیر واحد، مسائلی چون آزادی و جبر، کنش گری و بردباری، دگرگونی و این همانی داده شده و آفریده شده، به گونه ای ناآشکار به میان کشیده می شوند. 'به اعتقاد این نویسنده، پس مسئله به جای آن که ساختارشنکی تقابل فرهنگ و طبیعت باشد، بیشتر بازشناسی این نکته است که واژه فرهنگ تاکنون با چنین ساختارشنکی همراه بوده است. وی پس از اشاره به متنی از شکسپیر، ابعاد دیگری از واژه فرهنگ را مورد بررسی قرار می دهد: 'فرهنگ در خود هم قاعده مندسازی را نهفته دارد و هم رشد خود انگیخته را. آنچه فرهنگی است، می تواند به دست ماتغییر یابد، ولی چیزی که قرار است تغییر یابد وجودی است خودگردان که سهمی از نافرمانی طبیعت را به آن ماهیت فرهنگی می بخشد.' نویسنده کتاب 'آیده فرهنگ' در ادامه فصل اول به آرای چند اندیشمند درباره واژه فرهنگ اشاره می کند. او از عقاید افرادی همچون ریموند ویلیامز و متیو آرنولد می گوید و واژه فرهنگ را در چند زبان بررسی می کند. وی نتیجه می گیرد که کثرت دهی به مفهوم فرهنگ، به سادگی با بار مثبت واژه سازگار نخواهد بود. ایگلتن حتی از خود، ویرانگری درونی واژه فرهنگ یاد می کند و می نویسد: 'فرهنگ پادزهری است که به مدد روی آوردن به هم تراز، نگاه تک سوپه و جز اندیش را نرم تر ساخته و به آرامی ذهن را به دور از آنچه حق به جانب، ناهم تراز و تنگ نظرانه است، نگاه می دارد.' فصل دوم کتاب به مسئله 'فرهنگ در بحران'

پرداخته است. به اعتقاد ایگلتن، سخت بتوان در برابر این نتیجه پایداری نشان داد که واژه فرهنگ گسترده تر و نیز باریک تر از آن است که کاربردی فراگیر بیابد. وی از گستردگی این واژه می نویسد و از سوی دیگر، آن را بسته می داند و هدف خود را از نوشتن کتاب 'آیده فرهنگ' چنین ابراز می دارد: 'یکی از اهداف این کتاب، طرح این نکته است که ما در لحظه ای میان برداشت های گوناگون از فرهنگ، که از یک سو به شکل فلج کننده گسترده اند و از دیگر سو به گونه ای آزاردهنده تنگ، گرفتار آمده ایم و مبرم ترین نیازمان آن است که از هر دو برگذریم. تری ایگلتن که کتاب خود را به اندیشمند مطرح فلسطینی، ادوارد سعید تقدیم کرده، فصل سوم را به 'پیکارهای فرهنگ' اختصاص داده است. وی برخلاف برخی که تقابل فرهنگ ها را ناممکن و از رویارویی ضد فرهنگ ها حرف می زدند، می نویسد: 'عبارت پیکارهای فرهنگ از رویارویی سخت میان مردم باوران و سرآمدگرایان، آمده است. هر چند، نزاع فرهنگ و فرهنگ دیگر تنها در حد تعاریف نیست، بلکه کشمکش است عالمگیر.' آخرین فصل کتاب 'به سوی فرهنگی همگانی' نام دارد. ایگلتن در این فصل به باورهای متفاوت اندیشمندان مختلف از فرهنگ اشاره می کند و رسیدن به فرهنگی همگانی را دشوار ارزیابی می کند و می نویسد: 'فرهنگ تنها آن چیزی نیست که به مدد آن زندگی می کنیم، بلکه در سطحی وسیع تر، چیزی است که ما برایش زندگی می کنیم. وی در پایان می نویسد: اکنون باید با آگاهی از اهمیت فرهنگ، آن را به جایگاه خود بازگرداند. بررسی آن که فرهنگ چه معنایی دارد و جایگاه آن کجاست، همان چیزی است که از ابتدای کتاب آن را پیش رو داشتیم و ایگلتن بدون آن که ما را به نتیجه ای قطعی برساند ما را با ابعاد مختلف مسئله فرهنگ آشنا می کند. 'آیده فرهنگ' توسط انتشارات حرفه نویسنده در شمارگان ۲۲۰۰ نسخه وارد بازار کتاب شده است.



گزارشی از کتاب «رویکردی انتقادی در جامعه‌شناسی ادبیات»

هر واژه، یک شهروند

نگاه اجتماعی و منتقدانه به ادبیات اگر چه دارای طول عمری به اندازه پیدایی خود این هنر است، اما می‌توان به جرئت ادعا کرد که برخلاف گذشته در فضای معاصر با نگرش علمی و کارشناسانه همراه بوده است. با این همه به باور بسیاری، کتاب‌هایی که در این باره منتشر شده‌اند بسیار اندکند. این شاخه از علوم انسانی از سویی به دلیل درحاشیه ماندن یا به حاشیه رانده شدن و از سویی دیگر به دلیل چند رشته‌ای بودن و آمیختگی با تاریخ ادبیات، زیبایی‌شناسی و نقد ادبی حد و رسم مشخص و معینی ندارد و از این رو نمی‌توان موضوع و مسائل پژوهشی آن را به دقت تعریف کرد. موضوع مورد نظر به تازگی در قالب کتاب «رویکرد انتقادی در جامعه‌شناسی ادبیات» به فارسی منتشر شده است. نویسنده این کتاب لئو لونتال است که از جمله نویسندگان نقد ادبی و جامعه‌شناسان مطرح معاصر به شمار می‌آید. محمدرضا شادرو که این کتاب را به فارسی ترجمه کرده در مقدمه‌ای کوتاه مفهوم نقد جامعه‌شناسانه ادبی را به اختصار شرح داده و سبک نوشتاری لونتال را معرفی کرده است. به گمان این مترجم، ما در جامعه‌شناسی ادبیات با سنت‌ها یا رویکردهای گوناگونی همچون اجتماع‌در ادبیات، تولید فرهنگی، ادبی، دیالکتیکی، انتقادی و آفرینش ادبی روبه‌رو هستیم و جامعه‌شناسان رویکردها و برنامه‌های پژوهشی را بنا به منطق ناخودآگاه یا ذوق و پسند خود می‌پذیرند و به پژوهش می‌پردازند. وی می‌افزاید: گستره چندبعدی جامعه‌شناسی ادبیات در جهان برآیند نتایج پژوهشی همه محققان دست‌اندرکاران آن می‌سازند. وی که در ابتدای این مقدمه از کمبود منابع در سطح جهانی یاد کرده، کاهش منابع در ایران را نیز مطرح می‌کند و معتقد است که این رشته علمی در کشور ما از جنبه دانش فنی و نظری محدود به ترجمه چند اثر خارجی و از نظر پژوهشی و کار بسیار

کم‌بینه و بی‌بضاعت است. وی سپس به شرح مسائلی می‌پردازد که پژوهشگر ادبیات باید به آن توجه کند: «محقق سنت اجتماعیات در ادبیات، به شناخت آداب و رسوم جامعه یا نگرش اجتماعی کم و بیش آشکار شاعران و نویسندگان دوره‌های مختلف علاقه‌مند است و به جست‌وجوی مصادیق مفاهیم جامعه‌شناختی در متون ادبی می‌پردازد.» به باور این مترجم، پژوهشگر سنت تولید فرهنگی به ادبیات چونان کالایی می‌نگرد و با دیدی غالباً کمی و آماری به مطالعه روابط مبادله در بازار کتاب می‌پردازد. وی می‌افزاید: «در سنت انتقادی، جامعه‌شناسی از طریق تحلیل متون ادبی، در صدد یافتن نشانه‌ها و فرامونده‌های آگاهی جمعی هر مکان، زمان و شناخت تحولات آن در ارتباط با تحولات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی است.» شادرو همچنین از شناخت محققان این عرصه و تغییرات کمی و کیفی ساختار آگاهی جمعی سخن می‌گوید و اعتقاد دارد که پژوهشگر



عرصه جامعه‌شناسی ادبیات، همواره به روشن‌تر شدن پیوند های ظریف و نامرئی بین شالوده‌های اقتصادی و فرهنگی جامعه کمک می‌کند. او سپس به گفته‌های گلدمن استناد می‌جوید که از لونتال به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های دانشگاهی جامعه‌شناسی ادبیات یاد می‌کند و می‌نویسد: لونتال آثار بسیاری از جامعه‌شناسی ادبیات و دیگر حوزه‌های جامعه‌شناسی، به ویژه جامعه‌شناسی ارتباطات و فرهنگ همگانی از خود به یادگار گذاشته است. کتاب حاضر، ترجمه فارسی شماری از مقاله‌های او درباره جامعه‌شناسی ادبیات و شخصیت‌هایی همچون بنیامین و آدورنو است. «چنان‌که این مترجم می‌نویسد

به جز دو مقاله که پیش‌تر با ویرایشی دیگر در نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران به ترجمه‌ی منتشر شده بود، بقیه مقاله‌های این کتاب برای اولین بار در ایران به چاپ می‌رسند. وی همچنین ترجمه مقاله‌های انتقادی یورگن هابرماس خطاب به لونتال را نیز برای شناخت بهتر این دو اندیشمند آلمانی به کتاب افزوده است. وی در این مورد می‌افزاید: مقاله‌درآمدی به شناخت لونتال و مکتب فرانکفورت گزارش کوتاهی است از تحقیقی که نگارنده سال‌ها پیش آن را به انجام رسانده است و در این کتاب به منظور معرفی این مکتب و شخص لونتال تقدیم خواننده می‌شود.»

شادرو سپس به ترجمه کتاب و دشواری‌های آن می‌پردازد. این مترجم از معانی و مفاهیم جامعه‌شناسی بسیار ساده و روشن لونتال می‌گوید اما معتقد است که وی برای بیان این مفاهیم، از زبانی گاه بسیار پیچیده و رمزگونه بهره برده است. وی به ترجمه خود از زبان انگلیسی اشاره می‌کند و بر این باور است که هر چند ترجمه این متن از آلمانی به انگلیسی با نظرات لونتال و همسرش همراه بوده است اما ترجمه به زبان انگلیسی و سپس به فارسی همواره می‌تواند با خطاهایی همراه باشد. او اظهار امیدواری کرده که این کتاب در شناخت این اندیشمند و نگرش اجتماعی او نسبت به ادبیات و همچنین دیگر اندیشمندان مکتب فرانکفورت همچون بنیامین، آدورنو و دوکهایم که همواره در نقادی ادبی نقش داشته‌اند، گام کوچکی بردارد و نکته‌های تازه‌ای در پی داشته باشد.

فصل اول کتاب به «درآمدی به شناخت لئو لونتال و مکتب فرانکفورت» اختصاص دارد و چنان‌که پیش‌تر

به آن اشاره شد توسط مترجم نوشته شده است. او در این فصل کوشیده است در کنار معرفی مکتب فرانکفورت به عنوان یکی از مطرح‌ترین عرصه‌های فلسفی قرن بیستم به جایگاه و تاریخچه آن نیز بپردازد. وی سپس به جامعه‌شناسی انتقادی مکتب فرانکفورت، مفاهیم اصلی، پژوهش‌های این مکتب و در نهایت به نقد آن پرداخته است.

فصل سوم کتاب به «درباره جامعه‌شناسی ادبیات» اختصاص دارد. لئو لونتال در این فصل به مرزهای ادبیات و ارتباط آن با دانش‌هایی همچون تاریخ و مسائل اجتماعی اشاره دارد. او در این مورد می‌نویسد: «توجهی اینچنین به ابعاد تاریخی و جامعه‌شناختی ادبیات، نیازمند نظریه‌ای درباره تاریخ و جامعه است.» وی می‌افزاید: «به عبارت دقیق‌تر، تبیین تاریخی ادبیات باید ترجمان میزان تجلی ساختارهای اجتماعی خاص در یکایک آثار ادبی و تاثیر این آثار در جامعه باشد.»

فصل سوم کتاب، «جامعه‌شناسی ادبیات» نام دارد. لونتال در این فصل به مواردی همچون قلمروهای تحلیل، ادبیات و دستگاه اجتماعی، «جایگاه نویسنده در جامعه»، «جامعه و مسائل اجتماعی به مثابه مواد ادبی»، «عوامل اجتماعی موثر در توفیق اثر»، «محتوای کارکردی»، «ایستار نویسنده»، «میراث فرهنگ» و «نقش محقق اجتماعی» پرداخته است. وی در بخش ایستار نویسنده می‌نویسد: آنچه خواننده از ارتباط ادبی انتظار دارد، با آنچه نویسنده به ماورای آگاهی هشیار او می‌فرستد، متفاوت است.»

شناخت لئو لونتال با آن که تنها با خواندن کتاب فوق‌الذکر مقدور نیست و برای شناخت این اندیشمند باید به کل مکتب فرانکفورت احاطه یافت، اما کتاب «رویکرد انتقادی در جامعه‌شناسی ادبیات» قدمی است برای شناخت این فیلسوف آلمانی.

کتاب «رویکرد انتقادی...» توسط نشر نی با شمارگان ۱۶۵۰ نسخه به تازگی وارد بازار کتاب شده است.

تأملی در کتاب «تاریخ پرچم ایران» نوشته نصرت‌الله بختورتاش

پرچم‌ها بر بلندای تاریخ

رضا حسینی: جامعه ابتدایی یا کلان با آن که ساده‌ترین گردهمایی است، اما از جهاتی یک جامعه خانوادگی، اقتصادی، سیاسی-دینی و فرهنگی است و همکاری، هماهنگی و همزیستی مردمی که در آن گردآمده‌اند برپایه همگونی و نیازهای یکسان است.

پرچم، نماینده گروهی از جمعیت است که دارای قلمرو بوده و زیر نفوذ حاکمیت یک قدرت برتر اداره و رهبری می‌شود. به کار بردن پرچم از روزگار پیش از تاریخ میان تیره‌ها و ملت‌های گوناگون رواج داشته است و بیشتر در جنگ‌ها برای برقراری نظم، ایجاد شور و هیجان و پایداری از آن بهره می‌گرفته‌اند. برگزیدن رنگ‌ها، پیکره‌ها و نشانه‌های پرچم با شیوه اندیشه، هدف، صلح دوستی و نوع دوستی، کیش و ملیت، موقعیت جغرافیایی و توتیمسم تیره‌ها بستگی گسست‌ناپذیری داشته است.

مردمانی که از گذشته‌های دور در حاشیه دریاها و اقیانوس‌ها زندگی می‌کرده و به دادوستد و بازرگانی از راه دریا می‌پرداخته‌اند، رنگ آبی در اندیشه و درون آنها جای دارد که این رنگ را می‌توانیم در پرچم کشورهایمانند استرالیا، انگلیس، سومالی، هلند، هندوراس، گواتمالا، یونان، اوکراین، سوئد، ازبکستان، ژلاندنو، فنلاند و... ببینیم. به همین ترتیب گزینش نشانه‌ها با پنداری که مردم درباره سرزمین خود دارند، پیوند دارد.

امروز، پرچم‌های بسیاری وجود دارد که بر آنها نقش جانوران، ستاره، خورشید، پرندگان، درخت، گل و گیاه و شمشیر دیده می‌شود.

رنگ‌ها نیز ضمن آن که با صلح دوستی مردمان بستگی دارند، با شور و احساس آنها نیز در پیوند هستند. در پاره‌ای دین‌ها مانند اسلام، رنگ سبز مورد احترام است زیرا نماد و نشان ویژه پیشوایان دین به شمار می‌رود. از این رو رنگ سبز در پرچم بیشتر کشورهای اسلامی مانند ایران، اردن، افغانستان، پاکستان، عربستان سعودی و سودان پذیرفته شده است. رنگ آبی نیز نشان کلیسای کاتولیک است و در پرچم پاره‌ای کشورهای مسیحی به کار رفته است. در این میان، رنگ سرخ یک رنگ انقلابی و شورانگیز و نماد خون شهیدانی است که در راه سربلندی کشور جان خود را فدا کرده‌اند.

دکتر نصرت‌الله بختورتاش که پیش‌تر در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۸ خورشیدی، مطالبی را درباره پرچم ایران گردآورده و منتشر ساخته بود، با بررسی‌ها و پژوهش‌های دیگری که در سال‌های بعد به انجام رساند و با مراجعه به منابع و مآخذ بیشتر، دفتری از نو فراهم آورد که اکنون توسط انتشارات بهجت منتشر شده است. این کتاب، تاریخ پرچم ایران را از دوران باستان تا امروز پی می‌گیرد و این پی‌گیری را از دوران اسطوره‌ای، روزگار پیشدادیان و کیانیان آغاز می‌کند. او می‌گوید که تا نشان هدیه که هر کدام از سلسله‌های حکومتگر ایران چه پرچم یا پرچم‌هایی داشته‌اند؟ رنگ و نقش آنها چگونه بوده است؟ چه اشکالی بر پرچم آنان نقش بسته بود؟ و این اشکال نسبت به دوره‌های پیشین چه تغییری داشته و پس از آن چه سرنوشتی پیدا کرده است؟

در بخش پایانی کتاب، مبحث ویژه‌ای به تاریخچه پیدایی و نشان بنیادهای نیکوکاری جهانی -صلیب سرخ، هلال احمر و... اختصاص یافته است. همچنین در جستاری به نام یادآوری، توضیحات تکمیلی درباره پرچم و آرای مختلف پیرامون آن درج شده است. باید دانست که نوشتن تاریخ پرچم کاری دشوار است. شاید بتوان دگرگونی‌های پرچم در دوره‌های اخیر را به سهولت بررسی کرد، اما چگونگی و دگرگونی پرچم در دوره‌های کهن به سادگی

ممکن نیست و منابع مربوط هم اندک و پراکنده‌اند. بنابراین دکتر بختورتاش در کتاب خود از منابع تاریخی متنوعی بهره جسته است و گاهی به متون کهن ادبی -تاریخی مانند شاهنامه فردوسی مراجعه کرده است، گاهی از شواهد باستان‌شناسی مانند نقش روی سکه‌ها، کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های تاریخی سود جسته است، در دوره‌های نزدیک تر (مانند دوره صفوی) به نقاشی‌های کتاب‌ها و سفرنامه‌ها استناد کرده و در دوره معاصر نیز از انبوه عکس‌ها و مدارک تاریخی یاری گرفته است.

رنگ‌های کنونی پرچم ایران در قانون اساسی مشروطه تعیین شدند به این ترتیب در اصل پنجم متمم این قانون نوشته شد: «ألوان رسمی بیرق ایران، سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است.» با پیروزی انقلاب اسلامی، رنگ‌های پرچم و تناسب آنها با یکدیگر، دست نخورده باقی ماند و پذیرفته شد، اما با توجه به صبغه الهی و اسلامی انقلاب، نشان شیر و خورشید حذف و کلمه الله به جای آن قرار گرفت. ضمن آن که در حاشیه رنگ سبز و سرخ نیز عبارت الله اکبر (۲۲ باره) نشانه روز تاریخی ۲۲ بهمن تکرار شد. اما نخستین پرچم سامان یافته ایران نیز حکایت جالبی دارد که دکتر بختورتاش آن را در بخشی از کتاب خود آورده است. این پرچم اکنون در گنجینه موزه ملی ایران نگهداری می‌شود و نویسنده در توضیح آن می‌نویسد: این بیرق نخستین پرچم کشور ایران است که پس از مشروطه با وضع سامان یافته و یکنواخت از نظر رنگ و شیوه قرار گرفتن رنگ‌ها آماده شده و نیز با ماده قانون اساسی مشروطه مطابقت دارد. این بیرق در کرمانشاه دوخته شده و با هوای پیمان در سال ۱۳۳۴ هجری قمری، ده سال بعد از فرمان مشروطه به آسمان برده شده و شاید از همان جا به تهران آورده شده است.»

کتاب تاریخ پرچم ایران، نوشته دکتر نصرت‌الله بختورتاش در ۵۳۰ صفحه به صورت مصور با شمارگان ۲۱۰۰ جلد و بهای ۱۶۵۰ تومان توسط انتشارات بهجت راهی بازار کتاب شده است.



این هفته با احترام سادات توکلی سراینده مجموعه «تو پیش از خورشید...»

طلوع واژه‌های پیش از خورشید



بوده‌اند اما از معاصران به جز چند چهره، کمتر نام و نشانی در دنیا یافت می‌شود. اوضاع ادبیات در میان جوانان در کشورهای دیگر چگونه است؟ بستگی به موقعیت کشورها دارد. به عنوان مثال کشور لیتوانی که من مشغول ترجمه شعرهایش هستم همیشه درگیر جنگ بوده و این مسئله تأثیر مستقیمی در ذهن شاعران داشته. شاعران نسل جنگ این کشور مثل خیلی از کشورهای دیگر از خونریزی، اسارت، قحطی و دیگر مسائل مربوط به جنگ سرورده‌اند، اما نسل جوان این کشور دارند در فضایی دیگر تنفس می‌کنند که به طور حتم در شعرهایشان منعکس خواهد شد. قصد ندارید اشعار جوانان کشورمان را به زبان‌های دیگر ترجمه کنید؟ اتفاقاً یکی از برنامه‌هایم همین است چون معتقدم بسیاری از جوانان شاعر راه خودشان را پیدا کرده‌اند و من هم به سهم خودم در معرفی آنها تلاش خواهم کرد.

تا کنون سرورده شده‌اند. روح ترجمه شعر تا چه اندازه در کارهای شما تأثیر گذاشته است؟ به طور مستقیم نمی‌دانم اما این را متوجه شده‌ام که من در شعرهایم همیشه یک اتفاق شعری دارم. با توجه به کوتاهی شعرهای شما آیا علاقه‌ای به هایکو داشته‌اید؟ من زیاد هایکو می‌خوانم و اصولاً این گونه شعرها را می‌پسندم اما تلاش نکرده‌ام به شکلی مکانیکی در شعر خودم واردشان کنم. به عنوان یک شاعر و مترجم جوان کارهای هم نسلان خودتان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ضعف شاعران امروز ما به دلیل نبود شناخت و نبود مطالعه است. یک شاعر باید بتواند به خودش بقبولاند که آثار دیگران را مطالعه کند و بدون الگو برداری، از آنها بهره‌بردارد. شما به عنوان یک مترجم حتماً از جایگاه ادبیات ما در دیگر کشورها خبر دارید. این وضعیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با کمال تأسف باید بگویم ادبیات امروز ما در کمتر کشوری شناخته شده است، البته چند شاعر کلاسیک همواره در کشورهای دیگر شناخته شده

گرایش به سادگی این است که من با شعرهایی که زیاد درگیری زبانی ایجاد می‌کند ارتباط برقرار نمی‌کنم و در ترجمه هم به سراغ چنین شعرهایی نمی‌روم. پس بر این اساس باید کار ترجمه خیلی به شعرهای شما کمک کرده باشد. بله. همان طور که خودتان گفتید من در ترجمه دنبال شعرهایی هستم که پرتاب احساسی داشته باشند. شما فکر می‌کنید استفاده از درگیری‌های زبانی امروز نباید در شعر به کار رود؟ تا جایی که فضای شعر اجازه بدهد اشکالی ندارد اما کار نباید به جایی برسد که شاعر بعد از مدتی متوجه شود که سال‌ها مسیری اشتباه را می‌رفته است. یکی از خصایص شما این است که سرودن و ترجمه را با هم دنبال می‌کنید. کمی از حال و هوای شعر دیگر کشورها بگویید. من در ترجمه به دنبال شعرهایی هستم که واقعا دوستشان دارم، الان هم مشغول ترجمه شعرهایی از کشور لیتوانی هستم که آثار کلاسیک و معاصر و مدرن را شامل می‌شود؛ شعرهایی که از قرن هجدهم

احترام سادات توکلی متولد ۱۳۵۸ در اولین مجموعه شعرش بیش از هر چیز به سادگی در شعر گرایش دارد و تلاش کرده دنیای درونی اش را به وضوح با مخاطب تقسیم کند. توکلی علاوه بر سرودن شعر در عالم ترجمه هم فعال است. این شاعر و مترجم فارغ التحصیل رشته زبان انگلیسی است. یکی از مشخصات شعرهای شما این است که سعی نکرده‌اید به جز یک پرتاب احساسی شاعرانه به چیز دیگری فکر کنید و همین امر شعرهای شما را به شعرهایی ساده و خواندنی تبدیل کرده است. دلیل گرایش به این سادگی در شعر چیست؟ برداشت شما درست است. شاید یکی از دلایل این باشد که من علاوه بر شعر، درگیر ترجمه شعر از کشورهای دیگر هم هستم و در این ترجمه‌ها متوجه شده‌ام که زبان شعر در جهان امروز دیگر آن زبان سخت و دیر هضم نیست، یعنی این که شاعران امروز با پشت سر گذاشتن تجربه‌های خودشان و استفاده از تجربیات دیگران به جایی رسیده‌اند که احساس می‌کنند پیش از این در جذب مخاطب موفق نبوده‌اند. یکی دیگر از دلایل این

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هجده عنوان کتاب برکارتین ناشر؛ سیدمحمد شب‌آبادی با چهار عنوان برکارتین مولف؛ و سعید نفیسی با دو عنوان برکارتین مترجم بوده‌اند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۲۰۰۰ ریال	بهار زندگی: در حکومت حضرت مهدی (ع.ج)؛ انتشار: گلستان کونور، چاپ ۱، ۶۴ صفحه، ۳۰۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۲۰۰۰۰۰ ریال	دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی: از روی نسخه تصحیح شده علامه محمد فروزی با ترجمه اموال...؛ انتشار: پیام عدالت، چاپ ۱۸، ۴۴۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۶۶ مرتبه	حکایت دولت و فزونی، مبارک فیض، گیتی خوشنیل، انتشار: قطره، ۱۲۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۷۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	برسنان حجاب‌شادسی، انتشار: امیرالمؤمنین، چاپ ۱، ۹۶ صفحه
کمترین شمارگان	۳۵۰ نسخه	لعین هدف بهسازی لوزه‌ای پل‌های راه‌آهن (فلسفی و پندس مرکب)، انتشار: وزارت راه و ترابری، معاونت آموزش تحقیقات و فناوری، پژوهشگاه حمل و نقل، چاپ ۱، ۸۲ صفحه، ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۷۸۶ صفحه	مجموعه قوانین و مقررات جزایر همراه با آراء وحدت رویه، نظریات شورای نگهبان، نظریات مشورتی...؛ انتشار: پارس، چاپ ۱۷، ۲۰۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۶ صفحه	ملاقات با خدا (ایرانیون جشن تکلیف دختران)، انتشار: خورشید هدایت، چاپ ۱۲، ۴ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۱۰۰۰ ریال	راهنمای کام به کام دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، حسین قمری، انتشار: انتشارات کانون پرورش فکری، چاپ ۳، ۱۳۶ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۴۹۰۰۰۰ ریال	حل تشریحی مسائل ریاضی عمومی (۱) پیام نور به اهتمام فضل دلایه و سری از چند دوم، میترا جلالی، انتشار: ایثارگران، چاپ ۳، ۴۱۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۳۲ مرتبه	دفتر برنامه‌ریزی به روش فلویس، کاتلم فلویس، انتشار: کانون فرهنگی آموزش، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۷۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	راهنمای کام به کام زبان انگلیسی (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی، انتشار: ۱۳۸۷-۸۸، عبدالعزیز القسری، انتشار: انتشارات کانون پرورش فکری، چاپ ۱، ۴۸۰ صفحه، ۳۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	دین و زندگی آسان است شامل: تمامی سوالات کنکورهای سراسری، ارادت فلسی حرف‌های و کارهایش از سال ۱۳۸۵ به بعد بر اساس آخرین... حسین احمدی، انتشار: حسین احمدی، چاپ ۱، ۲۵۰۰۰ نسخه، ۲۵۰۰۰ ریال

نوع کتاب	تعداد ناشران در این هفته				تعداد ناشران در این هفته
	مترجم	زن	مرد	زن	
کتاب کمک‌درسی	۱۱۱	۴۰	۶۴	۶۷	۹۵

* مؤلف، تالیس دیده‌اندگان باشد نوشته‌اند. ناشر: کانون پرورش فکری، ترجمه و... به جز مترجم

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی هفته‌نامه «کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۱۹/۵ تا چهارشنبه ۲۳/۵، ۱۰۱۹ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع دین و سپس ادبیات بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات کودک و نوجوان، آموزشی و کمک‌درسی، علوم عملی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تایید*	ترجمه	چاپ اول	نسخه چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	حجم متوسط
۱	کتابت	۱۲	۱۱	۱	۶	۶	۱۱	۱	۴۹۱۸	۴۶۲
۲	فلسفه و روانشناسی	۳۶	۱۷	۱۹	۱۴	۲۲	۲۲	۴	۲۴۰۹	۲۷۴
۳	دین	۱۲۵	۱۰۷	۱۸	۵۰	۷۵	۸۵	۴۰	۶۶۲۶	۲۹۴
۴	علوم اجتماعی	۵۰	۴۲	۸	۲۹	۲۱	۲۱	۱	۲۸۷۸	۲۲۷
۵	زبان	۲۶	۲۲	۴	۱۷	۱۴	۱۴	۲	۲۵۲۳	۴۵۱
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۲	۱۸	۴	۱۴	۹	۲۱	۲	۲۳۷۳	۲۴۷
۷	علوم عملی	۸۲	۵۳	۲۹	۲۶	۴۶	۲۶	۶	۲۲۸۶	۲۴۰
۸	هنر	۲۱	۱۲	۹	۱۱	۱۰	۲۱	۰	۱۹۹۵	۲۵۷
۹	ادبیات	۱۱۷	۹۲	۲۵	۶۰	۵۷	۱۰۹	۸	۲۶۶۸	۳۴۶
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۴۱	۲۷	۴	۲۲	۸	۲۹	۲	۲۲۶۸	۲۷۵
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۹۸	۹۸	۰	۹۸	۷۹	۹۸	۰	۴۴۰۹	۲۵۲
۱۲	کودک و نوجوان	۱۰۰	۸۴	۱۶	۴۰	۶۵	۸۹	۱۶	۵۶۴۸	۴۵
	جمع بندی	۷۲۶	۵۸۳	۱۴۸	۴۱۴	۴۱۲	۶۴۴	۸۴	۲۳۳۴	۲۹۲

* تأیید به تالیس از طریق ناشران که ترجمه کنند. آوری بین تصحیح، تالیس، گردآوری، تحقیق، نشر و انتشار.
** منظور از موضوع آموزشی و کمک‌درسی، کتاب‌های است که به صورت مواد آموزشی و پژوهشی آموزش تمام مناطق تحصیلی انتشار، راهنمایی و تربیت مربوط هستند و مطالب آنها دانش‌آموزان از پیش‌دانشگاهی تا غیرمتوسط هستند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گرانترین کتاب	۷۰۰۰۰ ریال	قصه‌های پریان کتاب آبی، اندرو لانگ، علی‌اکبر خداپرست، انتشار: کاروان، کتاب لوک، چاپ ۳، ۴۱۸ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۶ مرتبه	آموزش هروف عربی، سیدمحمد مهدی طباطبایی، انتشار: جامعه القرآن الکبری، ۴۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۲۵۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۶۵۰۰ نسخه	آزم و خوا (ع) حسین فتاحی، انتشار: فدایی، کتابهای منطقه، چاپ ۳، ۱۲۳ صفحه، ۴۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	قصه‌های پریان کتاب آبی، اندرو لانگ، علی‌اکبر خداپرست، انتشار: کاروان، کتاب لوک، چاپ ۳، ۴۱۸ صفحه، ۷۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۱۸ صفحه	قصه‌های پریان کتاب آبی، اندرو لانگ، علی‌اکبر خداپرست، انتشار: کاروان، کتاب لوک، چاپ ۳، ۱۰۰۰ نسخه، ۷۰۰۰۰ ریال



با معصومه امین درباره ترجمه کتاب «بازیگری در رادیو» اثر آلن بک

صداها به صحنه می روند



معصومه امین از مترجمانی است که در طول فعالیت حرفه ای خود در حوزه تئاتر گرایشی قابل توجه نسبت به نمایش رادیویی نشان داده است. گرچه از او ترجمه های مهم «نگارش کمندی» و «نمایش نامه نویسی قدم به قدم» را دیده ایم اما در حوزه نمایشنامه نویسی دیده ایم اما بیشترین آثار او مانند «رادیو موسیقی قالب ها نامگذاری ایستگاه» و «مصاحبه رادیویی» در حیطه نمایش رادیویی بوده است. آنچه در پی می آید گفت و گویی با معصومه امین در مورد آخرین اثر او «بازیگری در رادیو» است.

به نظر شما بازیگری در رادیو مستلزم برخورداری از چه ویژگی هایی است؟

بازیگر رادیو باید دارای ویژگی هایی چون سرعت، تعهد و دقت، دانش فنی کار در استودیو در کنار دیگر مهارت های بازیگری، برقراری ارتباط با شنونده از طریق خواندن از روی متن، کار کم اما بهره وری بسیار و نتیجه گیری سریع باشد.

بازیگری در مقابل میکروفون رادیو همانند بازیگری در فیلم یک فعالیت عملی است اما بازیگری در رادیو یکپارچگی کار بازیگر را از بین می برد و صدا از بدن و چهره جدا می شود، زیرا آنچه شخصیت نمایشی می گوید و آنچه عمل می کند از هم جدا می شوند. اما شنوندگان رادیو نه تنها از این تناقض ایجاد شده متضرر نشده اند، بلکه بهترین تصاویر را از راه گوش سپردن به نمایش های رادیویی دریافت داشته اند، بازیگران نیز با بهره گیری از نیروی خلاق و پر شور خود کوشیده اند تا به نحو مطلوبی نقش خود را از روی متن نمایش اجرا کنند.

ویژگی های کلی استودیوی نمایش رادیویی چیست؟

استودیوی تشریح شده در این کتاب، استودیوی نمایش یکی از معروف ترین خبرگزاری های رادیویی دنیا است که به طور معمول چهار اتاق دارد، استودیوی اصلی ضبط یا استودیوی زنده، اتاق مرده، اتاق فرمان و اتاق سبز. این چهار اتاق مجزا از هم ساخته شده اند تا صدا از دیوارها به سایر اتاق ها نفوذ نکند. استودیوی زنده فضایی است که بیشترین ضبط نمایش در آن صورت می گیرد. این استودیو اصطلاحاً حائزنده خواننده می شود چون در آنجا منابع صدا شکل حقیقی و زنده پیدامی کنند و صدا از منابع صوتی گوناگون به ارتعاش درمی آید و سپس سعی می شود تا بهترین شکل ثبت و ضبط صورت گیرد. استودیو یا اتاق مرده جایی است که انعکاس های صوتی را فروری نشانند و برای صحنه های نمایشی در فضای باز کاربرد دارد. اتاق فرمان نیز از طریق پنجره بزرگی به استودیوی زنده مشرف است. در اتاق فرمان گفت و گوهای نمایشی، موسیقی و جلوه های صوتی در هم می آمیزند و تنظیم صداها، جلوه های صوتی و موسیقی روی میز فرمان انجام می شود. اتاق سبز هم محل استراحت بازیگران است و زمانی که به حضور آنها در استودیوی نیاز نباشد، می توانند به اتاق سبز بروند و استراحت کنند.

تصور حرکت در نمایش رادیویی با چه تکنیکی به وجود می آید؟

تصور حرکت در استودیوهای معروف نمایش از طریق ضبط نمایش به صورت استریو خلق می شود. در ضبط به شیوه مونو صرفاً از یک میکروفون استفاده می شود، در حالی که در روش استریو دو میکروفون به نام میکروفون های متقاطع یا استریو به کار می رود که روی یک پایه یا روی دو پایه نزدیک به هم قرار

بازیگران در مورد سبک، سرعت، حال و هوا و مفهوم نمایش، در نظر گرفتن محدودیت زمانی و مالی و رهبری کل گروه تولید نمایش، تشریح جنبه های فنی تولید نمایش و سرانجام باورپذیر ساختن نمایش و زندگی بخشیدن به آن یکی از بازیگران رادیو که ترجمه این کتاب را خوانده بود در مورد این فصل از کتاب با عنوان «بازیگر و کارگردان» اظهار داشت که این فصل به ویژه برای کارگردان های نمایش های رادیویی آموزنده است. از آنجایی که کارگردان های نمایش رادیویی را تهیه کننده نیز می نامند، متأسفانه گاهی پیش می آید که تهیه کننده ها از دانش کافی برای کارگردانی نمایش برخوردار نیستند و زحمت بازیگران و گروه تولید در چنین مواردی مضاعف می شود.

روش های آماده سازی در بازیگری رادیو چگونه است؟

آماده سازی برای ایفای نقش در همه رسانه ها ضروری است. آماده سازی به بازیگر کمک می کند تا تمرکز یابد و تمرکز خود را حفظ کند. چهار روش در آماده سازی به منظور نقش آفرینی در رادیو وجود دارد؛ مطرح کردن سوالات اساسی، به کارگیری تخیل حسی، دریافتن کلیدواژه ها و کنش های جسمانی و دست یافتن به خلق و خو و احساسات شخصیت.

آماده سازی در رادیو بسیار سریع صورت می گیرد و کل نمایش ممکن است فقط در یک روز ضبط شود. در این حوزه بازیگر نمایش رادیویی باید سریع عمل کند چون گاهی فرصتی برای بداهه سازی و به خاطر آوردن احساسات شخصیت نمایشی وجود ندارد. بازیگر ممکن است حس کند که کاملاً در قالب شخصیت قرار ندارد و ویژگی های او حتی زمان را کم کرده است. اما این چهار روش آماده سازی به او کمک می کند تا با مشکلات احتمالی مقابله کند و تمرکزش را افزایش دهد.

مرور سؤالاتی نظیر کجا هستیم؟ چرا اینجا هستیم؟ چه چیزی مرا به اینجا کشانده؟ چه احساسی به دیگر شخصیت ها دارم؟ و با چه موانعی مواجه خواهم شد؟ باعث می شود تا بازیگر به کنش نمایشی و نقش خود در صحنه بیندیشد. به کار انداختن قوه تخیل برای بازیگر بسیار حیاتی است. کجا هستیم؟ سؤال مهمی است و بازیگر به وسیله تخیل حسی مکان نمایش را خلق می کند. زیرا ممکن است هیچ وسیله یا شیئی در دکور صحنه نباشد که بتوان به وسیله آن به نمایش هیجان و معنا بخشید، آن گونه که استانیسلاوسکی و دیگران برای خلق شخصیت نمایشی روی صحنه تئاتر پیشنهاد می دهند، تمرکز بر حواس پنج گانه باعث می شود بازیگر به نمایش واقعیت ببخشد. جست و جوی محرک های حسی در صحنه مثلاً تحریک حس بویایی از بوی غذایی که در آشپزخانه در حال پختن است یا تحریک حس بساوابی به خاطر سرد بودن بستر به بازیگر کمک می کند تا تمرکز بیشتری یابد. در رادیو نیز همچون تئاتر و فیلم پرداختن به احساسات شخصیت برای آماده سازی ضروری است. صدای شخصیت در رادیو بیش از دیگر ویژگی های او اهمیت دارد. از طریق یافتن احساسات و ویژگی های شخصیتی نمایشی می توان به صدا دلپهجه او پی برد. هر شخصیتی در صدایش زندگی می کند، همان گونه که در در دنیای خاص خود به سر می برد زیرا صدا در واقع مرکز بدن و ذهن انسان و به تعبیری کانون تن و روان است. بنابراین بازیگر رادیو باید به صدای خود لباس شخصیت نمایش را بپوشاند.

یادداشت

پرویز فنی پور



جدیت بازیگری رادیویی

بازیگری در رادیو اولین کتاب در زمینه اختصاصی بازیگری در رادیو است که به قلم آلن بک، مدرس نمایش رادیویی در دانشگاه کانتربری در ۱۹۹۷ نگاشته شده است. آلن بک با توجه به سابقه رادیوهای بزرگ و جهانی در تولید نمایش های رادیویی در قرن گذشته و با بهره گیری از تجارب دست اندرکاران نمایش در رادیو و نیز تجربه خود در مقام مدرس نمایش رادیویی دست به نگارش این کتاب زده است. بزرگ ترین پیام «بازیگری در رادیو» به گفته نویسنده این است که بازیگری در رادیو به هیچ وجه کم اهمیت تر از بازیگری در فیلم نیست. جدی انگاشتن این حوزه از بازیگری و توجه به ضروریات آن در سرتاسر این کتاب تکرار شده است. هدف از تولید نمایش رادیویی اعم از سرگرم ساختن مخاطب، آموزش یا اطلاع رسانی به او محقق نمی شود مگر آن که به مسائل ساختاری، هنری و آموزشی در حوزه بازیگری در رادیو توجه بیشتری مبدول شود.

البته بازیگر رادیو همچون دیگر هنرمندان در حوزه های هنری در کنار آموزش باید از درونمایه کافی برای این کار برخوردار باشد. بنا به گفته آلن بک در مقدمه این کتاب، هیچ یک از کتاب های آموزش بازیگری نمی توانند خلاقیت را آموزش دهند یا استعداد بازیگری را به شخصی تزریق کنند. هیچ قاعده یا شیوه درست بازیگری نیز وجود ندارد تا بتوان به آن استناد کرد. آنچه این کتاب عرضه می دارد صرفاً یک راهنمای درون سازمانی برای استودیوهای نمایش رادیویی و نیز فراهم آوردن دیدگاه ها و تجارب دست اندرکاران این حرفه برای خوانندگان است. نویسنده «بازیگری در رادیو» مطالعه این کتاب را برای همه بازیگران، کارگردانان و کارکنان تولید که اصطلاحاً در مقابل میکروفون رادیو کار می کنند، توصیه کرده و امیدوار است همه بازیگران صرف نظر از این که پیشینه شغلی و تحصیلی شان چه باشد از این کتاب بهره مند شوند.

بر اساس تقسیم بندی نویسنده کتاب، ده سبک بازیگری در رادیو وجود دارد که عبارتند از واقع گرایی یا تولید متداول، کلاسیک، مونولوگ یا تک گوئی و بیان افکار درونی، روایت، طنز، نمایش های کودکانه، اجرای گونه های خاص نظیر ژانرهای ترسناک و علمی - تخیلی، نمایش های دنباله دار، نمایش های محلی که با تکیه بر لهجه در شهرستان ها تولید می شود و سرانجام نمایش های غیرواقع گرا. واقع گرایی جریان اصلی نمایش رادیویی است. این شیوه از نظر کارگردان، مختص جلوه های صوتی و افراد حاضر در اتاق فرمان و یک شیوه کامل تولید نمایش است که هر نوع انحراف و تغییر از این شیوه تولید، فرایند کار را کند می سازد. البته سبک واقع گرا ساده تر است و فضای صوتی در آن خنثی (مونولوگ رادیویی) یا نیمه خنثی (گفت و گوی اتاق نشیمن) است.

در ترجمه کتاب مذکور نیز، دو نکته قابل توجه وجود دارد؛ نخست آن که مترجم با توجه به محتوای اثر که در آن گرایش های تکنیکی نسبت به بازیگری آشکار است از زبان پردازی معمول در ترجمه خودداری کرده است و بیشتر به زبانی فنی گرایش داشته و نکته دیگر که به کتاب ارزش خاصی می بخشد انتخاب این اثر برای ترجمه است؛ چرا که «بازیگری در رادیو» در حوزه نمایش رادیویی اثری ارزشمند تلقی می شود.



روایت اول شخص

ترجمه نهج البلاغه

دکتر طاهره صفارزاده؛ شاعر

چند روزی است که انتشارات رهنما کتاب نهج البلاغه مرا به سه زبان عربی، انگلیسی و فارسی روانه بازار کرده است. با توجه به این که کتابی از نهج البلاغه به زبان انگلیسی در بازار وجود نداشت بر خود لازم دیدم تا برای پر کردن این خلأ بخشی از نهج البلاغه را به زبان انگلیسی ترجمه کنم.

این کتاب که حدود سه سال از وقت مرا به خود اختصاص داده است حجمی در حدود ۲۰۰ صفحه را دربرمی گیرد. از آنجا که من احساس کردم ترجمه صرف و فاقد شرح برخی از خطبه ها و نامه های امام علی (ع) ممکن است منجر به ایجاد ابهام برای انگلیسی زبانان در کشورهای دیگر شود لذا تا حد امکان از آوردن آنها در این کتاب خودداری کردم. لذا بخش هایی از کتاب نهج البلاغه در این کتاب آورده شده که مسائل اصولی یعنی خداپرستی، قرآن کریم و پیامبر اعظم (ص) را دربرمی گیرد.

این روزها بیشتر مشغول نقد و ارزیابی کتاب های دینی، سیاسی و اجتماعی هستم و بیشتر زمان خود را به این مسائل اختصاص داده ام.

لیزر در پزشکی

دکتر عباس مجدآبادی؛ علم پژوه

مدتی پیش کتاب نخستم در مبانی لیزر پزشکی تحت عنوان لیزر و کاربرد آن در تسلیحات هوشمند روانه بازار شد که بیشتر به کاربرد لیزر در مسائل مختلف می پرداخت. در حال حاضر کتاب دیگری درباره مبانی لیزر در دست تالیف دارم با عنوان برهم کنش لیزر بافت که در ماه های نه چندان دور توسط انتشارات علوم پایه به بازار عرضه می شود.

این کتاب که حجمی حدود ۱۸۰ صفحه را دربرمی گیرد در فصل های نخست خود به مباحث مقدماتی و مبانی لیزر، انواع لیزرها و میزان عبور و جذب آنها پرداخته و در فصل های بعدی برهم کنش لیزر را در انواع بافت های بدن و استخوان ها و همچنین آسیب های ناشی از کاربرد لیزر در ارگان های بدن را مورد بررسی قرار می دهد.

حدود ۱۰ سال پیش کتابی از نیمز (nimz) پزشک آمریکایی درخصوص برهم کنش لیزر در بافت های بدن نوشته شد که درک مطالب آن برای پزشکان ما بسیار مشکل بود و نیاز به مباحث مهندسی و ریاضی پیچیده داشت و من بیشتر سعی داشتم در این کتاب مباحث را برای پزشکان به صورت ساده و قابل درک بنویسم.

کتاب بی نام

محمود اکرامی فر؛ شاعر و منتقد ادبی

این کتاب اسم ندارد کتابی است که تا چند روز آینده از انتشارات تکا روانه بازار خواهد شد. این کتاب مجموعه اشعاری از من در قالب ۸۰ غزل یک چارپاره و چندین مثنوی و ۷۰ شعر سپید را دربرمی گیرد که اغلب آنها تاکنون به چاپ نرسیده بود. شاید به جرئت بتوان گفت که تاکنون تعداد غزل های یک مثنوی از دو تا سه غزل تجاوز نمی کرده است. اما من در این کتاب به یک مثنوی درباره شهدای دفاع مقدس پرداختم که ۲۹ غزل را دربرمی گیرد، سایر مثنوی های موجود در این کتاب

به نعت و منقبت حضرت فاطمه (ع)، حضرت علی (ع) و یک چارپاره درباره پیامبر اکرم (ص) می پردازد. کتاب دیگری که این روزها سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد در تدارک چاپ آن است، مجموعه نثری از مراد برمی گیرد. این کتاب که به دو بخش تقسیم بندی شده است در بخش نخست به شخصیت حضرت علی (ع) پرداخته و بخش دوم آن به موضوعاتی همچون واقعه عاشورا، عشق و زندگی شهر نشینی و اختصاص دارد.

تحلیل و بررسی وبلاگ های فارسی سومین کتابم به صورت پژوهشی است که طی ماه های نه چندان دور روانه بازار خواهد شد. این کتاب که یک منبع پژوهشی به شمار می رود مباحثی همچون تاریخچه وبلاگ، ظرفیت های وبلاگ ها با توجه به شرایط مخاطب و مسائل علمی، فرمت های وبلاگ در زمینه انتقال و ترویج فرهنگ و آسیب های موجود در وبلاگ های فارسی را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد.

ارمغان سفرنامه ها

رسول جعفریان؛ دین پژوه

انتشارات دلیل ما در تدارک است تا در آینده ای نه چندان دور کتابی دیگر از مرا با عنوان دفتر هفدهم روانه بازار کند. این کتاب از ۲۵ مقاله و گزارش بلند و کوتاه تشکیل شده است که مقالات آن بیشتر موضوعات مختلف تاریخی از تاریخ اسلام تا تاریخ معاصر ایران و همچنین شماری از سفرنامه ها را دربرمی گیرد.

این کتاب که حجمی حدود ۶۰۰ صفحه را شامل می شود به عنوان منبعی تاریخی است که به گزارش های مختلف و معرفی برخی کتب تاریخی و متن های تصحیحی و همچنین یک کتاب خطی می پردازد.

سفرنامه های حج دوران قاجاریه و برخی از سفرنامه های حج خودم از دیگر مباحثی است که در این کتاب گنجانده شده است. پیش از این شانزده کتاب مشتمل بر مقالات تاریخی از من به چاپ رسیده بود که قرار است انتشارات دلیل ما این مقالات را در هشت مجلد به چاپ برساند که علت اصلی آن نایاب شدن این مقالات در بازار است.

ترجمه داستان های قرآنی

مجتبی رحماندوست؛ داستان نویس و مترجم

انتشارات سوره مهر در تدارک است تا کتاب نگهبان غار مراد در آینده ای نه چندان دور روانه بازار کند. این کتاب که ترجمه داستانی عربی نوشته احمد بهجت است، ۱۶ مجموعه داستان از داستان های قرآنی را از زاویه دید حیواناتی که نامشان در قرآن کریم آمده دربرمی گیرد. در واقع روایت داستان های قرآنی از زاویه دید حیوانات که نگاه تازه ای است انگیزه اصلی من برای ترجمه این کتاب بوده داستان هایی همچون گاو بنی اسرائیل، نهنگی که حضرت یونس (ع) را بلعید که ورود تخیل و اطلاعات خارج از فضای داستان ها بر جذابیت آنها افزوده است.

همسفر عنوان کتاب دیگری است که انتشارات تکا در تدارک است این کتاب را به عنوان یکی از مجموعه های ۱۰۰ مجموعه داستان برگزیده از ۱۰۰ نویسنده روانه بازار کند.

این کتاب مشتمل بر ۲۰ داستان کوتاه با مضامین اجتماعی، دفاع مقدس و داستان های سایر ملل است که حجمی حدود ۲۵۰ صفحه را دربر خواهد گرفت.

انسان در تهدید قاچاق

دکتر غلامحسین معتمدی؛ روان شناس

قاچاق انسان عنوان کتابی است که طی ماه های نه چندان دور روانه بازار خواهد شد. این کتاب که حجمی حدود ۳۰۰ صفحه

را دربرمی گیرد قاچاق انسانی در ایران و جهان را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد.

تحلیل کلی بر قاچاق و ارائه آمار از قاچاق انسان، چالش ها و عوامل به وجود آورنده قاچاق و راهکارهای موجود برای کاهش قاچاق انسان از دیگر مباحثی است که در این کتاب بدان پرداخته می شود. این کتاب به عنوان یک منبع تحقیقاتی و کاربردی مناسب برای دانشجویان و همچنین افرادی است که آسیب های اجتماعی را مورد مطالعه قرار می دهند.

در حال حاضر نیز در خصوص دیگر آسیب های اجتماعی از



طاهره صفارزاده

رسول جعفریان

جمله اعتیاد که گریبانگیر برخی از اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان شده است مقالاتی را در دست چاپ دارم. البته این روزها به دلیل تدریس در دانشگاه و بررسی و ارزیابی پایان نامه های دانشجویان فرصت کمتری برای نوشتن کتاب دارم.

داستان های موازی

احمد پوری؛ مترجم و داستان نویس

انتشارات چشمه این روزها در تدارک است تا نخستین رمان مرآت تحت عنوان دو قدم این ور خط به بازار عرضه کند. این رمان مضمونی اجتماعی دارد که درصدد معرفی و شناساندن برخی از واقعیت های اجتماعی است.

این روزها در کنار ترجمه شعرهای چارلز بوکوفسکی ترجمه کتاب دیگری از مجموعه اشعار پابلو نرودا شاعر شیلیایی را در دست دارم که ۱۰۰ مجموعه شعر از این شاعر را دربرمی گیرد و نشر چشمه ظرف ماه های نه چندان دور آن را روانه بازار خواهد کرد.

هوا را از من بگیر، خنده ات را نه، خاطره ای در درونم هست نوشته آنا آخمتووا شاعر روسی و دنیا را شکستم بدون تو از ناظم حکمت از دیگر کتاب هایی است که این روزها نشر چشمه به دلیل استقبال خوب مخاطبان درصدد چاپ مجدد آنهاست.

عذرخواهی از عشق

سید ضیاءالدین شفیعی؛ شاعر

با معذرت از عشق عنوان کتابی است که در آینده ای نزدیک روانه بازار خواهیم کرد. این کتاب مروری است بر مقوله عشق در ادبیات کلاسیک با تاکید بر شعرهای سبک هندی که مجموعه ۱۰۰ غزل برگزیده فیاض لاهیجی با محوریت عشق در نگاه کلاسیک در آن گنجانده شده است.

کتاب دیگرم که در ماه های نه چندان دور به بازار عرضه می شود، بعد از سکوت نام دارد که مشتمل بر چند فصل است. شاید عاشق شده باشم یکی از فصل های این کتاب است که در واقع پرده دوم مجموعه ای از اشعارم با موضوع عشق را دربرمی گیرد. پرده اول این مجموعه سال گذشته با عنوان من مرگ را او خطاب می کنم به چاپ رسید که به موضوع مرگ می پرداخت و پرده سوم این مجموعه نیز به موضوع خدا خواهد پرداخت که سال آینده منتشر می شود.

از ویژگی های این مجموعه همزمانی آن به دو زبان فارسی و انگلیسی است که بازگویی این مجموعه به زبان انگلیسی را نویسنده ای انگلیسی به عهده گرفته است.

فصل دوم کتاب بعد از سکوت به مجموعه غزل های دیگری با عنوان خیال های شهری می پردازد که بخشی از غزل های برگزیده آن توسط انتشارات تکا در ۱۰۰ مجموعه برگزیده از ۱۰۰ نویسنده به چاپ رسیده بود. البته خیال های شهری خود عنوان کتابی مشتمل بر هفت دفتر از مجموعه اشعارم است که این روزها منتشر شده است و من نام آن را برای یکی از فصل های کتاب بعد از سکوت نیز انتخاب کردم.